



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

درباره تو احکام

(روش های بیان احکام)

رضا قربانیان



مجلس شورای اسلامی ایران
تألیف: رضا قربانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در پرتو احکام: روش های بیان احکام

نویسنده:

رضا قربانیان

ناشر چاپی:

اقیانوس معرفت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	در پرتو احکام : روش های بیان احکام
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	در پرتو احکام
۱۲	در پرتو احکام « روش های بیان احکام »
۱۹	مقدمه
۳۱	بخش اول: جایگاه و عظمت احکام
۳۱	اشاره
۳۳	جایگاه احکام در نظام تکوین و تشریح
۳۴	احکام الهی غذای روح بشر
۳۵	احکام مایه اشباع و سقاییت روح انسان
۳۶	سرچشمه پایبندی به احکام
۳۸	اهمیت احکام از منظر عقل و منطق
۳۹	اهمیت فراگیری احکام از منظر قرآن و عترت
۴۲	عظمت فراگیری احکام از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام
۴۳	گسترده‌گی و دامنه وسیع و قلمرو احکام
۴۳	اهمیت احکام در نظر علماء و فقها
۴۴	اهمیت احکام در نظر شیعیان صدر اسلام
۴۴	فقه و فقها و فقاهت
۴۷	تقلید و اجتهاد
۴۸	پرسش و پاسخ یا در جستجوی مسایل
۴۹	مباحث کلی فقه و احکام و تکلیف
۵۲	فهرست احکام

۵۵	تکلیف و تقلید
۵۶	سن بلوغ و تکلیف
۵۷	عمل به تکالیف
۵۸	الزامی بودن تکالیف
۵۸	اسباب سقوط تکلیف
۵۸	نظر مجتهد در ارتباط با مقلد و بعضی از اصطلاحات فقهی
۶۳	راه های شناخت مجتهد جامع الشرایط و مجتهد اعلم
۶۳	بقاء بر تقلید از مجتهد میت
۶۳	چند مسأله قابل توجه درباره تقلید
۶۷	بخش دوم: روش های بیان احکام
۶۷	اشاره
۶۹	روش های بیان احکام
۶۹	اشاره
۷۲	۱- شیوه ابزاری و پرسش و پاسخ
۷۴	۲- شیوه عملی
۷۵	۳- شیوه عاطفی و تشویقی
۷۷	۴- شیوه بیان فلسفه و اسرار احکام
۷۷	اشاره
۷۸	فلسفه بعضی از موارد نظام تکوین
۷۹	فلسفه یا اسرار بعضی از موارد نظام تشریع
۸۰	نکته مهم پیرامون فلسفه طهارات ثلاث
۸۰	۵- شیوه دسته بندی و نموداری مناسب و جامع
۸۰	اشاره
۸۱	دسته بندی و مراحل آموزشی
۸۱	اشاره
۸۲	نمونه هایی از دسته بندی مرحله اول

۸۲ اشاره
۸۴ حالات انسان
۸۶ شکایات نماز
۸۶ اشاره
۹۰ دستور سجده سهو
۹۱ نماز احتیاط
۹۱ نمونه ای دیگر از دسته بندی مرحله دوم (بحث طهارت)
۹۱ طهارت
۹۱ اقسام طهارت
۹۱ اشاره
۹۲ ۱- طهارت ظاهری (پاکیزگی)
۹۳ ۲- طهارت ظاهری (طهارت از خبث)
۹۳ اشاره
۹۴ نجاسات
۹۸ راه نجس شدن چیز های پاک
۱۰۲ مطهرات ده چیز است
۱۰۲ احکام مطهرات
۱۱۳ کیفیت یا نحوه طهارت
۱۱۴ ۳- طهارت ظاهری و باطنی (طهارات ثلاث یا طهارت از حدث)
۱۱۴ اشاره
۱۱۵ الف: وضو
۱۲۴ ب: غسل
۱۲۷ ج: تیمم
۱۲۷ اشاره
۱۲۸ دستور تیمم
۱۳۱ ۴- طهارت باطنی

- ۱۳۱ - - - - - اشاره
- ۱۳۲ - - - - - ۱- نجاسات باطنی ده چیز است
- ۱۳۳ - - - - - ۲- مطهرات باطنی ده چیز است
- ۱۳۴ - - - - - ۳- کیفیت یا نحوه طهارت باطنی
- ۱۳۴ - - - - - اشاره
- ۱۳۵ - - - - - ۱- آب وسیله طهارت است
- ۱۳۷ - - - - - ۲- آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند
- ۱۳۸ - - - - - ۳- طهارت ثلاث فی حد نفسه واجب نیست بلکه به خاطر نماز واجب می شود
- ۱۴۱ - - - - - کارنامه احکام
- ۱۴۵ - - - - - کارنامه نماز
- ۱۴۷ - - - - - راهنمایی
- ۱۴۸ - - - - - فرم مصاحبه و ارزیابی نماز
- ۱۵۱ - - - - - نمودار حلیت و حرمت غذاهای حیوانی
- ۱۵۲ - - - - - بخش سوم: ۱۱۰ سؤال و جواب متداول و مهم احکام
- ۱۵۲ - - - - - اشاره
- ۱۵۴ - - - - - سؤالات متداول و مهم احکام
- ۱۹۰ - - - - - منابع
- ۱۹۲ - - - - - پاسخ نامه
- ۱۹۳ - - - - - آثار و تالیفات نگارنده
- ۱۹۵ - - - - - درباره مرکز

در پرتو احکام : روش های بیان احکام

مشخصات کتاب

سرشناسه: قربانیان رضا، 1331 -

عنوان و نام پدیدآور: در پرتو احکام «روش های بیان احکام» / رضا قربانیان؛ تهیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان

مشخصات نشر: اصفهان: اقیانوس معرفت 1390.

مشخصات ظاهری: 160ص نمودار.

شابک: 6-52-5301-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

عنوان دیگر: روش های بیان احکام.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه.

موضوع: اسلام -- تبلیغات.

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی شعبه استان اصفهان.

رده بندی کنگره: 44 ق / 9 / 183 BP

رده بندی دیویی: 297/3422

شماره کتابشناسی ملی: 2552833

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم.

ص: 2

در پرتو احکام

«روش های بیان احکام»

تألیف: رضا قربانیان

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان

انتشارات اقیانوس معرفت

ص: 3

در پرتو احکام « روش های بیان احکام »

مؤلف: رضا قربانیان

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان

ناشر: اقیانوس معرفت

قطع و تعداد صفحات وزیری / 160 صفحه شمارگان 2000 نسخه نوبت چاپ اول - 1390

لیتوگرافی آسمان چاپ هشت بهشت * صحافی امین

شابک: 978 - 600 - 5301 - 52 - 6

مدیر: تولید سید محسن موسوی

قیمت: 3000 تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

تلفکس: ناشر 4484227 (0311) همراه: 0913 300 5754

ص: 4

اللَّهُمَّ أَعْظِني بِصِيْرَةٍ في دِيْنِكَ وَفَهْمًا في حُكْمِكَ وَفَقْهًا في عِلْمِكَ .

صحيفه سجاديّه، دعاى ابو حمزه ثمالى

ص: 5

تمام جهان هستی در سه کتاب مبین و به هم پیوسته خلاصه شده که هر یک از این سه کتاب دارای صفحات یا اوراق خاص و اسرار فراوانی است؛ «هر ورقش دفتری است معرفت کردگار».

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی خبریم ***اَوَّل و آخر این کهنه کتاب افتاده است .

1- کتاب تکوین (طبیعت و نظام آفرینش):

(لا- رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ). (1)عالم آفرینش مانند کتاب بزرگی است . که همه چیز در آن وجود دارد و دارای اوراق بسیاری است اوراق و صفحات این کتاب عظیم عبارت است از :اسمان ،زمین کهکشانشها کوه ها، ستارگان، دریاها، خورشید ماه و ... که پیوسته تسبیح گویان به طور قهری در سه حالت (مانند حالات نماز به سر می برند. الف: قیام (مثل کوه ها و درختان)؛ ب: رکوع (نظیر چهارپایان)؛ ج: سجود (مانند خزندگان): (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ). (2)

ص: 11

1- انعام: 59

2- اسرا: 44

کتاب تکوین در یک محاسبه عمیق و نظم و میزان خاصی قرار دارد و هر چیزی در مدار و سرنوشت خود به راه خود ادامه می دهد: (الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَ النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَ السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ). در این، میان تنها موجودی که گاهی ناهم‌رنگ با طبیعت است و به طغیان و تجاوز از حد خود روی می آورد انسان است: (أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ). (1)

2- کتاب (تشریح قرآن و دیگر کتب آسمانی):

(قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ). (2). قرآن حاوی تمام کتب آسمانی بوده و مانند کتاب تکوین هیچ چیزی در آن فروگذار نشده است: (مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ). (3). قرآن دارای اوراقی است که هر ورق بلکه هر کلمه ای از آن کتاب مبارک و کریم و عظیم معجزه الهی و همچون کتاب تکوین در کمیات و کیفیات و نیز اعداد و ارقام مملو از اسرار و آیه های آن نیز چون ستاره های آسمان چشمک زنان اطراف وجود انسان را روشنایی می بخشد در این کتاب مبین، هدایت رحمت و بشارت و بیان هر چیزی موجود است: (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ). (4)

3- کتاب وجود انسان :

اتَّرَعَمَ أَنَّكَ جِرْمَ صَغِيرٍ *** وَ فِیکَ انطوی العالمُ الأکبَرُ.

وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي *** بِأَحْرَفِهِ يُظْهِرُ الْمُصْمَرُ. (5)

ص: 12

1- رحمن. 8-5

2- مائده: 15

3- انعام 38

4- نحل: 89

5- دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیهم السلام، ص 175

انسان ماهیتی است ناشناخته و مجموعه ای از اسرار پیچیده که زیر پوشش های قدرت آفریدگار عالم مستور می باشد و در حقیقت چون گنجینه ای است که انبیای الهی او را از زیر خاک آشکار ساخته و یا چون معدن طلا و نقره و فلزات گرانبها است که معدن شناسان الهی آن را استخراج کرده اند. منتها الیه انسان خداست؛ همان طور که مرجع وصولش نیز خداست: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). (1)

تو یک لفظی اما طلسم عجایب***تویی آن کتاب مقدس که در وی .

دریغا که معنای خود را ندانی***نبشته همه رازهای نهانی .

وجود تبارکی انسان کتابی است بسیار با عظمت با اوراقی فراوان در عظمت او همین بس که خالق انسان او را مانند کعبه به خود نسبت داده: (طَهَّرُ بَيْتِي). (2) (نَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي). (3)

لب و حقیقت مطلب آن است که با توجه به فلسفه عالم هستی در بین این سه کتاب، هدف اصلی انسان است و آن دو کتاب دیگر کتاب تکوین و تشریح برای انسان و در اختیار او قرار دارد (و خَلَقَ لَكُمْ). (4) خداوند متعال از باب قاعده لطف انسانی را که با هدفی مشخص، آفریده از تمام ابزار تکوین و تشریح نیز برخوردار نموده است. اوراق کتاب وجود انسان که صفحه اولش از عالم ذر آغاز شده و تا بی نهایت ورق زده خواهد شد تا بالاخره به ورق آخر یعنی ابدیت برسد باید راهی طولانی را تا الیه راجعون طی کند به طور قهری و حرکت اجباری انسان عوالمی را از عالم ذر تاکنون طی کرده و از هم اکنون تا ابدیت نیز طی خواهد نمود.

ص: 13

1- بقره: 156

2- حج 26

3- ص: 72.

4- بقره: 29

خداوند متعال در بین تمام موجودات جهان هستی تنها به انسان این امتیاز را عنایت فرمود تا با اختیار و اراده خود حرکت اختیاری و تکاملی داشته باشد. دو چیز مهم لازمه این حرکت و نیاز بشر است: یکی ابزار و وسیله مناسب برای زندگی، و دیگر راهنما برای راه تکامل و رشد.

کتاب تکوین و طبیعت با تمام اوراق زیبا و دل نشینی که دارد به طور کامل در اختیار و تسخیر انسان قرار گرفته تا انسان در بستری مهیا و مناسب زندگی انسانی داشته باشد و در این گهواره تکامل رشد و ترقی نماید خورشید و دیگر موجودات از عمق جانشان مایه میگذارند و خود را فدای انسان و برای او ایثار می کنند. مانند پروانه دور شمع وجود انسان می سوزند تا عمرشان تمام شود و تمام وجودشان ورق ورق در راه بشر در هم فروریزد: (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ...)، (1)، (وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ...)، (2)، (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) (3)

به طور کلی ساختمان عالم از روز نخست به صورتی طراحی مهندسی و معماری شده تا نیازهای بشر تأمین گردد. هدف عالی از این آفرینش و معماری جهان انسان کامل بود؛ انسانی که ثمره شجره وجود است و همه چیز را خداوند به خاطر او آفریده است: (خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِاجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِاجْلِي). (4) بنابراین، از نظر عقلی و علمی اول هدف یا علت غایی که همان علت فاعلی است انسان کامل بود. بعد علت صوری و مادی.

ص: 14

1- تکوین 1-2

2- انفطار 3

3- زلزله 1

4- الجواهر السنیة، ص 710، حدیث قدسی

کتاب تشریح (قرآن و کتب آسمانی) نیز به عنوان راهنمای راه زندگی و وسیله ای برای هدایت: (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ)، (1)، هزاران گل به گلستان وجود انسان که گل سرسبد موجودات عالم است نثار نمود: (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ). (2) و از همان ورق اولش که سوره حمد و شفا است انسان را در پوشش هدایت و شفا و سلامتی قرار داد.

لطیفه ای زیبا: ورق اول وجود انسان عالم ذر و عالم عهد و میثاق است: (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ... (3)، که خداوند در آغاز خلقت ذرات عالم و انسانها را آفرید و آنان را مختار ساخت تا خود راه حق را انتخاب کنند که عده ای مقام برتر و والاتر یافتند: «وَعَلِمَتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِمَا عٰهَدْتَهُمْ...». (4) سپس ذرات وجودی انسان ها یا ارواح آنان به سخن خدا و عهد و میثاق الهی بلی گفتند: (قَالُوا بَلَىٰ) (5)

چون خدا آب و گل ما را سرشت *** کرد تقدیر قضا و سرنوشت.

هر کسی آنجا بلی گفت و نعم *** در حریم قدس حق شد محترم.

ز آن بلی فی بطن اُمه شد سعید *** هر که لا گفتا شقی گشت و پلید.

عقد آب و گل همان جا بسته شد *** نام هر کس ثبت در یک دسته شد.

حزب باطل یک طرف، حق یک طرف *** این طرف، خَس آن طرف درنجف.

راه حق جز راه اهل بیت علیهم السلام نیست *** با علی علیهم السلام هرکس نباشد خارجی است.

ص: 15

1- بقره: 2

2- اسرا 9

3- پس 60

4- دعای ندبه

5- عراف: 172

این علی علیه السلام معیار حق و باطل است *** جز به حب او عمل بی حاصل است.

شکر بگذارید ای اهل ولاء *** که بلی گفتید در قالوا بلی.

شکرای اهل ولای اهل بیت علیهم السلام *** خورده دلها تان جلای اهل بیت علیهم السلام.

آری همان دسته ای که در آن عالم بلی گفتند در دنیا نیز بلی می گویند. این بلی در آغاز کتاب وجود انسان و در ورق اول این کتاب به قدری شیرین و مهم بود که همان باء بلی و حرف اول آن در سرلوحه آغاز کتاب تشریح یعنی قرآن در ورق اول آن قرار گرفت و نقطه عطف انسان با خدا، با نقطه باء بلی و نقطه «بسم الله» آغاز و با خداوند متعال معطوف گردید. نقطه باء «قالوا بلی» همچنین نقطه باء «بسم الله الرحمن الرحیم» نقطه عطفی است بین انسان و خدا؛ و همین نقطه عطف، با ولایت عجین گشت؛ زیرا تمام قرآن در سوره حمد و سوره حمد در بسم الله الرحمن الرحیم و این آیه شریفه نیز در باء و باء هم در نقطه آن خلاصه شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أنا نُقطة تحت باء البسمة...» (1)

نقطه باءش بود مولی علی علیه السلام را رمز و راز *** چون که خود فرمود منم آن نقطه زیرین باء .

با توجه به ارتباط و هماهنگی صفحه اول کتاب وجود انسان و کتاب تشریح می توان گفت:

ما ز آغاز و ز انجام جهان با خبریم *** اول و آخر این کهنه کتاب نام علی علیه السلام است .

آری این رمز و رازها حکایت از آن دارد که اگر انسان بخواهد کتاب وجودش از هر نوع حادثه و آسیبی محفوظ بماند باید به اصل آفرینش خود توجه داشته و کتاب وجود خود را بین دو جلد محکم یعنی قرآن و عترت مجلد نماید (یک طرف-

ص: 16

1- ینابیع الموده، ج 1، ص 68.

جلد آن، قرآن و طرف دیگر عترت باشد) که در غیر این صورت این کتاب گرانها یعنی انسان دود و خاکستر خواهد شد (وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ) (1)

دو جلد مذکور به (انضمام کتاب تکوین) عامل مهم مصونیت از تمام خطرهای ورق و ورق یا پاره پاره شدن کتاب مقدس وجود تبارکی انسان است. این کتاب کریم (قرآن) و مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام (عترت) تمام صفحات عمر انسان را نورانی و ثمر بخش خواهند نمود و او را از ورطه هلاکت حفظ خواهند کرد.

پایبندی به کتاب تشریح ارتباط انسان را با خدا و با خود (در مجموعه عبادات) و در ارتباط او را با سایر افراد و موجودات دیگر (در مجموعه معاملات و آداب) تنظیم و هدایت می‌کند در این میان کافی است تنها به تابلو بزرگ و زیبای (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) (2)، در قرآن توجه شود؛ زیرا بدنه و پیکره مقدس اسلام در این کلمه از قرآن نهفته است؛ یعنی تمام اصول و فروع و هدایت و تربیت و همه ابعاد دینی به دنبال همین کلمه بیان گردیده است. (3)

التزام عملی و پایبندی نسبت به احکام الهی که در قالب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) مطرح گردیده، در حقیقت پاسخ مثبت و استمرار همان قالوا بلی در آغاز خلقت است که از همان روز نخست در صفحه اول کتاب وجود انسان مکتوب گردید و انسان با انتخاب، خود مجموعه تعهدات و عمل به احکام الهی را پذیرفت.

ص: 17

1- اعراف: 179

2- 89 نوبت در قرآن

3- در حدیثی از امام صادق علیهم السلام نقل شده که فرمود: «لَا ذَةَ مَا فِي النِّدَاءِ أَزَالَ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ»؛ لذت خطاب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) آن چنان است که سختی و مشقت عبادت را از بین برده است بنابراین روح انسان را برای پذیرش حکم الهی آماده می‌سازد. [مجمع البیان، ج 2، ص 271]

براین اساس، جایگاه احکام در زندگی انسان به عظمت جایگاه انسان در نظام آفرینش وسعت دارد و هر سه کتاب عالم هستی (تکوین، تشریح، انسان) در ارتباط با احکام از اهمیت فراوانی برخوردار است و تنها راه نجات انسان از خطرهای و پیچ و خم ها یا گرداب خطرناک دنیا هماهنگ شدن با دو کتاب تکوین و تشریح و توجه کامل به تابلوهای قرآن و آیین نامه زندگی یعنی مجموعه احکام الهی است (برای رسیدن به معرفت الهی و کمالات نیز راهی جز عبور از مسیر احکام و فقاقت نخواهد بود).

بنابراین، همان گونه که هنگام تردد در خیابان ها باید به آیین نامه راهنمایی و رانندگی توجه نمود مجموعه احکام (بایدها و نبایدها و حرام و حلال خدا) نیز آیین نامه زندگی است که باید به آن توجه کرد و در خیابان های زندگی به آنها ترتیب اثر داد تا بدین وسیله سالم به مقصد رسید؛ البته عمل نمودن به این تابلوها مترتب بر اخذ گواهینامه و فراگیری یا آموزش احکام است.

آموزش و فراگیری صحیح احکام عملی و اعمال عبادی اسلام نیز مترتب بر مراجعه به کارشناسان دینی یعنی فقها و مراجع معظم تقلید است که از خداوند متعال چنین بینش و بصیرت دینی را طلب می نماییم عبادات تمرینی قبل از تکلیف نیز به منزله ی تمرین رانندگی برای اخذ گواهینامه است: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ...» (1).

ماشین زندگی انسان مراحل طی می کند تا سر انجام به مقصد برسد. داشتن گواهینامه ی معتبر و تخصص تسلط و عمل به قوانین رانندگی یا تقوای خاص در هر مرحله بسیار اهمیت دارد؛ زیرا جاده ها و شرایط مسافرت یکسان و یک نواخت نیست، بلکه:

ص: 18

1. گاهی ماشین در جاده صاف یا اتوبان حرکت می کند و ممکن است خطر خواب آلودگی، غفلت غرور و عجله انسان را تهدید کند. بنابراین، مهارت و تقوای خاص این مرحله از زندگی به آن است که با بیداری و رعایت سرعت، از غرور و غفلت اجتناب کند و گرنه امکان دارد از جاده منحرف و باعث سقوط و خسارات فراوان گردد.

2. گاهی نیز ماشین در سربالایی قرار می گیرد که در این صورت انسان باید با دنده ی کمکی و سنگین به سمت بالا حرکت نماید توقف و بی توجهی ممکن است خطر سقوط در دره را به دنبال داشته باشد. (افرادی که تازه به تکلیف شرعی و بلوغ می رسند باید در سربالایی تکامل با کمک دیگران مانند پدر و مادر و مربیان لایق به سمت بالا حرکت کنند و متوقف نشوند تا به قله مقصود نایل گردند. ان شاء الله).

3. گاهی نیز ماشین در سراسیمگی قرار می گیرد که انسان باید با دنده ی سبک و ترمز مناسب از خطر سقوط جلوگیری کند (غفلت از یاد خدا و انجام دادن گناه، ماشین زندگی را در سرازیری هلاکت و سقوط قرار می دهد که اگر با ترمز تقوا مهار و کنترل نگردد، انسان را به نابودی سوق خواهد داد).

4. مرحله دیگری از مراحل تردد ماشین زندگی، حرکت در جاده های پر از دست انداز و گردنه های خطرناک است که ممکن است در این جاده ها پیچ و مهره ها و یا فنرهای ماشین آسیب ببینند و از حرکت و ادامه مسیر باز ماند. بنابراین باید با مهارت و آرامش خاص از این دست اندازها و گردنه ها عبور نمود. بعضی از مصایب، گرفتاری ها، سختی های زندگی ابتلائات و امتحانات، مانند دست اندازها و گردنه های سختی است که انسان را تحت فشار فراوان قرار می دهد و گاهی خواب و راحتی را از انسان سلب می کند در این مرحله از زندگی باید با صبر و استقامت و توکل بر خدا فرمان ماشین زندگی را محکم در دست گرفت و با مهارت خاص از-

دست اندازها و گردنه ها عبور نمود و به این تابلوی زیبای قرآن توجه کرد: (ان الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...)(1).

ای یوسف! به این رها شدن از چاه دل میند*** این بار می برند که زندانیت کنند.

در ماشین زندگی ما نفس اماره از داخل و شیطان از خارج، پیوسته انسان را به سوی سقوط و هلاکت سوق می دهند و وسوسه می کنند تا انسان را از حق دور نمایند؛ به خصوص در شرایط بحرانی و دست اندازها و گردنه های سخت زندگی که اگر انسان با استعاذه حقیقی و نصرت الهی بر آنان غالب نشود، بدون تردید هلاک خواهد شد: (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ..)(2).

5. مرحله دیگری زندگی ایستگاه هایی است که باید انسان توقف کند و پس از توقف کوتاه و انجام مراحل خاص به حرکت خود ادامه دهد، مانند سکوی پرواز هواپیما که مقدمه پرواز به آسمان است. گاهی در ارتباط با مسایل دینی اعتقادی اخلاقی و غیره مواردی پیش می آید که باید توقف نمود و از ورود در شبهات اجتناب کرد: («الْوُقُوفُ عِنْدَ السُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ»)(3).

6. مرحله دیگر، تقاطع ها و دور برگردان هایی است که انسان دور می زند و بر می گردد ماشین زندگی انسان گاهی باید با توبه و استغفار حقیقی باز گردد و بازگشت به خویشتن داشته باشد؛ همان طور که گاهی انسان راه را در بیابان گم می کند و دنبال دوربرگردان می گردد.

7. مرحله دیگر که بسیار مهم و حیاتی است زمانی است که باید سوخت ماشین به وسیله بنزین و غیره تأمین گردد؛ زیرا ماشین بدون بنزین و سوخت امکان حرکت -

ص: 20

1- فصلت: 30 احقاف 13

2- یوسف 53

3- بحار الانوار، ج 2، ص 258 باب 31 (التوقف عند الشبهات و الاحتياط في الدين).

ندارد. بنابراین باید قبل از تمام شدن بنزین با نگاه به تابلوهای کنار خیابان و علائم یا آمپرهای داخل ماشین اقدام به سوختگیری کرد. نمازهای یومیه و غیره، همچنین روزه در هر سال مجموعه دعاها، مناجاتها اذکار و غیره به منزله سوخت ماشین زندگی و وجود انسان است که مسأله حرکت و مسافرت را برای انسان امکان پذیر می نماید.

نکته بسیار مهم و قابل توجه در تمام مراحل مذکور هفت مرحله توجه کامل به تابلوهای راهنمایی و رانندگی کنار خیابانها و نیز رعایت قوانین و مقررات مربوط به هر مرحله است؛ مانند تنظیم سرعت خاص در اتوبان و خیابان های معمولی یا عدم سبقت بی مورد و نیز مجهز بودن به لاستیک یخ شکن و آمادگی در هنگام هوای آلود و جاده های لغزنده هنگام بارندگی و امثال آن.

با نگاهی دیگر می توان وجود انسان را به مملکتی تشبیه نمود که دارای وزارتخانه ها و مرزهای مختلف است؛ مملکتی با میلیاردها جمعیت (سلول) که هیچ مملکتی در دنیا به این اندازه جمعیت ندارد. سلامتی و رشد و مصونیت این مملکت در گرو وزارتخانه های فعال و هماهنگ و سالم از داخل و مرزهای مطمئن و کنترل شده از خطر نفوذ دشمن از خارج مملکت است.

مملکتی که وزارتخانه های متزلزل و ناهماهنگ و مرزهای ناامن و غیر مطمئن داشته، باشد همیشه در معرض خطر و نابودی از درون و برون خواهد بود.

کشور بدن انسان دارای وزارتخانه های ارتباطات اطلاعات، دفاع و دادگستری (مانند مغز و اعصاب و جلدان) و غیره است که اگر مختل شود، سازمان وجودی بدن و سیستم آن تباه خواهد گردید.

همچنین اگر در مرزهای کشور بدن واردات و صادرات، کنترل و مراقبت نشود خطر نفوذ دشمن و، آفت مملکت بدن را تهدید خواهد نمود مرزهای کشور بدن «اقانیم سبعة» نام دارد: چشم، گوش زبان و دهان دست، پا، شکم، شهوت.

حفظ این مملکت از داخل و خارج به وسیله قرآن و مجموعه احکام الهی کنترل و می شود. برای هر مرزی از مرزهای این کشور نیز احکام خاصی مانند حلال حرام وجود دارد که توجه به آن احکام و عمل نمودن به دستورات و حلال و حرام خدا انسان را از هر نوع خطر و آسیبی محفوظ می دارد؛ مثلاً مرز چشم را باید با پرهیز از نگاه حرام کنترل نمود: «التَّظَرُّ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»، (1) یا مرز گوش را باید با دوری از شنیدن غیبت و امثال آن محفوظ داشت: «السَّامِعُ احَدَ الْمَغْتَابِينَ»، (2) همچنین زبان را باید از آفات فراوان آن حفظ نمود زیرا اگر آزاد و رها باشد مملکت وجود انسان را تباه خواهد ساخت: «اللسان سبع ان خلی عنه عقر». (3) سایر اعضا و جوارح و مرزهای دیگر بدن را نیز باید مراقبت کرد:

«اعلم أنَّ القلب مثاله مثال حصن و الشيطان عدو یريد أن یدخل الحصن و یملکه و یستولی علیه ولا یقدر علی حفظ الحصن عن العدو إلا بحراسة أبواب الحصن و مداخله و مواضع ثلمه». (4)

والسلام .

رضا قربانیان .

ص: 22

1- سفینة البحار، ج 2، ص 596

2- بحار الانوار، ج 72، ص 226

3- نهج البلاغه، حکمت 57

4- المحجة البيضاء، ج 5، ص 57

بخش اول: جایگاه و عظمت احکام

اشاره

بخش اول: جایگاه و عظمت احکام.

ص: 23

جایگاه و منزلت احکام الهی بسیار ارزشمند، سودمند، مقدس، گسترده و عظیم است. نظام هستی عالم تکوین و عالم تشریح با اراده و حکم خداوند خلق شده و تمام موجودات تحت لوای حکم الله پایدار و در جایگاه خود قرار دارند.

در این میان انسان نیز با حکم و دستور الهی پا به عرصه وجود نهاد و با ویژگی های خاصی به عنوان موجود برتر و اشرف خلایق انتخاب شد و احکام خاصی نیز برای او مقرر گردید. انسان علاوه بر بعد جسمی و مادی و خلق ظاهری (ناسوتی)، دارای بعد روحی و عقلی میباشد که خداوند در میان تمام موجودات او را لباس کرامت پوشاند: (گَرْمَنَّا بَنِي آدَمَ) (1) و به عنوان خلیفه و جانشینی خود روی زمین و گل سرسبد تمام موجودات قرار داد و از روح خود در او دمید: (وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) (2) و به خُلق و چهره باطنی و روح الهی (ملکوتی) آراسته نمود.

حقیقت انسان همان بعد روحانی و روح الهی او است که باید این بعد به اقتضای -

ص: 25

1- اسراء: 85

2- حجر: 29

خلقت ماهوی و حقیقی او از عالم بالا تغذیه و تقویت گردد؛ همان گونه که بعد جسمی و مادی انسان به تناسب خلقت نباتی و حیوانی او از راه مادیات تغذیه می شود. اکثر مردم از این حقیقت غافل بوده و توجهی به خوراک روح خود ندارند، لذا از احکام الهی و شریعت و دین آسمانی کمتر لذت می برند؛ در صورتی که رمز برتری و وجه تمایز انسان با سایر موجودات در این دو کلمه قرآن نهفته است: (و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)، (1)، (قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي)، (2). روح، حد و حدود و فنا ندارد و مرکز عبادت خداوند است و با مرگ جسمی انسان نیز از بین نخواهد رفت.

خداوند حکیم رزق و روزی تمام موجودات عالم را تضمین کرده است: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ رِزْقُهَا)، (3). همچنین متناسب با نیاز روح انسان رزق معنوی خاص او را نیز در قالب دین و احکام الهی تأمین نموده است تا هرگز تشنه و گرسنه نماند؛ هر چند بیشتر افراد بشر بعد روحانی و الهی خود را در حال گرسنگی و تشنگی باقی می گذارند؛ درست مانند شخصی که بر مرکب سوار است و در حال مسافرت فقط مرکب خود را تغذیه می نماید ولی خود از شدت گرسنگی و تشنگی تلف می شود.

احکام الهی غذای روح بشر

خداوند بعد الهی و روحانی انسان را به وسیله دو چیز تغذیه و تقویت نموده است: یکی عقل و فکر و دیگری تعلیم و تعلم. بدین وسیله خداوند سفره ارزشمند عقل و علم الهامات رحمانی و جاذبه های فطری را در کنار سفره پر محتوای ولایت خدا و -

ص: 26

1- ص: 72

2- اسراء: 85

3- هود: 6

معصومین علیهم السلام، از درون و بیرون وجود بشر برای او مهیا ساخته تا از این رهگذر پیوسته روحی سالم، قوی و با نشاط و شکوفا داشته باشد و با همین ویژگی ها خدا را در قیامت ملاقات کند. انسان ها به گنجینه هایی می مانند که انبیا آنها را از خاک بیرون آورده و یا همچون معادن طلا و نقره و فلزات گرانبها هستند که معدن شناسان الهی آنان را استخراج نموده اند.

شرط اساسی نشاط و سلامت روح انسانی تغذیه سالم و کامل از طریق شریعت الهی و اتصال به منبع ولایت و اطاعت و بندگی خداوند و پایبندی نسبت به مجموعه احکام الهی است انسانی که به جایگاه عظیم انسانیت خود آگاه باشد، به دلالت عقل، پیروی از فرمان آفریدگار را بر خود لازم دانسته و مخالفت با او را نابخردی و مایه تباهی میدانند و باتوجه عقل و دلالت قرآن و عترت اجرای احکام الهی را در زندگی خود ضروری و حیاتی قلمداد می کنند.

فرامین الهی در قالب انسان کامل و الگوهای تربیتی و انسانی، معصومین علیهم السلام، و همچنین در قالب جوارح و جوانح به صورت احکام خاص شرعی تحقق پیدا می کند. انسان می تواند با اطاعت محض از خداوند و تسلیم در برابر او حیات واقعی و رزق معنوی خویش را تضمین نماید.

احکام مایه اشباع و سقایت روح انسان

منظور از احکام مطلق دستورات الهی و کلیه برنامه هایی است که نیازهای حیات معنوی و عقلانی بشر را در ابعاد مختلف اعتقادی اخلاق و آداب و مسایل شرعی پاسخ می گوید. اساس اسلام بر سه پایه استوار است. تمام احکام الهی نیز در جهت اثبات این سه مسأله و نفی اضداد آنها تشریح گردیده و مصادیق آنها نیز به عنوان جنود ایمان و کفر مورد امر و نهی و یا تبشیر و انذار قرار گرفته است. این پایه ها

1- عقیده و ایمان و لوازم آن (اثبات توحید و نفی شرک و بندگی کامل و محض خداوند).

2- اخلاق و آداب (تزکیه و تهذیب نفس اثبات حُسن خلق و نفی سوء خلق و فساد باطن).

3- احکام عملی و عمل صالح (کردار شایسته و نفی اعمال ناپسند).

بنابراین آنچه از جانب خداوند به وسیله انبیا علیهم السلام، فرو فرستاده شده و مورد امر یا نهی واقع گردیده در همه ابعاد اعتقادی، اخلاقی و اعمال عبادی یا احکام شرع خوراک واقعی روح انسان است. با تسلیم محض و اطاعت کامل از فرمان خداوند، روح انسان اشباع و ظرف باطن او سقایت خواهد شد براساس آیه شریفه (وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا). (1) هنگامی که انسان خود واقعی خویش را در نظام هستی شناخت آنگاه به نیازهای واقعی خود نیز پی می برد و اساس نیازها یا نیازهای اساسی او از این رهگذر تأمین می شود. دین مقدس اسلام بر همین پایه به سه بعد وجودی انسان به طور کامل توجه فرموده است بعد عقلانی انسان که پاسخ گوی نیازهای اعتقادی و فکری است بعد عاطفی و قلبی او که جایگاه اخلاق است و سرانجام بعد رفتاری و اعمال و کردار انسان که در قالب احکام تحقق می یابد.

سرچشمه پایبندی به احکام

سرچشمه پایبندی و تعهد عملی نسبت به احکام اعتقاد انسان به مبدأ و معاد و نیز اخلاق و تربیت است.

ص: 28

تربیت صحیح و کامل هنگامی تحقق می یابد که استعدادهای بالقوه انسان در مسیر صحیح خود به فعلیت برسد. این استعدادها نیز جز در قالب احکام عملی اسلام و اعمال عبادی و اطاعت از خداوند به فعلیت نخواهد رسید.

با این بیان کسی که نسبت به احکام و فقه و فقاہت و فقیه و مجتهد و رساله عملیه بی اعتنا و بی توجه است به طور قطع از اخلاق و عقاید و تربیت دینی نیز به دور است؛ زیرا تخلق به اخلاق و تأدب به آداب بدون علم به وظایف و عمل به تکالیف و پایبندی به مقررات و ضوابط شرعی امکان پذیر نیست. البته موضوع هر یک از سه مقوله (اخلاق تربیت و احکام) متفاوت از دیگری، می باشد اما نتیجه آنها یکی است. اخلاق و تربیت در یک جهت قرار دارند و نتیجه هر دو پایبندی به احکام عملی اسلام است.

موضوع بحث در فقه اعمال مکلفین از حیث تکلیف و تشخیص وظیفه است و در علم، اخلاق خُلق و خوی ایشان است.

همچنین گاهی ممکن است عملی در قالب احکام کیفی نداشته باشد، مانند نیت بد، اما در چارچوب ارزش های اخلاقی زشت و ناپسند و اثر وضعی و منفی داشته باشد. به هر حال هر سه مقوله (تربیت اخلاق و احکام) عامل رشد و سعادت انسان متعهد و با ایمان کسی است که جامعیت داشته باشد و فتوای انسان بوده و مجتهد را در کنار اخلاق و مقرون با تربیت در زندگی دینی خود تحقق بخشد.

روش یا تکنیک انجام کار در هر موضوعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. به تناسب اهمیت آن، موضوع اهمیت و ارزش روش های خاص آن نیز بیشتر احساس می شود؛ مانند موضوع «زندگی» که راه و رسم زندگی از اصل آن بیشتر اهمیت دارد و زندگی منهای راه و روش صحیح آن جز حیوانیت نخواهد بود. به عبارتی، شیوه صحیح و سالم زندگی کردن است که انسان را از سایر حیوانات متمایز می گرداند.

راه و رسم یا شیوه زندگی سالم را خداوند حکیم توسط پیامبران الهی تعیین و تقنین نموده و در اختیار بشر گذارده است. این شیوه که در زبان دین از آنها با عنوان دستورات یا احکام الهی یاد می شود به زندگی معنی و صفا و جهت صحیح می دهد، لذا جایگاه دستورات و احکام جایگاه بسیار مهم و حیاتی بوده و زندگی سالم و ارزشمند یا هدف دار در گرو پایبندی و عمل به آنها می باشد. به دیگر سخن، راه و روش زندگی سالم را احکام و ضوابط شرعی و دینی تنظیم و هدایت می کند.

مجموعه تعالیم الهی عبارت است از: عقاید، اخلاق و احکام. «احکام»، جمع حکم (دستور و فرمان) مسایل عملیه ای است که شخص مسلمان برای انجام تکالیف الهی (دینی و شرعی) باید از آنها آگاه باشد، آنها را خوب فراگیرد و خوب عمل کند. مسلمان حقیقی و جامع نیز کسی است که افزون بر نظام اعتقادی و نظام اخلاقی به نظام عملی (احکام شرعی) پایبند باشد. بدیهی است که برخورداری از اعتقاد و اخلاق، صحیح نظام عملی و رفتار انسان را نیز جهت میدهد و تنظیم می کند.

براین اساس، نخست به جایگاه و عظمت موضوع احکام اشاره می شود، آنگاه به تناسب عظمت و اهمیت فراوان احکام الهی به موضوع روش بیان احکام و شیوه های دریافت مسایل شرعی پرداخته خواهد شد.

اهمیت احکام از منظر عقل و منطقی

رمز تفاوت انسان با حیوانات اطاعت اختیاری انسان از خداوند در قالب عمل به احکام الهی و مسایل شرعی است و زندگی سالم نیز در گرو آگاهی و عمل به احکام است. سالم رسیدن به مقصد در سفر متوقف بر عمل نمودن به آیین نامه راهنمایی و رانندگی خواهد بود و مسافری سالم به مقصد می رسد که در حال رانندگی و سیر و سیاحت به تمام توصیه ها و فرامین آیین نامه رانندگی، مانند علایم و -

تابلوهای کنار خیابان همچنین به علایم داخل خودرو مانند آمپرهای آب و روغن و بنزین و نشانگر کیلومتر توجه کامل نموده و حرکت و سرعت خود را با علایم مذکور تنظیم و هدایت کند. همین گونه تا انسان به آیین نامه زندگی آگاهی و علم نداشته باشد نمی تواند در مسیر زندگی درست عمل کند و به راه خود ادامه دهد. عدم آگاهی انسان را دچار خطر و زیان فراوانی خواهد نمود. بنابراین، عمل صحیح متوقف بر آگاهی لازم است.

زندگی را میتوان به یک ماشین تشبیه نمود ماشین زندگی باید راهی طولانی را طی کند. که طی این طریق از ابتدا - (إِنَّا لِلَّهِ) تا نیل به مقصد نهایی (إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) - در صورتی قرین سعادت خواهد شد که به آیین نامه اجرایی زندگی یعنی اسلام و احکام شرعی و عملیه به طور کامل توجه و عمل شود. بر همین اساس و به خاطر اهمیت این مسأله مکتب تربیتی و انسان ساز، اسلام قبل از آن که انسان سوار ماشین زندگی شود، او را به عبادات تمرینی قبل از تکلیف دعوت نموده تا از این رهگذر یاد بگیرد سفر خوب و سالمی را طی نموده و خطری او را تهدید نکند.

قال رسول الله صلى الله عليه واله: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا» - پیامبر صلی الله علیه واله فرمود: «به کودکان خود در سن هفت سالگی نماز را تمرین دهید». (1).

اهمیت فراگیری احکام از منظر قرآن و عترت

«بِهَ فُلُؤْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...»؛ (2) «پس چرا از هرگروهی، عده ای از ایشان حرکت نمی کنند تا دانش دین را بیاموزند...».

ص: 31

1- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 171

2- توبه: 122.

قرآن مجید در این آیه با تهدید ارباب و تأکید به تفقه و فهم دین امر نموده است. در روایات متعددی نیز از کسانی که از یادگیری احکام و مسایل شرعیه کوتاهی می کنند به شدت مذمت به عمل آمده و از سهل انگاری در این موضوع تحذیر و به یادگیری و تعلیم و تعلم احکام توصیه و ترغیب شده است که در اینجا به چند روایت اشاره می شود.

قال رسول الله صلى الله عليه واله: «مَنْ تَعَلَّمَ مَسْأَلَةً وَاحِدَةً، فَقَلَّدَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلْفَ قِلَادَةٍ مِنَ النُّورِ غُفِرَ لَهُ الْفُ ذَنْبٌ وَبُنِيَ لَهُ مَدِينَةٌ ...».

پیامبر صلی الله علیه واله فرمود: «کسی که یک مسأله یاد بگیرد خداوند متعال در قیامت هزار گردن بند از نور به گردن او می آویزد و هزار گناه او را می بخشد و برای او شهری در بهشت بنا می کند...» (1).

قال رسول الله صلى الله عليه واله: «أَفْ لِكُلِّ مُسْلِمٍ لَا يَجْعَلُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ يَوْمًا يَتَفَقَّهُ فِيهِ أَمْرَ دِينِهِ وَيَسْأَلُ عَنِ دِينِهِ».

پیامبر صل الله علیه واله فرمود: «اف باد بر هر مسلمانی که هر هفته یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن اختصاص ندهد» (2).

قال الباقر عليه السلام: «لَوْ أُتِيََتْ بِشَابٍ مِنَ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَأَوْجَعْتُهُ» (3).

امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر جوانی از شیعه نزد من آورده شود که در صدد فهم و فراگیری احکام دین خود نباشد او را تنبیه دردناک می نمودم».

قال الصادق عليه السلام: «لَوْ دَدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُؤُسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا».

ص: 32

1- عوالم، ج 9، ص 130 باب عقل و علم.

2- حار الانوار، ج 1، ص 176، ح 44

3- محاسن برقی، ج 1، ص 229

امام صادق علیه السلام فرمود: «راستی دوست می دارم که با تازیانه بر سر اصحابم زده شود تا احکام دین خویش را فراگیرند و بفهمند».(1)

قال علی علیه السلام: «الْمُتَعَبِّدُ عَلٰی غَيْرِ فِقْهِ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ».

علی علیه السلام فرمود: «کسی که عبادت خدا را بدون فقه و بصیرت انجام دهد مانند الاغ طاحونه است که هر چه می گردد، راهی را طی نکرده، بلکه مرتب دور خود می گردد».(2)

شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: در پی کسب و کار هستم، فرمود: «آیا از احکام دینی خود اطلاع داری؟ گفت پس از کار چنین خواهم کرد. فرمود: وای به حال تو، نخست فقه (احکام خرید و فروش) را یاد بگیر سپس به تجارت پرداز؛ زیرا اگر کسی خرید و فروش کند و از حلال و حرام آن نپرسد در ربا خواری فرو رفته، سپس گرفتار می شود».(3)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «مَنْ أَرَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ تَوَرَّطَ الشُّبُهَاتِ.»؛ «هر که می خواهد تجارت کند باید با مسایل دینی آشنا شود تا حلال و حرام را از هم باز شناسد و کسی که قبل از فراگیری احکام دینش تجارت کند داخل کارهای شبهه ناک خواهد شد».(4)

در روایتی به سند صحیح از علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر، پیرامون شخصی که بیماری خاصی (جدر) داشت و او را غسل دادند (غسل جنابت) و همین امر باعث -

ص: 33

-
- 1- اصول کافی، ج 1، ص 31، ح 8
 - 2- بحار الانوار، ج 1، ص 208.
 - 3- مستدرک الوسائل، ج 13، ص 247
 - 4- وسائل الشیعه، ج 12، ص 283

مرگ آن بیمار گردید، آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «آن مریض را کشتند، زیرا نپرسیدند».

عظمت فراگیری احکام از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام

زنی حضور فاطمه زهرا علیها السلام رسید و عرض کرد: مادری دارم که ضعیف المزاج است و درباره نماز با اشکالات و مسایلی مواجه می شود مرا نزد شما فرستاد تا پرسش های او را با شما مطرح سازم.

حضرت زهرا علیها السلام به پرسش این زن پاسخ داد، ولی او پرسش دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت نیز پاسخ فرمود و همین گونه سؤال های متعددی را در میان گذاشت تا به ده سؤال رسید و حضرت به تمام آنها جواب فرمود. آن زن به علت کثرت پرسش ها احساس شرمندگی نمود و از بیان سؤالات بیشتر خجالت کشید. به همین جهت عرض کرد: بیش از این مزاحم نمی شوم حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می آید بپرس و از بازگو کردن آن شرمگین مباش». سپس آن حضرت، برای ترغیب و تشویق آن زن از او سؤال نمود، اگر کسی در مدت یک روز بارگران و سنگینی را به دوش کشد و آن را بالای بام خانه ای حمل کند و در برابر آن حق الزحمه ای معادل هزار دینار دریافت نماید، آیا با چنین پاداش و مزد فراوانی تحمل رنج و زحمت بارگران بر او ناگوار و غیر قابل تحمل است؟! عرض کرد: نه.

آنگاه حضرت فرمود: «مزد و اجرت من در ازای پاسخ به هر سؤالی بیشتر از مجموع در و مرواریدی است که فاصله میان آسمان و زمین را پر می کند...» آنگاه فرمود: «از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و اله، شنیدم که فرمود: دانشمندانی که پیرو مکتب ما هستند در روز قیامت زنده -

محشور خواهند شد، به گونه ای که به میزان علوم و دانش ها و کوشش هایشان در جهت ارشاد مردم با خلعت ها و لباس های کرامت اراسته می گردند...»(1).

گسترده‌گی و دامنه وسیع و قلمرو احکام

فقه و احکام شرعی مجموعه قوانین و مقرراتی است که معاش و معاد، دنیا و آخرت و قبل از تولد تا پس از مرگ انسان را تحت پوشش قرار می دهد. احکام، متکفل همه ابعاد وجودی انسان اعم از اعمال رفتار ارتباطات و حتی نیت او می باشد. بر همین اساس در اسلام تأکید شده قبل از هر نوع کار و فعالیت و کسب و تجارتهی به فراگیری و دانش احکام پرداخته شود (الفقه ثم المتجر).

انجام صحیح تمام معاملات و صحت عبادات پس از علم و آگاهی درست از مقررات و احکام شرعی تحقق پیدا می کند و ممکن است بی توجهی نسبت به این موضوع و عدم آگاهی از مسایل شرعی باعث از بین رفتن اعمال و عبادات و موجب خطر و ضرر و زیان در دنیا و آخرت گردد.

فقه و احکام در زندگی انسان به اندازه ای مهم و گسترده است که در حدیثی از امام باقر علیه السلام یکی از سه رکن تکامل قلمداد شده است: «الکمال کُلُّ الکمال التَّفَقُّهُ فی الدین...»(2).

اهمیت احکام در نظر علماء و فقها

بعضی از فقها و مراجع شیعه مانند مرحوم شیخ انصاری در رساله عملیه خود به (نقل از مرحوم محقق بزرگوار نایینی) فرموده اند: «کسی که تعلم (یادگیری) مسایل مورد ابتلای

ص: 35

1- بحار الانوار، ج 22، ص 3، ج 3

2- تحف العقول، ص 301، ج 3

خود را ترک کند و در صدد یاد گرفتن آنها نباشد فاسق است»⁽¹⁾ بر همین اساس، مراجع معظم تقلید شیعه فرموده اند: «مسایلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد».

اهمیت احکام در نظر شیعیان صدر اسلام

در صدر اسلام شیعیان نسبت به فراگیری احکام و مسایل دینی فوق العاده اهمیت می دادند به طوری که جابر بن عبدالله انصاری برای شنیدن حدیثی از عبدالله نامی درباره قصاص، شتری خریداری کرد و بار سفر بست و با طی مسافت یک ماه به سوی شام روانه شد.

همچنین، در قصه ای دیگر مسلمة بن مخلد می گوید: روزی در مصر در منزل خود بودم که دربان وارد شد و گفت: عرب شتر سواری بر در خانه ایستاده و اجازه ملاقات می خواهد از وی پرسیدم کیستی؟ پاسخ داد جابر بن عبدالله انصاری. مسلمة می گوید: سر از پنجره بیرون آورده: گفتم پایین بیایم یا شما بالا می آیی؟ گفت نه شما پایین بیا نه من بالا می آیم شنیده ام حدیثی در فضیلت پرده پوشی بر مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می کنی آمده ام آن را بشنوم! گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «مَنْ سَتَرَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ عَوْرَةً فَكَأَنَّمَا أَحْيَا مَوْدَةَ»؛ «هر کس عیب مؤمنی را بپوشاند مثل این است که زنده به گوری را از مرگ نجات داده است»⁽²⁾.

فقه و فقه و فقاہت

فقه، در لغت، به معنای فهمیدن، ادراک و دانش است: «العلم بالشیء وَ الْفَهْمُ لَهُ». البته -

ص: 36

1- اجود التقریرات ص 158 باب مقدمه واجب

2- حیاة الصحابة، ج 3، ص 693.

دانستن و علم خاص را فقه می گویند نه هر علم و دانشی را. فقه به معنای فهم عمیق و بصیرت کامل به حقیقت یک چیز و پی بردن از یک امر ظاهر و آشکار به یک حقیقت مخفی و پنهان است «الفقه هو التوصل الی علم غایب بعلم، شاهد فهو اخص من العلم».

فقه، در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعیة فرعیة (فروع دین) از روی منابع و ادله (دلایل) تفصیلی: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة».⁽¹⁾

بنابراین مفهوم کلمه «فقه» همراه با تعمق و فهم عمیق بوده و فقیه مانند آنچه در منطق آمده که از مبادی معلوم (صغری و کبری معلوم) نتیجه مجهولی را به دست می آورد از علوم شاهد نظیر علم رجال و حدیث به کمک علوم مختلف دیگری علم غایی را به دست می آورد و استنباط می کند.

فقیه و فقها که جایگاه و منزلت بسیار عظیمی در اسلام دارند پس از برخورداری از علوم متعدد مانند، ادبیات، تفسیر، منطق، حدیث و رجال احکام فرعی را از منابع اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) استخراج و اجتهاد نموده و با نظر کارشناسی و محققانه خود به صورت فتوا حکم یا احتیاط صادر و مقلدین و پیروان مکتب اسلام را بهره مند می سازند. فقاها به معنای استخراج احکام از منابع فقه به معنای علم استنباط احکام و فقیه به معنای پژوهشگر است.

علم فقه و بیان احکام شرعی که مایه تربیت و هدایت بشر است و از سر چشمه قرآن و احادیث اقتباس می گردد. از زمان پیامبر صلی الله وعلیه و اله تاکنون دوران بسیار شکوفایی -

ص: 37

را گذرانده است. تمام تلاش فقهای بزرگوار در هر عصری این بوده که مردم در پرتو فقه و فقهات، علم دین، دین داری و دین شناسی با آیین صحیح زندگی آشنا شوند و نظام عملی خود را با فقه و احکام شرعیه عجین و مقرون نمایند.

جهان پهناور و با عظمت آفرینش محکوم به احکام حکیمانه خداوند حکیم می‌باشد لذا از نظم و ثبات خاصی برخوردار است. حکومت تکوینی الهی با حساب خاصی بر اساس اعداد و ارقام و کیفیات حکیمانه ای مستقر و پایدار است. احکام و حکومت تشریحی خداوند نیز از جهت نظری و محتوا با نظام تکوین هماهنگ و از حکمت، فلسفه و اسرار حکیمانه ای برخوردار می‌باشد.

اگر انسان در نظام عملی زندگی (فردی و اجتماعی) با نظام تکوین و تشریح هماهنگ باشد از رشد و تکامل ابدی بهره مند خواهد گردید؛ زیرا در قوانین و احکام الهی مصلحت و سعادت انسان هدف اصلی است و در آن مجموعه باید‌ها نبایدها بر اساس جلب مصالح و دوری از مفاسد در قالب احکام خمسه بیان گردیده است.

بر همین اساس آنچه به خیر و مصلحت انسان بوده که باید به آن عمل شود واجب قلمداد شده و آنچه مفسده دارد که باید ترک شود حرام نامیده شده، و چیزی که انجام آن بهتر و به صلاح انسان است مستحب، و آنچه ترک آن پسندیده تر باشد به عنوان مکروه، و هر کاری که انجام و ترک آن مساوی است مباح نامیده شده است.

احکام مذکور توسط پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان معصوم علیهم السلام در صدر اسلام به مردم و منتقل گردید و در عصر غیبت نیز علما و فقهای جامع شرایط که وجود مبارکشان به حصن و قلعه تشبیه شده، پیوسته پناهگاه دینی مردم و نگهبانان اسلام بوده و احکام شرع مقدس اسلام را به مردم منتقل ساخته اند و کتب متعددی را در این زمینه تألیف

و منتشر ساخته اند، مانند: نهاییه تذکره، مبسوط، تبصره، مفتاح الکرامه، جامع الشتات، جواهر، شرایع، وسایل، لمعه، عروه و رساله های عملیه ... (تنها مرحوم محقق حلی پانزده هزار حکم فقهی را در شرایع بیان فرموده یا مرحوم صاحب جواهر بیش از چهل هزار فرع فقهی را بیان داشته است).

تقلید و اجتهاد

مجموعه احکام شرعی و مسایل فرعی فقهیه که نظام عملی انسان را تشکیل می دهد و مایه سعادت و نظم و انضباط زندگی دینی است و کلیات آن در حدود پانصد مورد در قرآن و بیش از آن احادیث و صدها مسأله در رساله های مراجع تقلید آمده، به دو بخش کلی تقسیم میشود که عبارت است از:

1- عبادات (عملی مالی فکری).

2- معاملات، عقود: قراردادهایی که در آن دو طرف وجود دارد (مانند خرید و فروش و ازدواج)، ایقاعات: قراردادی که با تصمیم یک طرف انجام می گیرد و نیازی به قبول دیگری نیست (مانند طلاق که احتیاجی به قبول زن ندارد).

نماز در رأس همه عبادات و اعمال عبادی است و لذا در آغاز بسیاری از کتب فقهی و رساله های عملیه بحث نماز مطرح گردیده و چون نماز، بدون طهارت محقق نمی شود، قبل از نماز احکام طهارت آمده است از سوی دیگر به دلیل آنکه عبادات توقیفی است و تشخیص آن با کارشناس دینی و متخصص یعنی فقیه مجتهد است لذا در اول رساله های عملیه موضوع تقلید عنوان شده است.

تقلید به معنی عمل نمودن به دستور مجتهد و رجوع عامی و جاهل به عالم و متخصص است و یک مسأله عقلی فطری، منطقی و یکی از نیرومندترین، ریشه دارترین و سود مندترین غرایز بشری است که می تواند انسان را نسبت به آنچه -

نمی‌داند و از تاکتیک و شیوه‌های خاص آن مطلع نیست. در نظام عملی آگاه سازد و از همین رهگذر به کمال مطلوب نایل گرداند. بنابراین، همان طور که در هر موضوعی باید به متخصص و اهل خبره مراجعه شود مانند بیمار که به پزشک مراجعه می‌نماید، در فراگیری و عمل به احکام اسلام نیز باید به مجتهد و مراجع تقلید مراجعه نمود.

انسان باید یا خود مجتهد باشد و یا از مجتهد تقلید نماید و الا اعمال او باطل خواهد بود (عمل عامی بلا تقلید و اجتهاد باطل) زنی به نام ام خالد معبدیه، خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: من به قراقرش شکم (گاز معده) مبتلا شده‌ام و طیب نبیذ (شراب) را برایم تجویز نموده است، ولی من دین خود را در عهده شما قرار می‌دهم که اگر در قیامت خداوند به من فرمود چرا چنین کردی بگویم: پروردگارا، جعفرین محمد علیه السلام چنین فرمود:

بنابراین، انسان که ذاتاً طالب کمال است به ناچار باید از راه تقلید و الگو گرفتن از صاحبان کمال و علم این خواسته فطری خود را دنبال کند و هنگامی که به سن بلوغ و تکلیف رسید با این وسیله خود را ملزم نماید تا به احکام عملیه اسلام به طور دقیق صحیح و کامل عمل کند تا از همین رهگذر با دستیابی به بهترین راه و روش زندگی موضوع تربیت کامل دینی را در خود تحقق بخشد.

پرسش و پاسخ یا در جستجوی مسایل

در مکتب تربیتی و آسمانی اسلام نسبت به کسب علم و آگاهی و رفع جهل تأکید فراوانی شده است تا آنجا که حتی از پرنده ای مانند کلاغ (سوره مائده، آیه 21) یا هدهد (سوره نمل آیه 22) نیز باید علم آموخت دامنه علم آموزی به حدی وسیع است که محدود به زمان و مکان و شخص خاص هم نیست: «اطلبوا العلم من المهد -

الی اللحد»، «اطلبوا العلم ولو بالصین»، «الحکمة ضالة المؤمن يأخذها اينما وجدها»، «طلب العلم فريضة على كل مسلم».

در قیامت نیز پروردگار متعال به بنده خود خطاب می کند آیا در مسایل و احکام و معارف دین خود علم داشتی؟ اگر در جواب بگوید بلی علم داشتم! خداوند می فرماید: پس چرا عمل نکردی؟ و اگر بگوید نمی دانستم، خداوند می فرماید: چرا نیاموختی تا عمل کنی؟ (اذا كان يوم القيامة قال الله تعالى للعبد آكنت عالماً؟ فان قال نعم قال له: افلا عملت؟ و ان قال كنت جاهلاً قال له افلا تعلمت حتى تعمل؟) (1)

علم فقه و احکام که عهده دار راه و روش زندگی و بندگی خداست از هر علمی شریف تر و صحت عبادات و معاملات مشروط بر آن است.

مباحث کلی فقه و احکام و تکلیف

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، فقه به معنای فهم عمیق و با تعمق است و در اصطلاح قرآن و سنت علم وسیع عمیق به معارف و دستورات اسلامی است و فقهای شیعه از بین مجموعه تعالیم اسلامی (معارف و اعتقادات، اخلاقیات و امور تربیتی، احکام و مسایل عملی) کلمه فقه را در مورد قسم سوم به کار می برند و به آن «فقه الاحکام» می گویند. با این وصف درباره معنای فقه و فقیه و اجتهاد و تقلید و احکام هر کدام باید مباحثی را طرح نمود که در این جا به طور اجمال به بعضی از آنها اشاره می شود.

ص: 41

منابع یا ادله احکام:

1- منابع اصلی:

1-1- قرآن.

1-2- سنت (در فقه و اصول).

1-2-1- قول معصوم علیه السلام.

1-2-2- فعل معصوم علیه السلام.

1-2-3- تقریر معصوم علیه السلام.

2- منابع فرعی:

1-2- عقل

2-2- اجماع

2-3- سیره متشرعه

2-4- قیاس (منصوص العلة)

شرایط احکام:

1- شرایط احکام از یک جهت دو قسم است.

1-1- شرایط واقعی (مانند طهارت از حدث که شرط واقعی نماز است).

1-2- شرایط علمی یا ذکری (مانند طهارت از خبث).

2- شرایط احکام از یک جهت دیگر نیز دو قسم می شود.

1-2- شرایط وجوب.

1-1-2- ثبوت (بلوغ، عقل، قدرت).

2-1-2- تنجیز یا قطعی بودن.

2-2- شرایط واجب.

1) شرایط صحت مانند: 1- اسلام 2- تطابق عمل با دستور دین؛ 3- ولایت معصومین علیهم السلام؛ 4- اسلام (زیر عمل بدون آن چون خاکستر است)؛ 5- اخلاص (زیرا عمل ریایی باطل است)؛ 6- نبودن مانع یا عارضه (مانند استحاضه و غیره).

2) شرایط قبول (مانند: تقوا، شرط معنوی: [إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ] [مائده: 27]؛ ولایت اهل بیت علیهم السلام) شرط سیاسی و اعتقادی): «بکم تقبل الاعمال» [زیارت جامعه کبیره]؛ شرط اقتصادی؛ شرط اجتماعی؛ شرط خانوادگی ... زیرا در روایات اشاره شده کسی که از راه حرام مالی را کسب کند عبادات او قبول نیست یا عاق والدین و فرار از جنگ و عواملی دیگر که باعث عدم قبولی اعمال خواهد شد).

3) شرایط کمال و فضیلت (مانند: معرفت، پشتناز بودن در عمل، دوام عمل، زمان خاص انجام دادن عمل (نماز اول وقت)، مکان خاص انجام دادن عمل (نماز در مسجد)، در بهترین حالت و با کیفیت خاص، انجام دادن عمل (نماز جماعت)، آشکار نکردن عمل یا اخلاص، حضور قلب در نماز و غیره).

الف) تکلیفی (احکامی که وظیفه انسان را نسبت به اعمال مشخص می کند).

1- واجب: حکمی است که باید آن را انجام داد و ترک آن گناه است (مانند نماز).

2- مستحب: کاری است که انجام دادن آن بهتر است و موجب رضای خدا می شود (مانند سلام کردن).

3- حرام: کاری است که نباید انجام داد و انجام آن گناه است (مانند دروغ گفتن).

4- مکروه: کاری است که ترک آن بهتر است (مانند نماز خواندن در جایی که عکس باشد).

5- مباح: کاری است که انجام و عدم انجام آن مساوی است (مانند آب خوردن).

ب) وضعی (احکامی که وضعیت اعمال و اشیاء را مشخص می کند).

مانند: بطلان، صحت، طهارت نجاست مانعیت (قتل مانع ارث بردن فرزند می شود)، شرطیت (استطاعت شرط حج است).

انواع وجوب یا واجب:

1- وجوب عینی (مانند) نمازهای یومیه در مقابل وجوب کفایی (مانند نماز میت).

2- وجوب فوری (مانند جواب سلام) در مقابل وجوب غیر فوری (مانند نمازهای یومیه).

3- وجوب تعبدی (مانند نماز به قصد قربت)، در مقابل وجوب توصلی (مانند ازاله نجاست).

4- وجوب تعیینی (مانند نمازهای یومیه)، در مقابل وجوب تخییری (مانند نماز جمعه یا کفاره روزه).

5- وجوب نفسی (مانند حج، نماز، ...)، در مقابل وجوب مقدمی (مانند وضو).

6- وجوب موسع (مانند نماز) در مقابل وجوب مضیق (مانند روزه).

فهرست احکام

انجام تکالیف الهی مشروط بر عمل به احکام و عمل به احکام نیز مشروط بر یادگیری صحیح و آموزش احکام است. آموزش و فراگیری صحیح احکام عملی اسلام نیز مترتب بر مراجعه به کارشناسان دینی یعنی فقها و مراجع معظم تقلید در غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام است. بنابراین، بحث احکام از همین جا مطرح می شود و تمام ابعاد وجودی انسان را اعم از بعد عقلانی، عاطفی، رفتاری و اعم از مسایل مالی عملی و غیره را پوشش می دهد، که فهرست کامل آن به شرح زیر است:

1- تکلیف و تقلید .

2- طهارت از خبث و سه موضوع مطهرات، نجاسات، نحوه طهارت.

3- طهارت از حدث و سه موضوع وضو، غسل، تیمم.

4- احکام خاص بانوان (دماء ثلاثه).

5- احکام میت .

6- احکام نماز.

7- احکام روزه.

8- احکام خمس.

9- احکام زکات.

10- احکام حج .

11- احکام خرید و فروش .

12- انواع معاملات.

13- احکام شرکت.

14- احکام صلح .

15- احکام اجاره.

16- احکام جعاله.

17- احکام مزارعه.

18- احکام مساقات.

19- احکام مضاربه.

20- احکام سفاهت.

21- احکام وکالت.

- 22- احكام قرض.
- 23- احكام حواله.
- 24- احكام رهن.
- 25- احكام ضمان.
- 26- احكام كفالت.
- 27- احكام امانت (وديعه).
- 28- احكام عاربه.
- 29- احكام اموال.
- 30- احكام نكاح.
- 31- احكام غضب.
- 32- احكام ذبح وصيد.
- 33- احكام الكل و شرب.
- 34- احكام نذر و عهد.
- 35- احكام قسم خوردن.
- 36- احكام وقف.
- 37- احكام وصيت.
- 38- احكام ارث.
- 39- احكام رضاع و شير دادن.
- 40- احكام نگاه كردن.

تکلیف از ریشه «کَلَف» (نقطه یا خالی است که در پوست صورت و چهره ظاهر می شود و به معنی ظهور اثر) کلمه ای است از کلفت و الزام شاق یا ترغیب و تحریض و تحبیب که همزمان با بلوغ شخص اثر این بلوغ و تکلیف در چهره ظاهری و نیز ابعاد باطنی او جلوه می کند و آشکار می شود.

بنابراین، در مفهوم تکلیف و مکلف دو چیز نهفته است: یکی الزام به عمل شاق و انجام وظایف توأم با مشقت و رنج و تکلف و دیگر ترغیب و تشویق، که از طرف شارع مقدس اسلام نسبت به تکالیف دینی و اعمال عبادی تشویق و تحریض به عمل آمده؛ همان گونه که معمولاً برای انجام کار پر زحمت افراد تشویق می شوند.

بر همین اساس برای آن که تشویق و ترغیب و شیرینی عبادت و تکالیف الهی به کام شخص تازه به تکلیف رسیده تلخ و ناگوار جلوه نکند، مکتب تربیتی اسلام به والدین توصیه کرده تا فرزندان خود را قبل از سن بلوغ به عبادت تمرینی عادت دهند: «مرواصیانکم بالصلوه اذا بلغوا سبعا» (1) از سوی دیگر، مسأله تقلید همزمان با فرا رسیدن دوران بلوغ و تکلیف مطرح شده تا بدین وسیله با تقلید و پیروی از دستورات و فتاوی مرجع تقلید بار سنگین تکالیف الهی بر دوش مقلد ایجاد رنج و مشقت فراوان ننماید؛ زیرا در مفهوم تقلید و قلابه همین حقیقت نهفته است (مسئولیت سنگین استخراج و استنباط احکام بر عهده مجتهد گذارده شده، نه مقلد). علاوه بر این شیرینی و لذت عبادت و افتخار این که انسان مخاطب خدا قرار گرفته و به او امر و نواهی الهی پایبند شده است به مراتب مهم تر و ارزشمندتر از تحمل رنج و مشقت تکلیف خواهد بود؛ زیرا مسأله تکلیف و تقلید ریشه در فطرت خداجوی -

ص: 45

انسان دارد و بالفطره تقاضای آن را دارد. بنابراین، پذیرفتن تکالیف الهی برای شخص مکلف یا مقلد یک افتخار بزرگ است، چون درک می‌کند که خداوند مهربان او را دوست داشته و رها نکرده و نسبت به سعادت او بی تفاوت نیست. همان‌گونه که پدر و مادر در جهت پرورش و رشد استعدادهای فرزند خود او را تشویق، تنبیه و امر و نهی می‌کنند و نسبت به او بی تفاوت نیستند، خدایی که از پدر و مادر مهربان‌تر است، نیز بنده خود را مکلف به تکالیفی می‌کند که از آن طریق به رشد و سعادت و تکامل نایل گردد و در حد قدرت و توانایی به عبادت خدا پردازد: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (1) خداوند کسی را جز به میزان قدرت او تکلیف کند و عسر و حرجی برای او فراهم نمی‌سازد: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (2) با این اوصاف، تکلیف و تقلید دو موضوع بسیار مهم و سودمند است که در اجرایی شدن احکام مقدس الهی به وسیله مکلف یا مقلد نقش مهمی ایفا می‌کند.

سن بلوغ و تکلیف

بلوغ پسران 15 سال قمری (14) سال و 6 ماه و 17 روز (شمسی).

بلوغ دختران 9 سال قمری (8) سال و 8 ماه و 22 روز (شمسی).

توضیح: سال قمری از اوّل محرم شروع و آخر ذی الحجه تمام می‌شود (هر ماه قمری 29 روز و 12 ساعت و 44 دقیقه است که یک سال قمری 354 تا 355 شبانه روز است).

سال شمسی از اوّل فروردین شروع و آخر اسفند تمام می‌شود (هر سال شمسی -

ص: 46

1- بقره: 286

2- حج: 78

11 روز از سال قمری بیشتر است؛ زیرا شش ماه اول سال 31 روز و 5 ماه بعد 30 روز و ماه اسفند 29 روز است).

بنابراین، زمان تکلیف دختران بر اساس سال شمسی 9 سال شمسی منهای 92 روز 22 ساعت و 48 دقیقه و زمان تکلیف پسران 15 سال شمسی منهای 163 روز و 6 ساعت است.

توجه: علت تفاوت بلوغ و سن تکلیف پسر و دختر شاید این باشد که سازمان وجودی روحی و جسمی و رشد و پذیرش تکلیف و اقتضای فطری آنان متفاوت است.

نکته دیگر آن که معمولاً براساس فیزیک و سازمان وجودی خاص زن ها، در هر ماه و سال عادت ماهانه می شوند و به همین جهت از انجام بعضی تکالیف مانند نماز شرعاً ممنوع و محروم می گردند؛ لذا شاید به خاطر جبران این محرومیت تکاملی حدود شش سال زودتر از پسران به بلوغ شرعی می رسند تا با انجام تکالیف الهی به ویژه نماز جبران آن محرومیت بشود.

عمل به تکالیف

بر هر مسلمانی واجب است به تکالیف خود درست عمل کند. از آن جا که عمل کردن به طور صحیح مشروط و ملازم با یادگیری و فراگیری صحیح احکام الهی است، بنابراین، از باب مقدمه واجب، بر مکلف لازم است قبل از عمل به احکام، آنها را به طور کامل بیاموزد.

آموزش و یادگیری احکام به دو صورت تحقق می یابد: 1- اجتهادی؛ 2 تقلیدی -

الزامی بودن تکالیف

کسی که مسأله ای از مسایل مورد ابتلا و واجب یا حلال و حرام خدا را نمی داند واجب است یاد بگیرد و یاد گرفتن (تعلیم و تعلم) احکام جزء واجبات الهی است که کوتاهی از آن ممکن است انسان را به گناه و معصیت مبتلا سازد. پس کسی که مسأله ای از مسایل را می داند و می بیند شخصی همان مسأله را اطلاع ندارد، موظف است به او تذکر دهد. (ارشادالجاهل).

در هر حال، مجموعه ای از تکالیف الهی بر عهده و ذمه مکلف و مقلد است و تا اسباب سقوط تکلیف و بری شدن از آن فراهم نگردد انسان مسؤول آن خواهد بود.

اسباب سقوط تکلیف

- 1- از میان رفتن بعضی از شرایط مانند (از بین رفتن عقل یا قدرت یا عدم بلوغ). (1)
- 2- انجام شدن تکلیف به صورت صحیح و مطابق با دستور دین توسط خود شخص مکلف.
- 3- انجام دادن تکلیف توسط نایب در شرایط خاص.
- 4- حادث شدن عذر شرعی (مانند: 1- اضطرار، 2- اکراه 3- اجبار؛ 4- ضرر؛ 5- تعارض امر مهم).

نظر مجتهد در ارتباط با مقلد و بعضی از اصطلاحات فقهی

حکم: در لغت به معنای دستور و الزام کردن است و در اصطلاح آن است که -

ص: 48

-
- 1- بلوغ به یکی از سه چیز محقق می شود: 1- روییدن موی درشت زیر شکم؛ 2- بیرون آمدن منی؛ 3- رسیدن به سن تکلیف. (مسأله 2252 رساله های عملیه)

مجتهد در موضوع مشخص و معینی نظر دهد (مثل این که حکم کند فردا اول شوال و روز عید فطر است و یا آن که در مورد اختلاف بین دو نفر و یا صلاح اندیشی اجتماعی فرد یا افرادی را بر امری الزام نماید).

فتوا: (بیان حکم به طور کلی است مانند این که بگوید کسی که روزه واجب دارد روزه مستحبی او باطل است).

فرق اساسی بین حکم و فتوا آن است که: حکم پیرامون موضوعات است و فتوا در مورد احکام مسایل رساله های عملیه مراجع معظم تقلید، فتوا است که مقلد باید به آن عمل کند.

فتوا دو قسم است:

1- فتوای صریح: آنچه با این تعبیرها بیان شود فتوای صریح است: «باید»، «نباید»، «واجب است»، «حرام است»، «لازم است»، «اظهر»، «بنابر اظهر»، «ظاهر این است»، «لاشکال»، «اقوی».

2- فتوای غیر صریح: آنچه با این تعبیرها بیان شود به منزله فتوا و یا در حکم فتوا است «احوط بلکه اقوی»، «خالی از وجه یا خالی از قوت نیست»، «بنابر اقوی»، «اقرّب این است که در حکم فتوی است»، «وجوب یا حرمت مگر آن که قرینه ای باشد که حاکی از عدم فتوی باشد»، «بعید نیست فتوی این است، مگر قرینه ای بر خلاف آن باشد بعید است (فتوا بر آن منطبق نیست و در حکم فتوا به عدم است). بنابر این در هیچ یک از موارد مذکور (فتوا و آنچه که به منزله فتوا است) مقلد نمی تواند به مجتهد دیگری حتی در یک مسأله رجوع کند، بلکه باید طبق همان عمل، کند اما گاهی مجتهد به دلیلی فتوا نمی دهد بلکه جهت اطمینان به رسیدن به واقع احتیاط می کند که احتیاط مجتهد نیز بر دو قسم است:

1- احتیاط واجب: و آن احتیاطی است که مسبوق یا ملحق به فتوا نباشد (یعنی -

قبل یا بعد احتیاط فتوا نیست). در این صورت وظیفه مقلد آن است که یا طبق همان مسأله (که احتیاط واجب شده) عمل کند و یا به فتوای مجتهد اعلم دیگری عمل نماید و اگر او نیز فتوا نداشت به اعلم بعد از او و همین طور... .

تعبیرهایی که به معنای احتیاط واجب است عبارت است از: «بنابر احتیاط واجب»، «بنابر احوط»، «بنابر احتیاط» (غیر مسبوق یا ملحق به فتوا)، محل تأمل است «(اگر چیزی مورد تأمل بود احتیاط واجب در ترک آن است)، لایخلو من اشکال لا یبعد لا یخلو عن وجه الاقوی ذلک، محل اشکال است، مشکل (یعنی صحت آن مشکل است و دلالت بر احتیاط واجب دارد) «احتیاط را ترک نکنند».

پس احتیاط واجب امری است مطابق با احتیاط که فقیه همراه آن فتوا نداده و رعایت احتیاط را کرده و لذا مقلد می تواند به نظر مجتهد دیگری که در رتبه بعد از او قرار دارد عمل کند.

2- احتیاط لازم: احتیاطی است که مجتهد رعایت آن را لازم دانسته و در مقام عمل تفاوتی بین لازم و واجب برای مقلد نیست؛ چنان که بعضی گفته اند، اگر مجتهد دلیل الزامی بودن امری را از آیات و روایات استفاده کند به طوری که بتواند آن را به شارع نسبت دهد تعبیر به واجب می کند و اگر الزامی بودن آن را از جای دیگر نظیر ادله عقلیه استفاده کند به طوری که استناد آن به شارع میسر نباشد، تعبیر به لازم می کند و همین تفاوت را باید در احتیاط لازم و احتیاط واجب در نظر داشت.

3- احتیاط مستحب: و آن احتیاطی است که مسبوق یا ملحق به فتوا باشد (فتوا به عدم وجوب یا عدم حرمت) احتیاطی است غیر فتوای مجتهد که رعایت آن واجب و الزامی نیست، مانند آن که مجتهد بگوید: «اگر ظرف نجس را یک مرتبه در آب گر بشوید پاک است؛ اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشوید».

تعبیرهایی که در این مورد به کار می رود عبارت است از: «احتیاط مستحب» «احتیاط»، «اولی بلکه احوط» یا «احوط»... .

جاهل قاصر: کسی که در جهلش مقصر نیست و به جهالت خود، توجه و التفات ندارد و اصلاً جهالت خود را نمی داند (جهل مرکب دارد) و یا اگر می داند جاهل است، نه در گذشته و نه فعلاً قادر به رفع جهالت خود نبوده و نیست.

جاهل مقصر: جاهلی که در جهلش مقصر است و به جهالت خود توجه و التفات دارد و قادر به رفع جهالت نیز هست و با این وصف اقدامی به عمل نمی آورد (راه های از بین بردن جهالت برای او امکان پذیر است).

جاهل معذور: همان جاهل قاصر است این نسبت را بیشتر به کسی می دهند که در دو مورد از نماز جاهل باشد: 1- جهل و اخفات، 2- قصر و اتمام (یعنی اتمام در موضع قصر) که البته واجب است بر دیگران که به او اعلام کنند ولی تا اعلام نکرده اند، معذور خواهد بود.

خبث: پلیدی یا نجاستی است که بر جسم انسان یا غیر آن عارض می شود و با شستن و پاک نمودن از بین می رود مانند: (خونی که به بدن یا لباس اصابت کند).

حدث: قذارت یا نجاست باطنی است که به سببی از اسباب مانند بول یا احتلام ایجاد می شود (این نوع نجاست مربوط به بیرون بدن انسان نیست بلکه از داخل حاصل می شود) که دو قسم است:

1- حدث اصغر: هر کاری که باعث وضو برای نماز شود که موجبات وضو هفت چیز است: 1- بول؛ 2 غائط؛ 3- ریح (باد معده)؛ 4- خواب؛ 5- چیزهایی که عقل را از بین می برد، 6- استحاضه؛ 7 موجبات غسل.

2- حدث اکبر: هر امری که مانند احتلام موجب غسل برای نماز شود (البته غسل نیز به خاطر نماز واجب می شود).

شرط واقعی «در نماز»: پنج چیز در نماز که در حدیث معروف «لاتعداد» ذکر شده و اخلاص آنها، دانسته یا ندانسته موجب بطلان نماز می شود، که عبارت است از: قبله طهارت (از حدث)، رکوع، سجود، وقت.

شرط علمی «در نماز»: سایر شرایط همه شرط علمی است طهارت از خبث نیز مشروط بر آن که قبلاً نمی دانسته و فراموش کرده شرط علمی خواهد بود.

مسافت شرعی: مسافت چهار فرسخ که پس از طی آن با شرایطی نماز شکسته می شود (رفت و برگشت هشت فرسخ که حدود 45 کیلومتر است).

حد ترخیص: حدی از مسافت که در آن صدای اذان و دیوار محل اقامت قابل تشخیص نباشد (نقطه ای که از آن به بعد مسافر نماز را شکسته می خواند و روزه را باطل می کند تقریباً دو کیلومتری شهر).

قصد اقامت: تصمیم مسافر بر توقف ده روز یا بیشتر در یک محل.

کافر حربی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ و محاربه است.

کافر ذمی: اهل کتاب که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه، در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته اند.

مرتد: مسلمانی که منکر خدا و رسول یا حکمی از ضروریات دین شده که انکارش به انکار خدا و رسول برگردد.

مرتد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوه و سپس از دین خارج گشته است.

مرتد ملی: کسی که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده (در ملت کفر است)، ولی خودش پس از اظهار کفر مسلمان شده و مجدداً کافر گردیده است.

راه های شناخت مجتهد جامع شرایط و مجتهد اعلم

1- خود انسان یقین کند؛ 2- دو نفر عادل بگویند؛ 3- از گفته اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند اطمینان به دست آید.

از چهار راه می توان فتوای مجتهد را به دست آورد:

1- شنیدن از خود مجتهد؛ 2 شنیدن از دو نفر عادل؛ 3 شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راستگو باشد؛ 4 دیدن از رساله مورد اطمینان.

بقاء بر تقلید از مجتهد میت

بدون شک تقلید ابتدایی از میت جایز نیست، اما باقی ماندن بر فتوای مجتهدی که انسان از او تقلید می کرد و اکنون از دنیا رفته مشروط و منوط بر نظر مجتهد حی اعلم است که اکثر مراجع مشهور فعلی چنین حکمی را واجب یا جایز می دانند.

چند مسأله قابل توجه درباره تقلید

* اگر شناخت مجتهد اعلم مشکل است باید از کسی تقلید نمود که احتمال اعلم بودن او باشد، بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست باید از او تقلید کند و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی از آنان تقلید کند اما رجوع از مرجع مساوی به مساوی دیگر را برخی از مراجع جایز و برخی غیر جایز می دانند. (1)

ص: 53

1- امام خمینی رحمت الله علیه: (جایز - حاشیه عروه، مسأله 11). سیستانی: (جایز)، «اگر علم اجمالی به مخالفت با واقع پیدا نشود - حاشیه عروه، مسأله 11). فاضل لنکرانی: (جایز - حاشیه عروه مسأله 11). بهجت: (جایز «در مسایلی که ارتباط با هم ندارند»، رساله مسأله 5). گلپایگانی: جایز نیست بنابر احتیاط واجب - رساله مسأله 5). اراکی، خویی، مکارم، نوری، وحید: (جایز نیست حاشیه عروه، مسأله 11). رهبری: (بنابر احتیاط واجب جایز نیست - اجوبة الاستفتاءات، سؤال 31). صافی گلپایگانی: «بنابر احتیاط واجب در مسایلی که یاد گرفته جایز نیست» جامع الاحکام، ج 1، ص 18).

ضمناً در صورت تساوی چند مرجع اکثر مراجع تبعیض در تقلید را جایز می دانند (در مسایلی که با هم ارتباطی ندارند می تواند بعضی مسایل را از یکی و بعضی دیگر را از مجتهد دیگر تقلید کند).

* اگر مجتهد اعلم در مسأله ای فتوا دهد، مقلد آن مجتهد نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند ولی اگر فتوا ندهد و بفرماید احتیاط آن است؛ مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه، بگوید مقلد باید به این احتیاط که احتیاط واجبش می گویند عمل کند و سه مرتبه بگوید یا بنابر احتیاط واجب به فتوای مجتهد اعلم عمل نماید (با رعایت الاعلم فالاعلم). بنابراین، این که در بین بعضی افراد شایع است که در یک مسأله می توان به مجتهد دیگر مراجعه و از او تقلید کرد، صحیح نیست، مگر در صورت مذکور که بیان شد.

* تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهدش عوض شده است می تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل نماید و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده، جستجو لازم نیست. حتی اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسأله ای فتوا داد احتیاط کند مقلد نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، بلکه باید یا به فتوا عمل کند یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را احتیاط مستحب می گویند، مگر آن که فتوای آن مجتهد نزدیک تر به احتیاط باشد.

* اعمالی که انسان تاکنون بدون تقلید انجام داده در سه صورت صحیح: -

1- بفهمد به وظیفه واقعی خود عمل کرده است.

2- عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد.

3- عمل را طوری انجام داده باشد که به احتیاط نزدیک تر است.

ص: 55

بخش دوم: روش های بیان احکام

اشاره

بخش دوم: روش های بیان احکام.

ص: 57

فقها و علمای شیعه در طول تاریخ روش های جامع و کاملی را به منظور هدایت و تربیت مردم پایه ریزی کرده اند تا بدین وسیله به تمام نیازهای دنیوی و اخروی مادی و معنوی و فردی و اجتماعی آنان پاسخ داده شود.

بدیهی است که هر نوع روش یا شیوه ای باید متناسب با موضوع مورد نظر باشد. چنان که قبلاً اشاره شد، موضوع احکام، هدایت و تربیت انسان است و انسان نیز از ابعاد گسترده ای برخوردار است بنابراین روش ها نیز باید به گستردگی دامنه وجودی و متناسب با نیازهای انسان باشد.

این روش های کلی که از لحظه تولد تا هنگام مرگ بلکه از قبل از تولد تا پس از مرگ را در بر می گیرد و تمام ادوار عمر آدمی از کودکی، نوجوانی، جوانی، پیری و تمام حالات انسان مانند قیام، قعود، خواب بیداری، سیری، گرسنگی، سلامتی، بیماری، سکوت، تکلم، سفر و حضر و... را شامل می شود همانند تابلوی بزرگی از احکام الهی بالای سر و پیشانی انسان نصب گردیده است.

فقهای شیعه با درایت خاص به منظور تقویت پیوند انسان با خدا، ابتدا احکامی -

که مستقیم در ارتباط با خداست و نیاز به قصد قربت دارد، یعنی عبادات را مطرح و آنگاه مسایل مربوط به معاملات (اعم و اخص عقود و ایقاعات) را بیان فرموده اند تا از این رهگذر و در پرتو عمل به احکام، عقربه روح انسان در امواج متلاطم دنیا به طور دقیق و بدون هیچ گونه انحرافی بر روی خط مستقیم راه الهی قرار گیرد و افکار و رفتار، اعمال و معاملات انسان با خدا و با مردم راه صحیح و درست را طی کند.

با توجه به آنچه گفته شد و نیز براساس طرح کلی بسیار زیبای بیان و تدوین احکام که توسط علمای بزرگوار گذشته بنا نهاده شده است، به نظر می رسد باید به طور متنوع و به مقتضای زمان و عصر حاضر با ابزارهای مختلف به آموزش و بیان احکام پرداخت. شیوه های بیان احکام یا نحوه آموزش را می توان به چند بخش تقسیم نمود. این روش ها که انتزاعی و بر اساس تجربه به دست آمده و در عرض یکدیگر می باشد نه در طول هم و همزمان تحقق پیدا می کند، به پنج روش معمول خلاصه می شود که عبارت است از:

1- شیوه ابزاری و پرسش و پاسخ.

2- شیوه عملی.

3- شیوه عاطفی و تشویقی.

4- شیوه بیان فلسفه یا اسرار احکام.

5- شیوه نموداری و دسته بندی.

قبل از بیان شیوه ها مناسب است مریبان محترم به این نکته توجه فرمایند که بدون برخورداری از مایه علمی و مطالعه لازم امکان موفقیت برای آنان کمتر خواهد بود. بنابراین، باید به سلاح علم مجهز گردند و نیز از پرسش به منظور رفع جهل دریغ ننموده و مخاطبین را به زحمت و مشقت نیندازند.

ص: 60

در مکتب تربیتی اسلام، نسبت به علم و آگاهی و رفع جهل از هر کس و از هر چیز، هر چند پرندهای مانند کلاغ (سوره مائده آیه 31) یا هدهد (سوره نمل آیه 22) باشد، تأکید فراوان به عمل آمده و دامنه آن به حدی وسیع و گسترده است که محدود به هیچ زمان و مکان و شخص خاصی هم نیست «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد، «اطلبوا العلم ولو بالصین»، «طلب العلم فريضة على كل مسلم»، «الحكمة ضالة المؤمن ياخذها اينما وجدها..»⁽¹⁾

علم فقه و احكام كه عهده دار راه و روش زندگي و بندگان خداست از هر علمي شريف تر بوده و صحت عبادات و معاملات مشروط بر آن است؛ زيرا مثلاً اگر كسي مساييل و احكام شكيات نماز را نداند ممكن است در بين نماز شك به وجود آيد و به خاطر جهل نماز را بشكند كه در اين صورت شكستن، نماز حرام و معصيت است.

بنابراين هر مسلمان متشرعي، بايد براي به دست آوردن احكام شرعيه، خوب مطالعه كند و يا از افراد مسأله دان سؤال نمايد و اگر چيزي را نمي داند، اولاً، شرم و خجالت نكشد از اين كه بگويد نمي دانم و ثانياً، خود و ديگران را براي پاسخ گويي به زحمت و مشقت نيندازد. در اين باره، به سه كلام زيبا از امير المؤمنين عليه السلام اشاره مي شود.

«وَلَا يَسْتَحِينَ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ».

«و شرم نکند و خجالت نکشد هیچ یک از شما اگر چیزی را که از او می پرسند نمی داند بگوید نمی دانم».

«وَلَا يَسْتَحِينَ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ»⁽²⁾

ص: 61

1- این احادیث بین شیعه و سنی متواتر است. همچنین ر.ک: حکمت های 76-77 نهج البلاغه.

2- نهج البلاغه، حکمت، 79، ص 1112

«و شرم نکند و خجالت نکشد احدی از این که چیزی را که نمی داند، آن را بیاموزد».

(سائِلُهُمْ مُتَعِنِّتٌ وَ مُجِيبُهُمْ مُتَكَلِّفٌ).

«پرسش کننده که شخص را به رنج می اندازد و پاسخ دهنده که رنج را به خود هموار نماید.» (1)

اکنون هر یک از روش ها را با تفصیل بیشتری بیان می کنیم.

1- شیوه ابزاری و پرسش و پاسخ

یکی از نعمت های بزرگ الهی و ابزار ارزشمندی که خداوند به ما عنایت فرموده، نعمت زبان و قلم است؛ دو نعمت بسیار عظیمی که همواره وسیله انتقال و بیان احکام الهی بوده و هست. در این میان، چگونه گفتن و چگونه نوشتن یا شیوه گفتاری و نوشتاری بسیار قابل اهمیت است؛ زیرا نوشتن یا گفتن تنها و بدون ضابطه و تهی از آداب و روش های خاص، نه تنها مؤثر نخواهد بود که گاهی عوارض نامطلوبی را نیز به بار خواهد آورد. بنابراین، گفتن به وسیله زبان و استفاده از ابزاری چون ضبط صوت (پخش)، سخنرانی و منبر، رفتن نوارهای ویدیویی، سی دی، کاست، رادیو و تلویزیون و غیره و یا نوشتن به وسیله قلم و استفاده از ابزاری چون کتاب، جزوه، پوستر، روزنامه، مجله و غیره دارای آداب و روش های خاصی است که در بیان احکام الهی باید به آن آداب و روش ها به طور کامل توجه نمود. در اینجا به بعضی از آن آداب اشاره می شود:

الف: آغاز کلام یا نوشتن با نام و یاد خداوند و توکل بر او و اخلاص و صداقت.

ص: 62

ب: اعتماد به نفس، تسلط بر مطلب، کم‌گویی و گزیده‌گویی و متناسب با مخاطبین (عوام و خواص) سخن گفتن، پرهیز از به کار بردن الفاظ یا کلمات مبهم، رکبیک یا تحقیر آمیز و دوری از تکیه کلام.

ج: ایجاد شوق و رغبت و جذابیت با به کار بردن عبارات و جملات زیبا و مناسب مانند کلمه «رویداد» به جای «اتفاق» همچنین استفاده از، مثال، ضرب المثل داستان، شعر و امثال آن (مثلاً در بحث خمس به داستان حضرت خضر علیه السلام و سوراخ شدن کشتی به منظور مصون ماندن اشاره شود، یا در شکایات نماز استفاده از ضرب المثل معروف، شتر دیدی ندیدی، یا وصله نمودن لباس یا پانسیمان زخم بدن در مورد نماز احتیاط و سجده سهو. همچنین در بحث ثواب نماز جماعت با مثالی زیبا می‌توان موضوع را مطرح نمود: مثال انگشتان دست که با یک انگشت می‌شود تلفن زد، با دو انگشت سطل را بلند کرد، همین طور تا پنج انگشت که می‌توان آمپول زد و به ده انگشت که رسید کاربردهای فراوانی خواهد داشت و با ده انگشت می‌توان هر کاری کرد و در دنیا هیچ کاری پیدا نمی‌شود که شخص بگوید من یازده انگشت لازم دارم، صف نماز جماعت نیز اگر به ده نفر برسد بی نهایت ثواب دارد).

همچنین در مواردی که امکان پذیر است احکام به صورت رمزی (آسان و ساده) بیان شود، مانند اعمال حج و عمره که مرحوم شیخ بهایی به شکل یک بیت شعر تمام آن اعمال را با حروف الفبا و به صورت رمزی بیان فرموده است:

«أَطْرَسْتُ لِلْعُمْرَةِ اجْعَلْ نَهْجٌ *** أَوْ أَوْ أَزْ نَحَطُ رَسَ طَرْمَرُ لِحَجِّ»

ا: احرام، ط: طواف، ر: دو رکعت نماز طواف، س: سعی، ت: تقصیر (اعمال عمره).

ا: احرام، و: وقوف به عرفات، و: وقوف به مشعر، ا: افاضه از مشعر به منی، ر: رمی جمره عقبه، ن: نحر، ح: حلق، ط: طواف حج را دو رکعت نماز طواف، س: سعی، -

ط: طواف نساء، ر: دو رکعت نماز طواف نساء، م: میبت به منی، ر: می جمرات ثلاث (اعمال حج).

د: استفاده از روش سمعی و بصری همچنین طرح سؤال، مشروط بر آن که از تحقیر افراد پرهیز شود، و نیز طرح کارنامه یا شناسنامه احکام پیشنهاد می شود (همراه داشتن دفتر خاص احکام) بهتر است، صفحه اول این کارنامه از محاسبه خمس شروع شود.

ه: مشخص بودن موضوع و برخورداری از چارچوب مشخص (دوری از حاشیه رفتن، شاخه به شاخه شدن و پراکندگی) و روشن نمودن ورودی و خروجی بحث و نیز خلاصه مطالب همچنین مستند بودن مطالب و ارایه مدارک لازم پیرامون همه مطالب ارایه شده.

2- شیوه عملی

شیوه عملی در ابعاد مختلف اخلاقی، اعتقادی، احکام و غیره نقش بسیار قابل توجهی در تاثیر گذاری مخاطبین، دارد بدیهی است اگر گفتار و نوشتار انسان با عمل مناسب و ارایه تکنیک های خاص عملی مقارن باشد افراد بیشتر تحت تاثیر قرار خواهند گرفت که شیوه عملی جزء برنامه های معصومین علیهم السلام بوده و یکی از موارد یا مصادیق حدیث مشهور: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (1) همین آموزش عملی اخلاق و احکام است که اکنون نیز این شیوه از بهترین شیوه های بیان احکام به حساب می آید.

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «صلوا کما رایتمونی اصلی»؛ «نماز بگزارید همان گونه که می بینید من نماز می گزارم». (2)

ص: 64

1- الکافی، ص 76، باب الورع.

2- بحار الأنوار، صص 82-274، باب التشهد و أحكامه.

همچنین روایت شده که برای اصلاح وضوی پیرمردی، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، در حضور آن مرد وضو گرفتند و بدین وسیله وضوی صحیح را به او آموختند.

در روایتی دیگر نیز از امام باقر علیه السلام، نقل شده در جواب کسی که از نحوه وضوی پیامبر صلی الله علیه و اله سؤال نمود، فرمود: ظرف و طشتی آوردند و امام باقر علیه السلام، وضو ساخت، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و اله وضو می ساخت. (1)

پیشنهاد می شود مریبان محترم احکام مسایلی را که می شود، به این شیوه آموزش داد، مانند، وضو، تیمم، غسل میت، نماز و امثال آن را در حضور مخاطبین خود عملاً آموزش بدهند تا بدین وسیله بهتر آنها را فرا گیرند.

3- شیوه عاطفی و تشویقی

اصولاً مردم دارای سه نوع زبان هستند و برای پرسیدن و نیز برای رفع نیازهای دینی خود از این سه نوع زبان استفاده می کنند: زبان قال یا مقال، زبان حال و زبان استعداد. زبان حال و استعداد مردم بیش از زبان قال آنان است که اگر میدان و اعتماد پیدا کنند بروز خواهند داد و اظهار خواهند کرد.

بسیاری از مردم پیرامون مسایل شرعی و احکام سؤال یا شبهه زیادی دارند که در درونشان مستور و نهفته است و گاهی به بهانه خجالت یا حیا و امثال آن از کسی سؤال نمی کنند؛ به ویژه در نسل جوان و در سنین بلوغ که گاهی راه را بیراه می روند و بسیاری از احکام شرعی نادیده گرفته می شود بنابراین، باید با ایجاد ارتباط عاطفی و تشویقی این نگرانی برطرف گردد.

در طول تاریخ شیعه ارتباط عاطفی و تشویقی رهبران دینی و معصومین علیهم السلام و -

ص: 65

1- پیرامون چگونگی وضوی صحیح و وضوی پیامبر الله به کتاب وسائل الشیعه، ج 6، ص 256 و کتب دیگری مانند آیه وضو و احکام وضو مراجعه نمایید.

مراجع تقلید و علما با مردم، به ویژه جوانان و کسانی که تازه به صف مکلفان پیوسته اند، پایدار بوده و آنان در پاسخ گویی به نیازهای دینی و شرعی مردم با تشویق و ترغیب به یاری آنان همت گماشته اند.

زنی حضور فاطمه زهرا علیها السلام، رسید و عرض کرد: مادری دارم ضعیف المزاج که درباره نماز با اشکال ها و مسایلی مواجه می شود. مراند شما فرستاد تا پرسش های او را با شما مطرح سازم، حضرت زهرا علیها السلام، به پرسش های این زن پاسخ داد. ولی او پرسش دیگری را مطرح کرد آن حضرت نیز پاسخ او را فرمود و همین گونه سؤال های متعددی را در میان گذاشت تا به ده سؤال رسید و حضرت به تمام آنها جواب فرمود. آن زن به علت کثرت سؤال ها احساس شرمندگی و از بیان و بازگو نمودن سؤالات بیشتر خجالت کشید و خودداری نمود، به همین جهت عرض کرد: بیش از این مزاحم نمی شوم، حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می رسد بپرس و از بازگو نمودن آن شرمگین مباش».

سپس آن حضرت برای ترغیب و تشویق آن زن از او سؤال کرد: اگر کسی در مدت یک روز بارگران و سنگینی را به دوش کشد و آن را بالای بام خانه ای حمل کند و در برابر آن حق الزحمه ای معادل هزار دینار دریافت نماید آیا با (چنین پاداش و مزد فراوانی) تحمل رنج و زحمت بارگران بر او ناگوار و غیر قابل تحمل است؟ عرض کرد: نه.

آنگاه حضرت فرمود: «مزد و اجرت من در برابر پاسخ به هر سؤالی بیشتر از دُرّ و مرواریدی است که فاصله میان آسمان و زمین را پر می کند...» تا آن جا که فرمود: «از پدرم رسول خدا شنیدم که می فرمود: دانشمندی که پیرو مکتب ما هستند، در روز قیامت محشور خواهند شد. در حالی که به میزان علوم و دانش ها و کوشش هایشان در جهت ارشاد مردم با خلعت ها و لباس های کرامت آراسته -

می‌گردند .. «(1) بدین ترتیب زمینه را برای پرسیدن سؤالات دیگر آن زن فراهم فرمود.

یکی از راه‌های تقویت ارتباط عاطفی به منظور بستر سازی آموزش احکام با این شیوه، تداوم روضه‌های هفتگی در منازل و میان خانواده‌ها است، که پیشنهاد می‌شود مبلغان محترم بیشتر به آن اهتمام ورزند.

4- شیوه بیان فلسفه و اسرار احکام

اشاره

همه عبادات و احکام الهی دارای آداب، اسرار، حکمت و فلسفه خاصی است که در قرآن مجید و روایات متعدد برای بعضی از آنها علت یا فلسفه و اسراری خاص ذکر شده است. از عللی که ذکر شده تعبیر به حکمت و فلسفه می‌شود، مانند علت حرمت شراب که اسکار و مستی است یا در باب وضو که به اسرار آن اشاره شده به طوری که وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله بعضی اسرار را به یک مرد یهودی فرمود، آن یهودی مسلمان شد.

تمام افعال خدا (افعال الله) معلل به اغراض حکیمانه است و نظام آفرینش در اصل خلقت و کم و کیف آن، همچنین در اعداد و ارقام (نظام تکوین و تشریح) از حکمت و اسرارشگفت انگیز برخوردار است و بر اساس میزان و مقدار مشخص، و حساب (2) و حکمت خاص بنا گردیده است. در جهان هستی، هیچ پدیده‌ای بدون نیست. البته آنچه تاکنون از اسرار نظام هستی تکوین و تشریح برای بشر علت آشکار شده مانند نسبت صفر است در برابر عددی بسیار طولانی.

بنابراین، باید توجه داشت که در این روش و شیوه بیان احکام یعنی ارایه و بیان فلسفه و اسرار احکام برای مخاطبین لازم است:

ص: 67

1- بحار الانوار، ج 2، ص 3، ح 3.

2- (الرَّحْمَنُ ... الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ) {الرحمن: 1 و 5}

اولاً، به بیان مواردی که در قرآن و روایات به فلسفه یا اسرار آن اشاره شده اکتفا شود و هرچه منصوص العله است گفته شود؛ (1) زیرا فلسفه و اسرار احکام را فقط معصومین علیهم السلام، می دانند که مصداق (الراسخون فی العلم) هستند.

ثانیاً، از هرگونه قیاس و استحسان و رأی شخصی دوری گردد.

ثالثاً، به بهانه بیان فلسفه احکام تعبد که فلسفه اصلی همه عبادات و احکام است و همه اسرار در آن مستور و نهفته است، کم رنگ یا فراموش نشود.

رابعاً، پرداختن به فلسفه و علل احکام را نباید با علم زدگی مترادف دانست و خلط نمود.

در اینجا جهت جلب توجه و آگاهی به بعضی از آیات قرآن که در آنها به فلسفه یا اسرار نظام تکوین و تشریح تصریح شده اشاره می شود.

فلسفه بعضی از موارد نظام تکوین

*فلسفه خلقت جهان: (و هو الذی خَلَقَ لَكُمْ) [بقره/39].

*فلسفه آفرینش انسان: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) [ذاریات/56].

*فلسفه مرگ و حیات: (خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) [ملک/2].

*فلسفه خواب: (وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا) [نبا/9].

*فلسفه آفرینش خورشید و ماه: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا) [یونس/5].

*فلسفه باران: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا ...) [فرقان/49].

ص: 68

1- به کتاب علل الشرایع و کتاب اسرار عبادات، صص 20 و 212 و کتاب فلسفه احکام مرحوم اهتمام مراجعه شود.

*فلسفه ابرها: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا) [نبا/14].

* فلسفه باد: (وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ ...) [حجر/22]

*فلسفه خلقت: (چهارپایان جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا ...) [غافر/79].

*فلسفه دریاها: (سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَاكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا ...) [نحل/14]. (سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ) [جاثیه/12].

*فلسفه کوه ها: (وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا) [نبا/7].

*فلسفه آفرینش اب: (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ) [انبیا/30].

...**

فلسفه یا اسرار بعضی از موارد نظام تشریح

*فلسفه نماز: (وَاقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) [طه/14]. (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ...) [عنکبوت/45].

*فلسفه روزه: (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ ... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) [بقره/183].

*فلسفه حج: (وَ أَدْنِ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ ...) [حج/27].

* فلسفه خمس و زکات: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا) [توبه/103].

*فلسفه طهارات ثلاث (وضو، تیمم، غسل): (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ ..)؛ (مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ ... حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) [مائده/6].

این سه مقوله آن چنان مهم است که با وجود حجم اندک و ساده بودن، سه اثر و مسأله مهم را در بر دارد:

1- بدون زحمت و مضیقه است خداوند فرموده: «ما اصلاً اراده نکرده ایم و نمی خواهیم شما به حرج بیفتید.».

2- موجب طهارت و پاکی روح و جسم است می خواهیم جسم و روح شما از کثافات و آلودگی ها پاک گردد.

3- خداوند می خواهد نعمت های مادی و معنوی شما را تمام کند.

بنابراین، فلسفه وضو هم مانند سایر عبادات بالاتر از فواید مادی و نتایج جسمانی است. آری، همان طور که حر در ظرف پنج یا شش دقیقه حر شد و همان طور که غسل بهترین و پر ویتامین ترین غذا در جهان است و از یک زنبور کوچک، آن همه آثار و برکات به وجود می آید و همان گونه که بهترین پوشاک های دنیا لباس ابریشم است که ماده اش از لعاب کرم است همین طور از مختصری آب با چند دقیقه وقت صرف کردن برای وضو و غسل آن همه آثار به وجود می آید. راز مهم این همه آثار و برکات در آن است که بنده امر مولی را اطاعت کرده و قدرت خود را بالاتر برده است و گرنه آب دریا زیاد است، اما این ارزش را ندارد.

5- شیوه دسته بندی و نموداری مناسب و جامع

اشاره

روش دسته بندی و نموداری احکام و مسایل شرعی یکی از بهترین و جذاب ترین روش های تجربه شده است از این روش می توان در تمام ابواب فقه و مسایل رساله های عملیه به طور متنوع و زیبا و در اشکال مختلف و ابعاد گوناگون و نیز در مراحل مختلف استفاده کرد. دسته بندی احکام در این روش به طرق مختلف -

امکان پذیر است. البته بهتر است از همه طرق به تناسب استفاده نمود که در اینجا به چند روش دسته بندی کلی اشاره می شود:

الف: دسته بندی احکام در قالب مشاغل یا اصناف: در این دسته بندی می توان احکام را به صورت مشاغل یا اصناف دسته بندی کرد؛ مانند مشاغل پزشکی کشاورزی و ده ها شغل دیگر که هر یک دارای آداب و احکام خاص است.

ب: دسته بندی احکام در قالب موضوعات: در این دسته بندی می توان احکام را به صورت موضوعی تقسیم بندی و نموداری کرد؛ مانند عبادات، معاملات طهارت، نماز، روزه، خمس، بیماری و دماء ثلاثه و...

ج: دسته بندی احکام در قالب حالات: در این دسته بندی می توان احکام را براساس حالات دسته بندی نمود؛ مانند: حالت علم و شک، شک در نماز و غیر نماز و...

دسته بندی و مراحل آموزشی

اشاره

از سوی دیگر به تناسب سطح علمی و ظرفیت مخاطبین نیز می توان احکام را در چند مرحله آموزش داد.

مرحله اول: دسته بندی مسایل عمومی و ضروری مورد ابتلا مقلدین که در این مرحله فقط . کلیات و آنچه همه مراجع تقلید به آن فتوا داده اند پرداخته می شود. (1)

مرحله دوم: دسته بندی احکام شرعی به انضمام مسایل اخلاقی و اعتقادی؛ مثلاً -

ص: 71

1- برای آگاهی بیشتر ر.ک: رساله آموزشی اثر نگارنده.

در بحث طهارات ثلاث به طهارت در اخلاق و عقاید نیز اشاره شود یا در بحث معاملات به معامله با خدا با آیاتی نظیر (ان الله اشتری (...)) به منظور بیان ارکان اربعه معاملات نیز اشاره شود.

مرحله سوم: دسته بندی جامع و کامل از متن عروة الوثقی که به صورت نموداری و دسته بندی نظیر مرحله اول توأم با ارایه مدارک و اسناد احکام از کتب روایی و استدلالی ارایه می شود همچنین بیان یک استدلال فشرده و اشاره به نظر مبارک مراجع معظم تقلید نیز مفید خواهد بود. (1)

در پایان این بخش به عنوان نمونه به چند نوع دسته بندی با توجه به مطالب مذکور اشاره می شود.

نمونه هایی از دسته بندی مرحله اول

اشاره

مسائل دینی و احکام به دو قسم تقسیم می شود:

1- عبادت.

2- معاملات:

2-1- معاملات با خدا (عبادت...).

2-2- معاملات با مردم (نقد، نسیه...).

2-2-1- اخص.

2-2-2- اعم.

ارکان معامله:

1- بایع.

2- مشتری.

3- ثمن.

4- مضمن.

ص: 72

1- این دسته بندی به طور تفصیلی در کتابی دیگر با عنوان «عروة الوثقی» آموزشی از سوی نگارنده منتشر خواهد شد. انشاء الله.

ارکان اربعه معاملات معنوی در آیه (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ...) به انضمام آیه (هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ ...) و آیه (يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا...) بیان شده که در توضیح این قسمت قابل استفاده است.

نمونه ای دیگر از تقسیم بندی در قالب حالات:

حالات انسان

حالات انسان:

بخش دوم / روش‌های بیان احکام / ۷۳

ارکان اربعه معاملات معنوی در آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...﴾ به انضمام آیه ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ...﴾ و آیه ﴿يُقْرَضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا...﴾ بیان شده که در توضیح این قسمت قابل استفاده است.

نمونه‌ای دیگر از تقسیم بندی در قالب حالات:

حالات انسان

مثبت و ممدوح	منفی و مذموم
سلامتی	بیماری
ذکر و یاد خدا	غفلت (بی توجهی) نسیان (فراموشی)
آرامش	اضطراب
اقبال و نشاط و شادی	ادبار و افسردگی و پریشانی
ایمان و تقوا	کفر و بی تقوایی
اخلاص	ریا و تظاهر
توکل و اعتماد به خدا	عدم توکل و بی اعتمادی
شکر و قناعت	ناشکری و ناسپاسی
رضا و تسلیم	ناراضایی و پرتوئمی
علم و یقین	جهل و نادانی
علم و یقین	ظن و گمان
علم و یقین	شک و تردید
علم و یقین	وهم و خیال
ترس و خوف از خدا و قیامت	ترس و خوف از مردم و از دست دادن دنیا
یأس و ناامیدی از مردم و امید به خدا	یأس از رحمت خدا و سوء ظن به خدا
غم و اندوه آخرت و فراغ محبوب واقعی	غم و غصه دنیا و اندوه‌های مقایسه‌ای
خواب و بیداری مفید و انسانی	خواب و بیداری حیوانی و شهوانی
صداقت و راستی	نفاق و چند چهره‌ای
مرگ و حیات با شرافت	مرگ و حیات حیوانی
تواضع و فروتنی	تکبر و خودخواهی

بهتر است پیش از ورود به بحث شکایات نماز، مقدمه ای پیرامون حالات مختلف انسان که اشاره شد بیان شود و حالات مثبت و منفی او مانند حالت مثبت علم و یقین در مقابل حالت منفی شک و تردید، تشریح گردد.

مطابق نظر مبارک و فتاوی مراجع معظم تقلید ایدهم الله تعالی، استفاده می شود. مسایلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد و یکی از مسایلی که مورد ابتلا است و امکان دارد برای انسان پیش آید. مسأله شکایات نماز است؛ شک در طهارت نماز، در خواندن نماز، در اجزاء نماز و در رکعات نماز. بنابراین، بر هر مکلفی واجب است قبل از ابتلا به شک و سهو و غیره به مسایل و وظایف خاص آن آگاه باشد تا در هنگام مبتلا شدن نماز را نشکند یا باطل نکند؛ زیرا شکستن نماز در این گونه موارد حرام و معصیت است.

سرچشمه شک گاهی افکار و گرفتاری های مختلف است که نمازگزار باید قبل از نماز آن را از ذهن و ضمیر خارج سازد.

انسان باید مسایل مورد ابتلا از جمله شکایات نماز را قبل از شروع به نماز فرا گیرد تا هنگامی که در نماز شکی برای او پیش آمد نماز را نشکند، برای این کار:

اولاً، خوب فکر کند تا به یک طرف علم و یقین یا گمان پیدا کند و همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهایی که مشخص شده عمل نماید.

ثانیاً، اگر به یک طرف راه پیدا نکرد و در شک خود باقی ماند به دو نوع وظیفه توجه داشته باشد یکی وظیفه خاص در همان حال نماز و شک زیرا فرق است بین شک در حال قیام و غیره و همچنین در نماز دو یا سه یا چهار رکعتی؛ دیگر وظیفه خاص بعد از نماز زیرا بعد از نماز گاهی باید نماز احتیاط و گاهی سجده سهو انجام داد.

قبل از اشاره به شک های صحیح به منظور فراگیری ساده و راحت به چند نکته توجه شود:

1- شک در نمازهای غیر چهار رکعتی به طور کلی: یا (باطل است مانند شک در رکعات نمازهای 2 و 3 رکعتی، 2 و 5، 3 و 6، 4 و 6، 2 یا بیشتر قبل از سجده دوم نماز 2 و 5، چهار رکعتی، شک بین رکعت اول و یا بیشتر و یا اصلاً نداند چند رکعت خوانده)، که در این هشت مورد نماز باطل است.

یا شک هایی است که نباید به آنها اعتنا کرد مانند (شک کثیر الشک بعد از محل، بعد از سلام، بعد از وقت در نمازهای مستحبی یا شک امام و مأوم)، که در این شش مورد نیز نباید به شک اعتنا کرد و نماز صحیح است.

2- در تمام موارد شک های صحیح باید بنا بر بیشتر و اکثر گذارده شود، مگر در شک 4 و 5 بعد از نماز نیز به میزان اختلاف طرفین شک، باید نماز احتیاط خوانده شود.

3- شک های صحیح که فقط در نمازهای چهار رکعتی غیر از رکعت اول به بالا تصور می شود 8 قسم است که به شکل زیر بیان می گردد.

شک هایی که پای دو به بالا در کار است:

بخش دوم / روش‌های بیان احکام / ۷۵

قبل از اشاره به شک‌های صحیح به منظور فراگیری ساده و راحت به چند نکته توجه شود:

۱- شک در نمازهای غیر چهار رکعتی به طور کلی: یا باطل است (مانند شک در رکعات نمازهای ۲ و ۳ رکعتی، ۲ و ۳، ۴ و ۶، ۴ و ۶، ۲ یا بیشتر قبل از سجده دوم نماز چهار رکعتی، شک بین رکعت اول و یا بیشتر و یا اصلاً نداند چند رکعت خوانده)، که در این هشت مورد، نماز باطل است.

یا شک‌هایی است که نباید به آنها اعتنا کرد (مانند شک کثیرالشک، بعد از محل، بعد از سلام، بعد از وقت، در نمازهای مستحبی یا شک امام و مأموم)، که در این شش مورد نیز نباید به شک اعتنا کرد و نماز صحیح است.

۲- در تمام موارد شک‌های صحیح باید بنا بر بیشتر و اکثر گذارده شود (مگر در شک ۴ و ۵)، بعد از نماز نیز به میزان اختلاف طرفین شک، باید نماز احتیاط خوانده شود.

۳- شک‌های صحیح که فقط در نمازهای چهار رکعتی غیر از رکعت اول به بالا تصور می‌شود ۸ قسم است که به شکل زیر بیان می‌گردد.

شک‌هایی که پای ۲ به بالا در کار است

تکلیف بعد از نماز	تکلیف در نماز	رکعت نماز
یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته	بنا بر ۳ گذارده شود	۲ و ۳
دو رکعت نماز احتیاط ایستاده	بنا بر ۴ گذارده شود	۲ و ۴
دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته	بنا بر ۴ گذارده شود	۲ و ۳ و ۴

(در هر سه مورد بعد از سجده دوم صحیح است، نه قبل از آن)

(در هر سه مورد بعد از سجده دوم صحیح است، نه قبل از آن).

شک‌هایی که پای 3 به بالا در کار است.

۷۶ / در پرتو احکام

شک‌هایی که پای ۳ به بالا در کار است

تکلیف بعد از نماز	تکلیف در نماز	رکعت نماز
یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته	بنا بر ۴ گذارده شود (در هر جای نماز صحیح است)	۳ و ۴
دو رکعت نماز احتیاط ایستاده	باید بنشیند و بنا بر ۴ گذارده شود (فقط در حال ایستاده صحیح است)	۳ و ۵
دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته	باید بنشیند و بنا بر ۴ گذارده شود (فقط در حال ایستاده صحیح است)	۳ و ۴ و ۵

شک بین ۴ و ۵

تکلیف بعد از نماز	تکلیف در نماز
۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده یا ۲ رکعت نشسته	باید بنشیند و بنا بر ۴ گذارده شود (فقط در حال ایستاده صحیح است)

شک بین ۵ و ۶

تکلیف بعد از نماز	تکلیف در نماز
پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد	باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و نماز را تمام کند. (فقط در حال ایستاده صحیح است)

دستور سجده سهو

بعد از نماز فوراً نیت سجده سهو کند و به سجده برود و در سجده بگوید:

«بسم الله و بالله، اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» و دوباره به سجده رود و

همان ذکر را بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

۱. دو نوع ذکر دیگر نیز برای سجده سهو در رساله‌های عملیه ذکر شده است.

شک بین 4 و 5.

شک بین 5 و 6.

بعد از نماز فوراً نیت سجده سهو کند و به سجده برود و در سجده بگوید:

«بسم الله و بالله اللهم صل على محمد و آل محمد» (1) و دوباره به سجده رود و همان ذکر را بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

ص: 76

1- دو نوع ذکر دیگر نیز برای سجده سهو در رساله های عملیه ذکر شده است

نماز احتیاط اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد، نمازگزار بعد از اتمام نماز باید فوراً نیت کند و بعد تکبیر بگوید و سوره حمد را با بسم الله آهسته بخواند و بعد رکوع و سجود را انجام دهد.

نمونه ای دیگر از دسته بندی مرحله دوم (بحث طهارت)

طهارت

طهارت به معنای پاکی، پاکدامنی و پاکیزگی است و در قرآن مجید بیشتر به معنای پاکدامنی و عفت (طهارت نفس) آمده و مصدر «طهر» یا «طهر» است: «وَهِيَ لُغَةٌ النِّظَافَةِ وَ النِّزَاهَةِ مِنَ الْأَذْنَانِ» (1) کلمات طَهَرَ، طَهَّرَ، طَهَّرُوا، طَهَّارَةً، مطهره، تطهر، همه از یک مقوله و از یک خانواده اند.

کلمه طهارت در موضوعات مختلف به کار رفته است که عبارت است از:

اقسام طهارت

اشاره

- 1- طهارت ظاهری (نظافت پاکیزگی و نظافت عمومی، بدن، لباس، مسکن و محیط زیست).
- 2- طهارت ظاهری (طهارت از خبث).
- 3- طهارت باطنی: 1- طهارت فکر (عقل پاک)؛ 2- طهارت قلب (قلب پاک تزکیه نفس یا تهذیب اخلاق).
- 4- طهارت ظاهری و باطنی: (طهارت ثلاث).
- 5- طهارت مالی: پاکی مال از حرام بدهی مالی و خمس و زکات: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ ...) (توبه/103).

ص: 77

طهارت ظاهری به معنای نظافت عمومی و پاکیزگی بدن و لباس و محیط زیست دوری از آلودگی های ظاهری از برنامه های مؤکد و تربیتی و از دستورات اخلاقی مکتب مقدس اسلام است و از افراد بی نظافت و چرکین مذمت به عمل آمده است: «بِئْسَ الْعَبْدُ الْقَاذِرَةُ»، «التَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ»، «بني الاسلام على النظافة.» انسان پاکیزه و با نظافت مورد محبت خدا قرار گرفته و همین نظافت ظاهری در شادابی و نشاط روحی او تأثیر گذار است: (وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ). (1)

این نوع طهارت در مورد صحت عبادت نقشی ندارد، اما نسبت به قبولی و کمال و فضیلت عبادت بی اثر نیست. بر همین اساس، تأکید شده هنگام نماز و عبادت از پاکیزه ترین لباس ها و از عطر و بوی خوش استفاده شود همچنین نسبت به حمام رفتن، عطر زدن، مسواک نمودن، ناخن گرفتن، شانه زدن، ازاله موهای زاید بدن و ده ها آداب و دستورات بهداشتی دیگر تأکید فراوانی به عمل آمده که در کتاب ارزشمند حلیة المتقین (2) و همچنین کتاب شریف آداب الشریعة به بخشی از این آداب روان اشاره شده است. در این جا به چند نمونه از این روایات اشاره می شود.

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «دو رکعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک» و نیز فرمود: «هر کس در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد، پیوسته با طهارت باشد تا جمعه دیگر و درد چشم نگیرد».

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «خود را پاکیزه کنید به آب از بوی بدی که مردم از آن متاذی می شوند، و در پی اصلاح بدن باشید؛ به درستی که خدا دشمن دارد از -

ص: 78

بندگانش آن کثیف‌گندیده که پهلوی هر کس بنشیند از او متأذی شود. همچنین فرمود: «شستن جامه و لباس، اندوه و غم را بر طرف می‌کند و موجب قبولی نماز می‌گردد.» و نیز فرمود: «نیکو خانه‌ای است حمام، جهنم را به یاد می‌آورد و چرک را از بدن می‌برد».

مسواک زدن و حمام رفتن، نظر نمودن در آئینه، انگشتر در دست نمودن، شانه زدن، استعمال بوی خوش و عطر از سنت و اخلاق انبیاء علیهم السلام است. (مرحوم فشارکی تنها برای ناخن گرفتن پنج آداب، برای پوشیدن لباس بیست و دو آداب و برای حمام رفتن سی و چهار آداب ذکر فرموده که دلیل اهمیت طهارت ظاهری بدن و لباس و غیره در سنت و فرهنگ اسلامی است).

طهارت در اسلام به قدری اهمیت دارد که در همان روز اول تأسیس دین خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله امر فرموده: (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ وَتَيْبَأْكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجِرْ)؛ «ای در بستر خوابیده، برخیز و انذار کن و پروردگارت را بزرگ بشمار و لباست را پاک کن و از پلیدی‌ها بپرهیز» (1).

2- طهارت ظاهری (طهارت از خبث)

اشاره

خبث به معنای آلودگی یا نجاست ظاهری است که به جسم یا لباس یا چیزهای دیگر سرایت می‌کند و باید برای نماز و غیره تطهیر شود. ارکان اصلی این بحث سه چیز است: 1- نجاسات 2- مطهرات 3- کیفیت یا نحوه طهارت.

ص: 79

نجاسات یازده چیز است:

1- بول.

2- غائط.

3- منی.

4- مردار.

5- خون.

6- سگ.

7- خوک.

8- کافر.

9- شراب.

10- قفاح.

11- عرق شتر نجاستخوار.

1 و 2 احکام بول و غائط:

1- بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند نجس است ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است (مسأله 84).

2- فضله پرندگان حرام گوشت نجس است (مسأله 85).

3- بول و غائط حیوان نجاستخوار نجس است و همچنین است بول و غائط حیواناتی که انسان آن را وطی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده، و گوسفندی که گوشت آن از خوردن شیر خوک محکم شده است. (مسأله 86).

3- حکم منی: منی حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است.

4- مسائل مربوط به مردار:

4-1- مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است ... و ماهی چون خون جهنده ندارد اگرچه در آب بمیرد پاک است (مسأله 88).

4-2- چیزهایی از مردار که روح نداشته باشد و نجس العین هم نباشد پاک است.

4-3- پوست های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده اگر چه آنها را بکنند پاک است ولی بنابر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده اند اجتناب نمایند (مسأله 91).

4-4- دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می آورند، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاک است (مسأله 94).

5- احکام خون:

5-1- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند نجس است پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک می باشد (مسأله 96).

5-2- اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید خونی که در بدنش می ماند پاک است ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه این که سر حیوان در جای بلندی، بوده خون به بدن حیوان برگردد آن خون نجس است (مسأله 97).

5-3- خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست ولی خوردن آن حرام است و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود خوردن زرده هم مانعی ندارد. (مسأله 98).

5-4- زردابه ای که در حال بهبودی زخم در آن پیدا می شود اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک است. (مسأله 104).

6 و 7 سگ و خوک: سگ و خوک که در خشکی زندگی می کنند حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت های آنها نجس است ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

کافرکیست:

1- کسی که منکر خداست.

2- کسی که برای خدا شریک قایل است.

3- کسی که پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه واله را قبول ندارد یا شک داشته باشد.

4- کسی که ضروری دین را منکر شود مثل: نماز و روزه؛ چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن چیز برگردد به انکار خدا یا توحید یانبوت.

ص: 81

8-1- تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبت های او نجس است (مسأله 107).

8-2- اگر پدر و مادر و جد و جدۀ بیچۀ نابالغ کافر باشند آن بیچۀ هم نجس است و اگر یکی از این ها مسلمان باشد بیچۀ پاک است (مسأله 108).

8-3- اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد یا با آنان دشمنی داشته باشد نجس است (مسأله 110).

9- مسائل مربوط به شراب:

9-1- شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند، چنانچه به خودی خود، روان باشد نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش نباشد اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود پاک است (مسأله 111).

9-2- الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند این ها به کار می برند اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده اند پاک می باشد (مسأله 112).

9-3- خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیابند پاک و خوردن آنها حلال است؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که از آنها اجتناب کنند (مسأله 114).

10- فقاع: فقاع که از جو گرفته می شود و به آن آبجو می گویند نجس است، ولی آبی که به دستور طبیب از جو، می گیرند و به آن ماء الشعیر می گویند پاک می باشد (مسأله 115).

11- عرق شتر نجاستخوار: عرق شتر نجاستخوار نجس است، ولی اگر حیوانات دیگر نجاست خوار شوند از عرق آنها اجتناب لازم نیست (مسأله 120).

عرق جنب از حرام نجس نیست ولی احتیاط واجب آن است باید بدن یا لباسی که با آن آلوده شده نماز نخوانند (مسأله 116).

نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود:

- 1- خود انسان یقین کند و اگر گمان داشته باشد لازم نیست اجتناب نماید، مثل غذای قهوه خانه.
 - 2- کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است، مثل همسر انسان.
 - 3- دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کرد.
- حکم چیزی که در نجاستش شک دارد:

- 1- چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است.
- 2- چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه، پاک است (مسأله 123).

راه نجس شدن چیز های پاک

حکم چیز پاک که به چیز نجس برسد:

- 1- اگر هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می شود (مسأله 125).
- 2- اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد چیزی که پاک بوده نجس نمی شود.

هرگاه شیره و روغن روان، باشد همین که یک نقطه از آن نجس شد تمام آن نجس می شود، ولی اگر روان نباشد نجس نمی شود (مسأله 129).

احکام نجاسات:

- 1- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و نیز خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد حرام می باشد، بلکه اگر ضرر هم نداشته بنابر احتیاط باید از آن خودداری کنند، ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده به طفل حرام نیست. (مسأله 141).
- 2- اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و ببیند، بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است لازم نیست به آنان بگوید.
- 3- اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان ها بگوید اما اگر یکی از مهمان ها بفهمد لازم نیست به دیگران خبر دهد ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که می داند که به واسطه نگفتن خود او هم نجس می شود باید بعد از غذا به آنان بگوید (مسأله 145).

س: خشک شویی هایی که لباس های مردم را با مواد شیمیایی مانند بنزین و سایر مواد پاک کننده می شویند و آنها را اطو می کنند، آیا از نظر شرعی پاک هستند یا خیر، چون ممکن است افرادی که پاکی و نجاست را مراعات نمی کنند، نیز لباس خود را به این خشک شویی ها بدهند.

ج: محکوم به طهارت است و احتمال نجس بودن دستگاه، کافی برای حکم به نجاست نیست.

احکام تخلی:

1- واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند و همچنین از دیوانه ممیز و بچه های ممیز که خوب و بد را می فهمند بپوشاند، ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند (مسأله 57).

2- موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

جاهایی که تخلی حرام است (مسأله 64):

1- در کوچه های بن بست در صورتی که صاحبشان اجازه نداده باشند.

2- در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است.

3- در جایی که برای عده مخصوصی وقف شده است مثل بعضی مدرسه ها (مثلاً مدارس علمیه ای که وقف خاص طلاب است) و یا نداند که آیا عام است و یا خاص طلاب.

4- روی قبر مؤمنین در صورتی که بی احترامی به آنان باشد.

مواردی که مخرج غائط فقط با آب پاک می شود (مسأله 65):

1- آن که با غائط نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد.

2- آن که نجاست از خارج به مخرج غائط رسیده باشد (مثل خون زخم).

3- آن که اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده (مثل اسهال).

اگر شک کند که مخرج را تطهیر کرده یا نه اگر چه همیشه بعد از بول یا غائط فوراً تطهیر می کرده باید خود را تطهیر کند (مسأله 70).

1- مخرج بول: مخرج بول با غیر آب پاک نمی شود و اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است ولی کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند و نیز بر زن احتیاط واجب دو مرتبه شستن است (مسأله 66).

2- مخرج غائط: مخرج غائط را با یکی از سه صورت می توان پاک کرد:

1-2- با آب: که اگر با آب بشویند باید چیزی از غائط در آن نماند، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست (مسأله 67).

2-2- هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غائط را از مخرج برطرف کنند اگرچه پاک شدنش محل تأمل است ولی نماز خواندن مانعی ندارد (مسأله 68).

2-3- با اطراف یک پارچه یا یک سنگ، بلکه اگر با یک مرتبه هم غائط برطرف شد کفایت می کند، ولی با استخوان یا سرگین یا چیزهایی که احترام آنها لازم است، مانند کاغذی که اسم خدا بر آن نوشته شده اگر نجاست را از محل برطرف کند، پاک شدنش محل تأمل است و بنابر احتیاط واجب نمی تواند نماز بخواند. (مسأله 69).

اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است، ولی برای نماز بعد باید تطهیر کند (مسأله 77).

ج: استبراء عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می دهند، و آن دارای اقسامی ست و بهترین آنها این است که بعد از قطع بول، اگر مخرج شده اول آن را تطهیر کنند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند و و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند. (مسأله 72).

انواع آب هایی که از مخرج بول می آید:

1- بول.

2- منی: هرگاه از انسان منی خارج شد باید غسل کند و مستحب است قبل از غسل بول کند (استبراء از منی به بول کردن است).

3- مذی: آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می شود و پاک است.

4- وذی: آبی که گاهی بعد از منی بیرون می آید که اگر بول به آن نرسیده باشد پاک است.

5- ودی: آبی که گاهی بعد از بول بیرون می آید اگر بول به آن نرسیده باشد پاک است و چنانچه انسان بعد از بول استبراء کند و بعد آبی از او خارج شود و شک کند که بول است یا یکی از این ها پاک می باشد. (مسأله 73).

کسی که بول کرده چند صورت دارد:

1- استبراء کرده:

1-1 وضوء گرفته و بعد رطوبتی ببیند که بداند بول است یا منی، واجب است احتیاطاً غسل کند و وضوء هم بگیرد.

1-2 وضوء نگرفته، فقط باید وضوء بگیرد. (مسأله 76).

2- استبراء نکرده، وضوء گرفته و بعد رطوبتی ببیند که بداند بول است یا منی فقط باید وضوء بگیرد.

3- استبراء نکرده، اگر به واسطه آن که مدتی از بول کردن او گذشته، یقین کند بول در مجری نمانده است و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه آن رطوبت پاک می باشد وضوء را هم باطل نمی کند (مسأله 75).

4- شک کند استبراء کرده یا نه، و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه نجس می باشد و چنانچه وضوء گرفته باشد باطل می شود. (مسأله 74).

5- شک کند استبرائی که کرده درست بوده یا نه، و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه پاک می باشد وضوء را هم باطل نمی کند. (مسأله 74).

ص: 86

مطهرات ده چیز است

ب: مطهرات.

پاک کننده ها ده چیز است:

1- آب.

2- زمین.

3- آفتاب.

4- استحاله.

5- انتقال.

6- اسلام.

7- تبعیت.

8- برطرف شدن عین نجاست.

9- استبراء حیوان نجاست خوار.

10- غائب شدن مسلمان.

البته در رساله ها ده چیز نام برده شده و در شرح دادن یازده چیز ذکر شده، علتش این است که آب انگور وقتی جوش بیاید قبل از آن که دو قسمتش کم شود و یک قسمت آن بماند به فتوای امام خمینی رحمه الله، نجس نیست ولی خوردن آن حرام است، (به مسایل 202 و 113 رساله عملیه مراجعه شود).

احکام مطهرات

1- آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند:

1-1- مطلق باشد.

2-1- پاک باشد.

3-1- وقتی چیز نجس را می شویند آب مضاعف نشود و بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه عین نجاست تغییر نکند.

1-4- بعد از آب کشیدن چیز نجس عین نجاست در آن نباشد. (مسأله 149).

ص: 87

اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند این ها نجس شود، به فرو بردن در آب کر و جاری پاک می گردد و اگر باطن آنها نجس شود پاک نمی گردد. (مسأله 164)

اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند این ها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود و ظرف آن هم پاک می گردد. اگر ظرف پیش از ریختن آب نجس باشد و اگر پیش از آن ظرف نجس نباشد و گوشت و مانند آن نجس به بول شده باشد دو مرتبه کافی است و اگر به غیر بول نجس باشد یک مرتبه کافی است.

اقسام آب:

1- آب مضاف: آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب یا با چیزی مخلوط باشد مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند (مسأله 15).

2- آب مطلق:

2-1- آب کر: راه شناخت آن:

الف: (از جهت وزن) 128 من تبریز 20 مثقال کم و احتیاط ملاحظه بیشتر است که اقرب مقدار 377/419 کیلوگرم است.

ب: (از جهت مساحت) درازا و گودی و پهنای آن هر یک سه و جب و نیم باشد (مسأله 16).

2-2- آب باران.

2-3- آب چاه.

2-4- آب قلیل: آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد، مثل آب آفتابه (مسأله 25).

2-5- آب جاری: آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته، باشد مثل آب چشمه و قنات و نیز آب چشمه ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می جوشد حکم آب جاری را دارد (مسأله 28).

ص: 88

احکام آب مضاف :

1- چیز نجس را پاک نمی کند و وضو و غسل هم با آن باطل است (مسأله 47).

2- اگر ذره ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می شود (مسأله 47).

3- اگر آب مضاف نجس، طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف به آن نگویند پاک می شود (مسأله 49).

آبی که:

مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مثل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می کند وضو و غسل هم با آن صحیح است.

مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه، مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی کند وضو و غسل هم با آن باطل است (مسأله 50).

احکام آب کر:

1- اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد و بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند، نجس می شود (مسأله 17).

2- اگر بو و یا رنگ آب کر به وسیله غیر عین نجاست تغییر کند، نجس نمی شود (مسأله 18).

3- آبی که:

3-1- به اندازه کربوده، اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه، مثل آب کر است.

3-2- کمتر از کر بوده و انسان شک دارد به مقدار کر شده یا نه، حکم آبی که آب کر را ندارد. بنابراین، در حکم آب قلیل است، یعنی چیز نجس شده را پاک نمی کند، و با ملاقات نجس، نجس می شود.

4- کر بودن آب از دوراه ثابت می شود (مسأله 24):

4-1- خود انسان تشخیص دهد.

4-2- دو مرد عادل خبر دهند.

ص: 89

احکام آب قلیل :

1- اگر روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود. (مسأله 26).

2- اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می رسد نجس می شود و هرچه بالاتر از آن است پاک می باشد (مثل به کار بردن آفتابه) (مسأله 26).

3- اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی شود و اگر نجاست به پایین برسد بالا نجس می شود (مسأله 26).

آبی که :

پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه، پاک است (مسأله 55).

نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

2- زمین با سه شرط کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند:

1-2- زمین پاک باشد.

2-2- زمین خشک باشد.

2-3- اگر عین نجس مثل خون و بول یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود. (مسأله 183).

برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است 15 قدم یا بیشتر راه بروند. (مسأله 185).

مواردی که کف پا و ته کفش پاک نمی شود:

1- روی فرش.

2- روی حصیر.

3- روی سبزه.

4- راه رفتن روی آسفالت و زمینی که با چوب فرش شده است.

5- یک مورد هم محل اشکال است: به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد، پاک شدنش به واسطه راه رفتن محل اشکال است. (مسأله 183).

بنابراین، زمین باید یکی از سه حالت را داشته باشد:

1- خاک.

2- سنگ.

3- آجر، فرش و مانند این ها (مسأله 183).

3- آفتاب چه چیزهایی را پاک می کند؟

3-1- زمین.

3-2- ساختمان.

3-3- چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده.

3-4- میخی را که به دیوار کوبیده اند و جزء ساختمان حساب می شود. (مسأله 191).

3-5- حصیر نجس.

3-6- درخت و گیاه (مسأله 192).

آفتاب با 6 شرط پاک می کند:

1- چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود، پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب آن را خشک کند.

2- اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب آن را برطرف کنند.

3- چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند این ها بتابد و چیز نجس را خشک کند آن چیز پاک نمی شود.

4- آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند پس اگر مثلاً به واسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی گردد ولی اگر باد کم باشد اشکالی ندارد.

5- آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کند.

6- ما بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد یا داخل آن ساختمان - اگر نجس باشد - هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد. (مسأله 191).

4- استحالہ.

س - استحالہ چیست؟

ج - اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی در آید -

ص: 91

پاک می شود و می گویند استحاله شده است، مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد یا سنگ در نمک زار فرورود و نمک شود، ولی اگر جنس آن عوض نشود مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند پاک نمی شود. (مسأله 195).

5- انتقال.

س - انتقال چیست؟

ج- اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را می برند خون از آن جستن می کند، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می گردد، پس خونی که زالو از انسان می مکد چون زالو به آن گفته نمی شود و می گویند خون انسان است نجس است (مسأله 205).

س - خون پشه پاک است یا نجس؟

ج- دو حالت دارد :

1- اگر کسی پشه ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می باشد، پاک است و همچنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزء بدن پشه حساب شود.

2- اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است یا معلوم نباشد که می گویند خون پشه است یا خون انسان نجس است. (مسأله 206).

6- اسلام: اگر کافر شهادتین بگوید مسلمان می شود (مسأله 207).

ص: 92

7- تبعیت.

س- تبعیت چیست؟

ج- تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود. مثلاً اگر شراب، سرکه شود ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آنجا رسیده پاک می شود. (مسأله 210 و 211).

8- برطرف شدن عین نجاست:

8- احکام برطرف شدن عین نجاست:

8-1- اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون یا متنجس مثل آب نجس شود، چنانچه آنها بر طرف شود بدن آن حیوان پاک میشود و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود آب کشیدن توی دهان لازم نیست ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود باید آن را آب بکشند به احتیاط واجب (مسأله 216).

8-2- اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند این ها بنشینند، چنانچه هر دو خشک باشد نجس نمی شود و اگر گرد و خاک یا لباس و مانند این ها تر باشد باید محل نشستن گرد و خاک را آب بکشند. (مسأله 219).

9- استبراء.

س- استبراء حیوان نجاستخوار یعنی چه؟

ج- بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبراء کنند؛ یعنی تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاستخوار به آن نگویند نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند و: باید شتر نجاستخوار 40 روز و گاو را 20 روز و گوسفند را 10 روز و مرغابی را 5 روز و مرغ خانگی را 3 روز، از خوردن نجاست باز دارند و غذای پاک به آنها بدهند (مسأله 220).

ص: 93

س- غایب شدن مسلمان چگونه مطهر است؟

ج- اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار اوست نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال بدهد که آن چیز را آب کشیده یا به واسطه آن که مثلاً آن چیز در آب جاری افتاده پاک شده است اجتناب از آن لازم نیست. (مسأله 221).

ص: 94

احکام پاک کردن ظرف ها و چیزهای نجس:

1- با یک دفعه آب ریختن:

1-1- اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود.

1-2- بول پسر شیر خواری که غذا خورد نشده و شیر خوک نخورده (مسأله 161).

1-3- چیزی که به غیر بول نجس شود بعد از برطرف کردن نجاست (مسأله 162).

1-4- چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند پاک می شود (مسأله 177).

2- چیزی که به بول نجس، شده اگر مثل لباس نباشد و بخوانند با آب قلیل آب بکشند، باید دو مرتبه آب روی آن بریزند و احتیاط آن است که این دو مرتبه بعد از برطرف شدن بول باشد و اگر لباس و مانند آن نجس شده باشد باید بعد از هر مرتبه آن را فشار داد (مسأله 160).

3- (با سه مرتبه):

3-1- ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه بشست بلکه در کر و جاری هم احتیاط سه مرتبه است (مسأله 150).

3-2- ظرفی که به شراب نجس شده با آب قلیل سه مرتبه و بهتر است هفت مرتبه شسته شود. (مسأله 152).

4- (با هفت مرتبه): ظرفی که خوک از آن چیز روانی بخورد یا بلیسد.

5- (با خاک و آب):

5-1- ظرفی را که سگ لیسیده است، بر حسب فتوا.

5-2- از آن ظرف سگ آب یا چیز روان دیگر خورده بنا بر احتیاط واجب.

5-3- آب دهان سگ در آن ریخته که باید اول با خاک پاک خاک مال کرد و سپس دو مرتبه در کر یا جاری یا با آب قلیل شست، البته بنا بر احتیاط واجب (مسأله 150).

اشاره

یکی از انواع طهارت در اسلام طهارت ثلاث «وضو، غسل و تیمم» است. این سه نوع طهارت که باید به قصد قربت به خاطر انجام فرمان خداوند حکیم و با اخلاص کامل انجام پذیرد، با وجود حجم اندک و بسیار ساده از آثار فراوانی برخوردار است که هم جنبه طهارت ظاهری دارد و هم طهارت باطنی و معنوی و باعث ازدیاد نورانیت باطنی انسان می شود.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَأَمْسَمْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید چون به [عزم] نماز برخیزید صورت و دست هایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هر [دو پا] مسح کنید و اگر جنب اید خود را پاک کنید [=غسل نمایید] و اگر بیمار یا در سفر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دست هایتان بکشید».

بنابراین، فلسفه طهارت ثلاث مانند سایر عبادات بالاتر از فواید و آثار مادی و نتایج جسمانی است.

طهارت از نظر نیت و عدم نیت به دو قسمت تقسیم می شود:

1- طهارت مجازی:

ازاله نجاست از لباس و بدن که احتیاج به قصد قربت و نیت ندارد (طهارت از خبث).

2- طهارت حقیقی:

همان طهارت با آب و یا خاک برای وضو و غسل و تیمم است (طهارت از حدث).

طهارت از حدث یا طهارات ثلاث نیز به دو قسم تقسیم می شود:

1- طهارت از حدث اصغر (آنچه موجب وضو می شود مانند خواب و ادرار).

2- طهارت از حدث اکبر (آنچه موجب غسل می شود مانند جنابت و حیض).

البته در مواردی نیز تیمم جایگزین وضو و غسل می گردد (طهارت ترابیه).

طهارات ثلاث که فی حد نفسه واجب نیست، بلکه به خاطر نماز واجب می شود در سه قسمت (وضو، غسل، تیمم) بحث می شود.

الف: وضو

(طهارت از حدث اصغر)

س: چگونه وضو می گیرند؟ ج.

1- اول شستن صورت: که باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می آید تا آخر چانه را شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد باید شسته شود و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است. (مسأله 237)، (سه شستن).

2- دست راست. (سه شستن)

3- دست چپ:

3-1- بعد از صورت باید دست راست و سپس دست چپ را از آرنج تا سر انگشتان بشوید. (مسأله 247)، (سه شستن).

4- مسح سر: بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین (مسأله 249) (سه مسح کردن).

5- مسح پای راست. (سه مسح کردن).

6 مسح پای چپ:

6-1- بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشت ها تا بر آمدگی روی پا مسح کند. (مسأله 252)، (سه مسح کردن).

تذکر: در صورت امکان، بعد از تشریح وضو یک وضو عملاً گرفته شود.

چند مسأله کاملاً قابل توجه:

1- باید صورت و دست ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است. البته اگر به قصد ریختن آب از بالا باشد ولی آب به عکس رد شود اشکال ندارد.

(تحریر الوسيله، ج 1، ص 21، مسأله 2).

2- برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید (مسأله 246).

3- کسی که پیش از شستن صورت دست های خود را تا مچ شسته در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است (مسأله 247).

4- در وضو شستن صورت و دست ها (به قصد وضو) مرتبه اول واجب و مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می باشد (ولی اگر به قصد وضو نباشد چند مرتبه آب ریختن و بعد به قصد وضو دست کشیدن اشکالی ندارد) (مسأله 248).

مسائل مربوط به مسح:

1- در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد (مسأله 255).

2- جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که اجزای آب محل مسح به کف دست برسد، مسح باطل است (مسأله 256).

3- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید (مسأله 257).

شرایط صحیح بودن وضو 13 چیز است:

1- آب وضو پاک باشد.

2- آب مطلق باشد.

3- آب وضو مباح باشد.

4- ظرف آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).

5- ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

6- اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.

7- وقت برای وضو و نماز کافی باشد.

8- به قصد قربت وضو بگیرد.

9- به ترتیب وضو بگیرد.

10- کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد .

11- دیگری او را وضو ندهد.

12 - استعمال آب برای او ضرری نداشته باشد.

13 - در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

ص: 98

تذکر: کسانی که مایلند دعاهای هنگام وضو را فرا گرفته و بخوانند به مسأله 246 رساله عملیه مراجعه نمایند.

موارد شک در وضو:

1- دربین نماز:

1-1- اگر دربین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه:

1-1-1- نماز او باطل است (حکم وضعی) باید وضو بگیرد و نماز را بخواند (تکلیف) (مسأله 304).

2- بعد از نماز:

1-2- شک کند که وضو گرفته یا نه:

1-1-2- نماز او صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعدی وضو بگیرد (مسأله 303).

2-2- شک کند که:

1-2-2- قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز:

1-1-2-2- نمازی که خوانده صحیح است. (مسأله 305).

2-3- کسی که می داند وضو گرفته و حدثی از او سر زده مثلاً بول کرده اگر نداند کدام جلوتر بوده اگر بعد از نماز است باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب نماز را که خوانده دوباره بخواند. (مسأله 302).

3- قبل از نماز:

1-3- کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد (مسأله 301).

2-3- کسی که شک دارد وضوی او باطل شده یا نه:

الف) بنا می گذارد که وضوی او باقیست.

ب) ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر وضوی او باطل است (مسأله 300).

3-3- می داند وضو گرفته و حدثی از او سر زده نمی داند کدام جلوتر بوده:

الف) چنانچه پیش از نماز است باید وضو بگیرد.

ب) و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکنند وضو بگیرد.

ج) و اگر بعد از نماز است حکم آن گفته شده (مسأله 302).

ص: 99

برای شش چیز باید وضو گرفت :

1- نمازهای واجب غیر از نماز میت.

2- برای سجده و تشهد فراموش شده اگر بین آنها و نماز حدیثی از او سرزده (مثلاً بول کرده باشد).

3- برای طواف واجب خانه کعبه.

4- اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.

5- اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند.

6- برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده ولی چنانچه معطل شدن برای وضو گرفتن موجب بی احترامی به قرآن باشد برای آب کشیدن آن وضو لازم نیست (مسأله 316).

مس نمودن خط، قرآن یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد (مسأله 317).

هفت چیز وضو را باطل می کند:

1- بول (ادرار).

2- غائط (مدفوع).

3- باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود.

4- خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود و اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود.

5- چیزهایی که عقل را از بین می برد مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی.

6- استحاضه زنان (این مسأله مربوط به زنان است).

7- کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت (مسأله 323).

اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد (مسأله 320).

س: جبیره چیست؟

ج: چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند.

احکام وضوی جبیره:

1- روی زخم باز است:

1-1- آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو بگیرد (مسأله 324).

1-2- اب برای آن ضرر دارد:

1-2-1- زخم در صورت یا دست و پاست اطراف زخم را بشوید بهتر این است اگر ممکن باشد دست تر روی آن بکشد و اگر ممکن نباشد پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی آن دست بکشد.

1-2-2-1- زخم جلو سر یا روی پاها است و نمی تواند مسح کند:

1-2-2-1- می تواند پارچه روی آن بگذارد؛ باید چنین کند و روی آن مسح کند و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند. (مسأله 326).

1-2-2-2-1- نمی تواند پارچه پاک روی آن بگذارد:

1-2-2-2-1- باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد (مسأله 326).

2- روی زخم بسته است:

2-1- می شود باز کرد:

2-1-1- زحمت و ضرر ندارد؛ باز کند و وضو بگیرد. (مسأله 327).

2-1-2- ضرر دارد و در صورت و دست ها است؛ اگر دست تر کشیدن ضرر ندارد واجب است روی آن دست تر بکشد. (مسأله 329).

2-2- نمی شود باز کرد:

2-2-1- جبیره پاک است و رساندن آب به زخم ممکن بوده و زحمت ندارد باید آب را به زخم برساند. (مسأله 329).

2-2-2- زخم یا جبیره نجس است:

2-2-2-1- می تواند آن را آب بکشد و رساندن آب ضرر و زحمت ندارد باید آب کشد و آب را به زخم برساند. (مسأله 329).

2-2-2-2- آب ضرر دارد یا ممکن نیست؛ باید اطراف زخم را شسته و اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند و اگر نمی شود پارچه پاک گذارده به طوری که جزء جبیره حساب شود و روی آن را مسح کند (مسأله 329).

موانعی غیر از جبیره در اعضای وضو و غسل:

1- (آب ضرر دارد) اگر آب برای همه دست و صورت و یا یکی از این دو ضرر دارد باید تیمم بکند و احتیاط مستحب آن است که وضوی جبیره ای هم بگیرد. و اما اگر آب برای بعض دست و یا بعض صورت ضرر دارد باید وضو بگیرد و کافی است شستن اطراف موضعی که آب برای آن ضرر دارد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند (مسئله 336).

2- (در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده و امکان برداشتن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی شود تحمل کرد) باید به دستور جبیره عمل کند (مسئله 338).

3- گر جایی از وضو را رگ زده است و نمی تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد:

3-1- روی آن بسته است باید به دستور جبیره عمل کند. (مسئله 337).

3-2- روی آن معمولاً باز است؛ شستن اطراف آن کافی است.

س: اگر در صورت یا دست ها چند جبیره باشد تکلیف چیست؟

ج: باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل نماید (مسئله 334).

س: غسل جبیره ای چگونه است؟

ج: مثل وضوی جبیره ای است که باید روی جبیره را مسح کند و جاهای خالی را بشوید و بنابر احتیاط واجب باید غسل را ترتیبی به جا آورد (مسئله 339).

س: تیمم جبیره ای چگونه است؟

ج: کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد باید به دستور وضوی جبیره ای تیمم جبیره ای نماید (مسئله 340).

تذکر: گوینده مسأله بهتر است برای یاد گرفتن افراد کلاس یک وضوی جیره ای با توضیح کامل بگیرد.

ب: غسل

(طهارات از حدث اکبر).

غسل های واجب:

1- غسل جنابت.

2- غسل حیض.

3- غسل نفاس.

4- غسل استحاضه.

5- غسل مس میت.

6- غسل میت.

7- غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند این ها واجب می شود.

سبب جنابت دو چیز است:

1- داخل شدن حشفه اقلأ در قبل و یا در دبر و یا به مقداری است که دخول بگویند برای کسی که حشفه او بریده باشد.

2- خروج منی یا رطوبت مشتبهه پیش از استبراء به بول.

س: علامت جنابت چیست؟

ج: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر این ها چنانچه آن رطوبت این سه نشانه را داشته باشد منی است (البته در مریض و زن اگر با شهوت تنها رطوبت خارج شود جنب است).

نشانه های منی:

1- با شهوت بیرون آمده باشد.

2- با جستن بیرون آمده باشد.

3- بعد از بیرون آمدن بدن سست شود (مسأله 346).

ص: 103

غسل بر دو نوع است:

1- ترتیبی:

1-1- در غسل ترتیبی باید به نیت غسل اول سر و گردن بعد طرف راست بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است. (مسأله 361).

2- ارتماسی:

1-2- در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صحیح است و احتیاط واجب آن است که یک دفعه عرفی زیر آب رود (مسأله 367).

س: کسی که غسل کرده برای نماز وضو هم باید بگیرد؟

ج: کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسل های دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو گرفت (مسأله 391).

پنج چیز بر جنب حرام است:

1- رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و هم چنین بنا بر احتیاط واجب به اسم پیامبران و امامان.

2- رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

3- توقف در مساجد دیگر ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند.

4- گذاشتن چیزی در مسجد.

5- خواندن سوره ای که سجده واجب دارد:

5-1- سوره 32 قرآن (الم تنزیل).

5-2- سوره 41 قرآن (حم سجده).

5-3- سوره 53 قرآن (النجم).

5-4- سوره 96 قرآن (اقراء) (مسأله 355).

ص: 104

مواردی که غسل باطل است:

- 1- در غسل ترتیبی اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله ترتیب را مراعات نکند غسل او باطل است (مسأله 361).
 - 2- در غسل ارتماسی اگر بعد از غسل بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده چه جای آن را بداند یا نداند باید دوباره غسل کند (مسأله 369).
 - 3- اگر در غسل ارتماسی به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند غسل باطل است.
 - 4- کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بنا دارد از وجه حرام بدهد یا بدون این که بداند حمامی راضی است بخواهد نسیه بگذارد اگرچه بعد حمامی را راضی کند (مسأله 381).
- غسل ترتیبی و ارتماسی دو فرق دارد:

- 1- در ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد اما در ترتیبی اگر نجس باشد و هر قسمتی را قبل از غسل آب بکشد صحیح است (مسأله 372).
 - 2- در ارتماسی باید بین آن فاصله نباشد اما در ترتیبی اشکال ندارد (مسأله 380).
- اگر شک کند که غسل کرده یا نه باید غسل کند.
- اگر شک کند غسل او صحیح بوده است یا نه لازم نیست دوباره غسل کند. (مسأله 385).

ج: تیمم

اشاره

(طهارت تراپیه)

تیمم بر دو قسم است:

1- بدل از وضو.

2- بدل از غسل.

ص: 105

در تیمم 4 چیز واجب است (مسأله 700):

1- نیت. البته باید معین کند که بدل از غسل است یا وضو. (مسأله 705).

2- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است.

3- کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دست ها روی ابروها هم کشیده شود.

4- کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

احکام تیمم :

1- در تیمم باید پیشانی و کف دست ها و پشت دست ها پاک باشد در حال اختیار و امکان (مسأله 706).

2- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد (مسأله 707).

3- اگر بدل از غسل جنابت تیمم، کند لازم نیست برای نماز وضو بگیرد باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید (مسأله 723).

4- اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند بعد از برطرف شدن عذر تیمم او باطل می شود (مسأله 719).

تذکر: در صورت امکان عملاً تدریس شود و افراد کلاس تمرین کنند.

توجه: تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارد (مسأله 701).

(مسأله 684).

چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است:

1- خاک.

2- ریگ.

3- کلوخ.

4- سنگ اگر پاک باشند.

4-1- سنگ گچ.

4-2- سنگ آهک.

4-3- سنگ مرمر.

4-4- سنگ سیاه (مسأله 685).

5- گل پخته مثل آجر و کوزه.

6- اگر این ها پیدا نشد به ترتیب گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند این هاست و به گل و اگر گل پیدا نشد احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و بنابر احتیاط واجب بعداً فضای آن را به جا آورد (مسأله 686).

ص: 106

چیزهایی که تیمم به آن‌ها صحیح نیست (مسأله 685):

1- جواهر، مثل سنگ عقیق و فیروزه.

2- به گچ و آهک پخته احتیاط واجب آن است که تیمم نکند.

3- خاک نجس.

4- زمین و خاک غصبی.

5- برف و یخ (تحریرالوسیله، ج 1، ص 106، مسأله 4).

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

1- اگر تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد (مسأله 648).

2- اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند این‌ها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد باید تیمم کند و همچنین است اگر تهیه و استعمال آب به قدری سخت باشد که مردم تحمل آن را نکنند. (مسأله 664).

3- اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد که به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود یا مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود (مسأله 669).

4- هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خود او یا عیال و اولاد او یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند، مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا که به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر که معمولاً برای خوردن سرش را نمی‌برند از تشنگی تلف شود و همچنین اگر کسی که حفظ جان او واجب است بلکه کسی که جائز نیست کشتن او چون شخص ذمی در معرض تلف باشد. (مسأله 674).

5- کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی‌ماند و بنابر احتیاط واجب باید اول بدن و یا لباس نجس را بشوید، پس از آن تیمم کند (مسأله 676).

6- اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد (مسأله 677).

7- هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود (مسأله 678).

طهارت باطنی به معنای پاکی درون و باطن از عقاید باطل و از شرک و ریا و سایر آلودگی‌ها است. تطهیر باطن و سر و ضمیر از رذایل و خبائث را تهذیب یا طهارت نفس می‌گویند. بر اساس «الظاهر عنوان الباطن»، پاکی اعضا و جوارح از آلودگی‌ها و انواع گناهان از آثار این نوع طهارت است.

در قرآن مجید 31 نوبت کلمه ی «طهارت» با مشتقاتش ذکر شده که بیشتر به همین معنای طهارت باطنی تفسیر شده است.

طهارت باطن به دو قسم تقسیم می‌شود:

1 - طهارت در عقاید.

2 - طهارت در اخلاق.

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «الطُّهُورُ نِصْفُ الْإِيمَانِ»؛ «طهارات نصف ایمان است». «مراد آن است که پاک ساختن ظاهر از خبائث و نجاسات و اعضا و جوارح از معاصی و سیئات و دل از اخلاق ذمیمه و غیر خدا نصف ایمان است. نیمه دیگر آن نور حق است و آراستن به اخلاق شریفه و عقاید صحیحه و تا بیدن نور حق در دل...» (1).

طهارت دارای چهار مرتبه است:

1- تطهیر الظاهر من الاحداث والابخاث والفضلات: پاک ساختن ظاهر و (بدن) از حدث و خبث و فضلات.

2- تطهیر الجوارح من الجرایم و الآثام والتبعات؛ پاک نمودن اعضا و جوارح از معاصی و گناهان و تبعات.

ص: 108

1- معراج السعادة، ص 660.

3- تطهير القلب من مساوی الاخلاق و رذایل ها: پاک نمودن نفس از اخلاق مذموم و رذایل.

4- تطهير السّر عمّا سوى الله تعالى و هى تطهير الانبياء والصدّيقين؛ پاک ساختن خانه دل از آنچه غير خدا است و اين طهارت انبيا و صدّيقين مى باشد.

حضرت على عليه السلام، روايت فرموده: «که چون از رسول اکرم صلى الله عليه واله از علامات و نشانه های مؤمن پرسيدند. در پاسخ فرمود: «من علامة المؤمن اربع»؛ «مؤمن را چهار نشانه است»:

1- «آن يُطهر قلبه من الكبر والعداوه» (يکى آن که قلب خود را از کبر و دشمنى بزدايد).

2- «أن يُطهر لسانه من الكذب و الغيبة» (زبان را از دروغ و غيبت پاک سازد).

3- «آن يُطهر عمله من الريا و السمعة» (عمل خویش را از ریا و شهرت طلبی بزدايد).

4- «آن يُطهر جوفه من الحرام و الشبهة» (اندرون خود را از مال حرام و شبهه خالی دارد). (1)

در اینجا با یک تشبیه مناسب و تشبیه معقول به محسوس همان چند موضوعی در طهارت از خبث و حدث اشاره شد به همان ترتیب بحث می شود (1- آلودگی ها یا نجاسات باطنی 2- مطهرات، باطنی 3- کیفیت یا نحوه طهارت باطن).

1- نجاسات باطنی ده چیز است

همان طور که در احکام عملیّه، نجاسات ده چیز شمرده شده، نجاسات باطنی نیز -

ص: 109

1- نشان از بی نشان ها ص 295.

ده چیز است که در شعر زیر عناوین آن ها آمده است:

تهور، جبن، خمود و شره *** تقتیر، اسراف، تجریز، بله.

فَذِي مَعَ الْجَهْلِينَ فِي النَّفْسِ قَدْرٌ *** طُوبَى لِمَنْ ظَهَرَ وَبَطَّنَا قَدْ طَهَرَ.

1- تهور: افراط در قوه غضبیه.

2- جبن: تقریط در قوه غضبیه.

3- خمود: تقریط در قوه شهویه.

4- شره: افراط در قوه شهویه.

5- تقتیر: بخل ورزیدن.

6- اسراف: در غیر طاعت خرج کردن (ولخرجی).

7- تجریز: جربزه، وسواس زیاد در فکر کردن.

8- بله: احمق، خرفت، سبک مغز.

9- جهل بسیط: نادانی.

10- جهل مرکب: نمی داند که نمی داند.

البته چیزهای دیگری نظیر، نفاق، حسد، کبر، سوء ظن و امثال این ها هم جزء نجاسات باطن است. ولی شاعر در این جا به ده نجاست اصلی و ریشه ای اشاره کرده است که از همه نجاسات مهم تر است.

2- مطهرات باطنی ده چیز است

همان طور که برای پاک نمودن چیزهای نجس در رساله ها به ده چیز پاک کننده اشاره شده در پاکی و طهارت باطن نیز عواملی ذکر شده که عبارت است از:

1- ولایت: ولایت و محبت معصومین علیه السلام که بالاترین مطهرات است (وَطَهْرَانَابُولَايِيَّتِك). (1)

2- تقوا: «وَطَهُّوْرُ دَنْسٍ أَنْفُسِكُمْ...» (2): «تقوا باعث پاکی آلودگی های شما می شود.» در تقوا شناخت مُنجیات و مهلکات بسیار مهم است.

3- توبه و استغفار: «وَوَفَّقَنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنْسَ الْخَطَايَا عَنِّي» (3): «مرا به انجام کارهایی موفق گردان که با آن ها آلودگی گناهان را از درون بشویی.»

4- «نماز همان طور که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می کند» (4)

5- ذکر، تضرع، مناجات، روزه و...

3- کیفیت یا نحوه طهارت باطنی

اشاره

همان گونه که به تناسب آلودگی ظاهری نحوه طهارت متفاوت بود، در مورد طهارت باطن نیز مختلف است، مثلاً در طهارت از خبث گاهی با شستن یک نوبت یا دو نوبت با آب، چیزی پاک می شد در مورد طهارت باطن نیز گاهی با یک استغفار و توبه گناه انسان پاک می شود یا در مورد طهارت از حدث نیز گاهی با وضو یا تیمم یا غسل طهارت تحقق می یافت در مورد طهارت باطن نیز گاهی باید برای محو آثار گناه و ناپاکی درون تلاش فراوانی به عمل آورد تا طهارت باطن محقق شود.

ص: 111

1- زیارت حضرت زهرا علیها السلام.

2- نهج البلاغه، خطبه 189، ص 626.

3- صحیفه سجاده، فی ذکر التوبه.

4- توضیح المسائل.

همان گونه که در طهارت از حدث با ریختن مختصری آب بر اعضای وضو طهارت صورت می پذیرد ولی گاهی به خاطر حجم گسترده و فراگیری تمام بدن، باید آب بیشتر روی تمام بدن به عنوان غسل بریزد تا پاک شود، (1) آلودگی باطن نیز گاهی به این سادگی (مانند وضو) تحقق نمی یابد بلکه چه بسا زمانی طول می کشد تا آثار آن آلودگی از بین برود؛ چنان که در روایتی از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که آن حضرت در پاسخ زنی پیرامون شیعه بودن یا محب بودن فرمود: «وَلَكِنْ بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شَدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ ابْتِهَالِهَا إِلَى أَنْ نَسْتَقْدَمَهُمْ بِحُجَّتِنَا مِنْهَا وَنَنقُلُهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا». (2)

نکته دیگر آن که برای تطهیر ظاهری چیز نجس طهارت با آب مضاف تحقق نمی یابد بلکه باید با آب مطلق باشد برای طهارت باطن نیز نمی توان از انسان های التقاطی و منحرف و آلوده بهره گرفت بلکه باید از آب زلال و صاف و پاک یعنی معصومین علیهم السلام که به منزله آب مطلق هستند استفاده نمود.

اولین موضوعی که در کتب فقهی پیرامون بحث طهارت مطرح شده مسأله آب است، در اینجا به چند نکته توجه شود.

1- آب وسیله طهارت است

آب هم مایه حیات است و هم وسیله طهارت: (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا). (3)

ص: 112

1- حضرت رسول صلی الله علیه واله فرمود: «زیر هر موئی جنابتی است و در آن هنگام (جنب شدن) همه بدن غرق لذت دنیوی می باشد، پس باید همه بدن شسته شود تا صلاحیت توجه به جانب حق سبحانه و تعالی را داشته باشد». معراج السعاده. ص 663.

2- بحار الانوار، ج 68، ص 155.

3- انبیاء: 30.

اگر آب که مایه حیات و پاکی اشیاء در جهان است قطع گردد، تمام موجودات زنده در معرض هلاکت قطعی و حتمی قرار خواهند گرفت. بر همین اساس، در عالم خلقت آنچه بشر بیشتر به آن محتاج است بیشتر نیز خلق شده و آب یک نعمت بزرگی است که در تمام جهان بیشتر از چیزهای دیگر وجود دارد و قرآن به همین نعمت اشاره فرمود که اگر یک روز آب از شما گرفته شود و فرورود چه کسی برای شما آب گوارا بیافریند: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ) (1)

ولایت و امامت نیز مایه حیات معنوی انسان ها است که کلمه «ماء» در آیه مذکور تأویل به ولایت و امامت شده است. (2) در آیات و روایات دیگری نیز کلمه ماء و سیل و سقایت تأویل به ولایت شده، چنان که قرآن فرموده است: (وَإِنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا). (3)؛ «یعنی اِسْتَقَامُوا عَلَى الْوَلَايَةِ ... وَلَا ذَفْنَاهُمْ عِلْمًا كَثِيرًا يَتَعَلَّمُونَهُ مِنَ الْأُئِمَّةِ ...» (4) و چه زیبا مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام در مورد مقام و منزلت خود در خطبه سوم نهج البلاغه (خطبه شششقیه) فرمود: «يُنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ»؛ «سیل علوم و معارف از من سرازیر می گردد».

ولایت ائمه علیهم السلام، همان گونه که وسیله حیات و نجات بشریت است، وسیله پاکی و طهارت باطن نیز هست؛ چنان که در آخرین فراز از زیارت صدیقه طاهره حضرت زهرا علیها السلام آمده است: «وَ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ»؛ «و با ولایت شما پاک می شویم».

ص: 113

1- ملک: 67.

2- تأویل الآیات، ج 2، ص 709.

3- جن: 16.

4- تأویل الآیات، ج 2، ص 728.

2- آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند

وسیله اصلی طهارت آب است، ولی نه آب مضاف و آلوده و نجس و نه آبی که با ملاقات نجاست، بو یا رنگ یا طعم آن تغییر کند بلکه آب مطلق و پاک و آبی که رنگ عوض نکند و از ناپاکی ها متأثر نشود در این صورت است که چیز نجس پاک می شود؛ شرط چهارم آن نیز آن است که پس از استفاده از چنین آبی ذرات نجاست در آن چیز وجود نداشته باشد.

آری، ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام، است که چون آب باران بر روی ظرف دل ما شیعیان جاری می گردد و تمام آلودگی های باطنی را پاک می گرداند. در حدیثی آمده است: «ان الله خلق طینة المؤمن من طینة الانبیاء فلن تخبث ابداً»⁽¹⁾ در روایاتی نیز باطن و قلب انسان به ظرف تشبیه شده است: «الْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ».

ظرف وجود انسان از روز نخست نجس و آلوده نبود: (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ ...) (2) عهد الله قابل وصل است و هم قابل شکست، بسیاری از انسان ها با شکستن عهد خدا باعث آلودگی و نجاست باطنی خود گردیدند؛ زیرا به جای آن که کاسه روح و ظرف دل خود را با ولایت خدا و اولیای خدا سقاییت کنند، افکار الحادی و التقاطی منحرفین چون آب مضاف و آلوده در دل آنان نفوذ نمود و باطن آنان را آلوده ساخته است. البته اگر مایلند ظرف نجس شده باطن خویش را پاک سازند، لازم است دل خویش را به آب کر یا جاری وصل نموده و با اتصال به دریای محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام آن ظرف را پاک سازند و با آب دریا و کشتی نجات معصومین علیهم السلام خود را از مهلکه سقوط و خباثت نجات بخشند: «مثل اهل بیته کمی مثل سفینه نوح...».

ص: 114

1- بحار الانوار، ج 5، ص 225.

2- یس: 60.

باید توجه داشت که اگر باطن ظرفی نجس باشد و قرن ها بر روی آب دریا حرکت کند و به طوری بسته باشد که آب در آن نفوذ ننماید باطن این ظرف هرگز پاک نخواهد شد مگر سوراخی پیدا شود که از طریق آن سوراخ (اشک و ناله و مناجات و وجود مصائب) باطن ظرف به دریا وصل گردد و با این اتصال، پاک و مطهر شود: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مِصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ) (1)؛ «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان ها و محصولات می آزماییم و مزده ده شکیبایان را همان کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه یافتگان [هم] خود ایشانند».

3- طهارات ثلاث فی حد نفسه واجب نیست بلکه به خاطر نماز واجب می شود

همان طور که وضو و غسل و یا تیمم به خاطر نماز است، ریاضت نفس نیز باید به منظور خلوت با خدا و قرب الهی باشد. بنابراین، فی حد نفسه ریاضت مطلوب نیست والا مرتاضین هندی از بهترین انسان ها محسوب می شدند.

هدف نهایی از تقوا و ریاضت نفس آن است که در قلب انسان نور خدا و معرفت حق وارد شود و چنین حالتی حاصل نمی شود مگر با راندن و خارج کردن غیر خدا از خانه دل و پاک نمودن صفحه دل از نجاسات و قاذورات؛ زیرا خدا و غیر خدا در یک دل جمع نمی شود: (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ). (2)

ص: 115

1- بقره: 157 - 156 - 155.

2- احزاب: 4.

دل خانه خداست مکن چون مزار *** این خانه را به صاحب خانه واگذار.

و در روایتی آمده است: «القلب حرم الله فلا تسکن حرم الله غیر الله...».

تا که موش دزد در انبان ماست *** گندم اعمال چل گندم اعمال چل ساله کجاست.

اول ای جان دفع شر موش کن *** بعد از آن در جمع گندم کوش کنی.

کلمه توحید نیز به همین معنی است؛ اول نفی، بعد اثبات: «لا اله الا الله».

بنابراین، پاک ساختن دل از غیر خدا و طهارت نفس نصف ایمان است و نصف دیگر آن با تخلیه و زیور ایمان و اعمال شایسته حاصل می شود.

آیین اسلام از نجس شدن ظرف روح انسان پیشگیری نموده ولی اگر روح او آلوده شد، همان طور که برای نماز گاهی یک وضو کافی است، ممکن است گناه انسان نیز با یک استغفار جدی آمرزیده شود. همچنین همانطور که گاهی باید غسل کرد، برای طهارت باطنی نیز گاهی باید زحمت بیشتری تحمل نمود. گاهی هم نجاست به اندازه ای است که نفس را باید به خاک مالید و علاوه بر طهارت حجم مائیه با طهارت ترابیه نیز درصدد پاکی برآمد.

مکن با نفس رحمت با تو چون راه جفا گیرد *** سزایش کشتن است آن سگ که پای آشنا گیرد.

از برخی دعاها و روایات استفاده می شود که ظرف دل انسان گاهی به زبان سگ نفس اماره آلوده می گردد: «قد استکلب علی» (1)، یا «اللهم احساناه عنابدتک» (2) و به قول مرحوم نراقی: «وإذا لم یمكن تطهیره من الاخلاق الرذیله و تخلیته بالاوصاف الجمیلة لرسوخه علی حب الدنیا الدنیة، فلیقمه فی مقام الهضم و الازراء و یسقه بسیاط الذل و الاعضاء، كما انه عند تغدر غسل الاعضاء بالماء یهضمها و یدللها -

ص: 116

1- دعای حزین

2- صحیفه سجادیه، دعای 17، ص 75.

بالوضع علی التراب....»(1) اگر ظرف دل انسان به وسیله سگ نفس اماره آغشته و آلوده شد در قیامت با عنوان «سگ لیسیده» به او خطاب می شود: «قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون...»(2)

ص: 117

1- جامع السعادات، ج 3، ص 314.

2- مؤمنون: 108.

کارنامه احکام

بسمه تعالی.

کارنامه احکام.

نام و نام خانوادگی:

نام پدر:

ش ش:

ت ت:

میزان تحصیلات:

مرکز آموزش:

نام مرجع تقلید:

بسمه تعالی

کارنامه احکام

نام و نام خانوادگی: نام پدر: شش ش: ت ت:

میزان تحصیلات: مرکز آموزش: نام مرجع تقلید:

آزمون مرحله:	تاریخ آزمون: / /
موضوع:	نتیجه آزمون:

.....

-۱

(الف) (ب) (ج) (د)

.....

-۲

(الف) (ب) (ج) (د)

.....

-۳

(الف) (ب) (ج) (د)

.....

-۴

(الف) (ب) (ج) (د)

.....

-۵

(الف) (ب) (ج) (د)

.....

(ج)

(د)

-2

(الف)

(ب)

(ج)

(د)

-3

(الف)

(ب)

(ج)

(د)

-4

(الف)

(ب)

(ج)

(د)

-5

(الف)

(ب)

(ج)

کارنامه نماز

بسمه تعالی.

کارنامه نماز.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ امتحان:

بسمه تعالی
کارنامه نماز

نام و نام خانوادگی

تاریخ امتحان

ردیف	موارد و تعداد غلط	طریقه صحیح	تاریخ مجدد امتحان	ملاحظات
۱-	مثلاً در حال خواندن تکبیره الاحرام بدن تکان خورد	هنگام تکبیره الاحرام باید بدن آرامش داشته باشد.	-	مثلاً ۹٪ نماز صحیح است
۲-	تلفظ صدای (ض) غلط است	به بند شماره ۶ مراجعه شود.	-	-
۳-	-	-	-	-
۴-	-	-	-	-
۵-	-	-	-	-

حروف متشابه: (مخارج بعضی حروف).

1- (ء-ا): همزه از اول گلو ادا می شود وی در (ء) صدا در گلو می چرخد.

2- (ح-ه) در (ح) صدا در گلو می چسبد ولی در (ه) صدا از گلو عبور می کند.

3- (ق-غ): در (ق) صدا از آخر دهان و اول گلو بر می خیزد ولی در (غ) صدا در گلو می چرخد.

4- (ت-ط) زبان را رها کنید خودش مخرج (ت) را پیدا می کند ولی در (ط) جلوی زبان به کام می چسبد.

5- (س-ص-ث): زبان را رها کنید خودش مخرج (س) را پیدا می کند ولی در (ص) زبان در پشت دندان های ثنایای پایین قرار می گیرد و در (ث) نوک زبان به ثنایای بالا می چسبد و صدا نازک می شود.

6- (ز-ذ-ظ-ض): زبان را رها کنید خودش مخرج (ز) را پیدا می کند. در (ذ) نوک زبان به ثنایای بالا می خورد (ظ) مثل (ذ) است ولی صدا کلفت می شود. در (ض) کناره زبان به دندان کناری می خورد.

فرم مصاحبه و ارزیابی نماز

مشخصات ارزیابی شونده:

نام: نام خانوادگی:

میزان تحصیلات:

فرم مصاحبه و ارزیابی نماز

مشخصات مصاحبه شونده:

نام خانوادگی: میزان تحصیلات:

ردیف	وضعیت موضوعات ارزیابی	قوی	متوسط	ضعیف
۱	احکام تقلید			
۲	طریقه وضو گرفتن			
۳	چگونگی تیمم کردن			
۴	اقسام غسل و چگونگی انجام آن			
۵	مقدمات نماز			
۶	اذان و اقامه			
۷	واجبات و ارکان نماز			
۸	قرائت نماز			
۹	رکوع و ذکر آن و قنوت			
۱۰	سجده و ذکر آن			
۱۱	تشهد و محل آن			
۱۲	تسبیحات اربعه			
۱۳	ذکر سلام نماز			
۱۴	مسائل ضروری نماز جماعت			

نظریه ارزیابی کننده و مسؤول

محل امضای مصاحبه شونده

محل امضای مصاحبه کننده

نظریه ارزیابی کننده و مسؤول:

محل امضای مصاحبه کننده:

محل امضای مصاحبه شونده:

دریاچه		زمینی		هوایی	
۱- حلال: انواع ماهی‌های پولک دار مانند ماهی سفید، کپور، پرند و تخم آنها. ۲- حرام: ماهی‌هایی که اصلاً پولک ندارند مانند مارماهی و تخم آنها، کوسه ماهی، خرچنگ.					
اجزای حرام حیوان	۱. خون	۱. گوسفند	۱- اهلی	۱- حلال	زمینی
	۲. سرگین	۲. گاو			
	۳. سپرز	۳. شتر	۲- وحشی	۲- مکروه	
۴. آلت تناسلی نر	۴. شتر مرغ	۱. گورخر	۳- حرام		
۵. آلت تناسلی ماده	۶. دنبان	۲. خر وحشی		۱. اسب	هوایی
۶. دنبان	۷. مئانه	۳. آهو	۲. قاطر		
۷. مئانه	۸. کیسه صفرا	۴. گاو کوهی		۳. الاغ	انواع درندگان (سگ، خوک، پلنگ، کفتار، گرگ، شیر، شغال) گریه، روباه، خرگوش، موش، مار، سوسمار، رتیل، عقرب، جوجه تیغی، و سایر حشرات (مگر ملخ)، فیل، میمون، خرس...
۸. کیسه صفرا	۹. نخاع	۵. بز کوهی	۱. انواع کبوتران، قمری، کبک، مرغابی، اردک، قرقاول، درنا، قطا، هریره، بلبل. ۲. انواع مرغ خانگی، مرغ و خروس. ۳. انواع گنجشک‌ها: بلبل، سار، چکاوک. ۴. انواع پرندگانی که به هنگام پرواز بال‌های خود را بیشتر حرکت می‌دهند. ۵. انواع پرندگانی که دارای چینه دان هستند. ۶. انواع پرندگانی که دارای سنگدان هستند. ۷. انواع پرندگانی که دارای خار عقب پا هستند.		
۹. نخاع	۱۰. دشول	۱. اسب		۱- هدهد ۲- پرستو ۳- صرد ۴- صوام ۵- کلاغ سبز ۶- جغد...	۲. مکروه:
۱۰. دشول	۱۱. رحم (زهدان)	۲. قاطر	۱. خفاش ۲. طاووس ۳. باز ۴. قوش ۵. عقاب ۶. شاهین ۷. قرقی ۸. لاشخور ۹. کرکس ۱۰. انواع کلاغ‌ها ۱۱. هر پرندۀ ای که به هنگام پرواز بال‌های خود را کمتر حرکت دهد و بیشتر نگاه دارد ۱۲. هر پرندۀ ای که نه دارای چینه دان باشد نه سنگدان و نه خار عقب پا.		
۱۱. رحم (زهدان)	۱۲. بی‌گردن	۳. الاغ		۳. حرام	سایر چیزهایی که خوردن آنها حرام است: ۱ گل و خاک و گرد و غبار؛ ۲- مواد مخدر؛ ۳- مواد پلید و خبیث و آلوده و زیانبخش؛ ۴- شراب و فحاح و سایر مسکرات
۱۲. بی‌گردن	۱۳. غده هیوفیز	۱. انواع کبوتران، قمری، کبک، مرغابی، اردک، قرقاول، درنا، قطا، هریره، بلبل. ۲. انواع مرغ خانگی، مرغ و خروس. ۳. انواع گنجشک‌ها: بلبل، سار، چکاوک. ۴. انواع پرندگانی که به هنگام پرواز بال‌های خود را بیشتر حرکت می‌دهند. ۵. انواع پرندگانی که دارای چینه دان هستند. ۶. انواع پرندگانی که دارای سنگدان هستند. ۷. انواع پرندگانی که دارای خار عقب پا هستند.			
۱۳. غده هیوفیز	۱۴. حدقه چشم	۱. اسب ۲. قاطر ۳. الاغ	۱- هدهد ۲- پرستو ۳- صرد ۴- صوام ۵- کلاغ سبز ۶- جغد...	۲. مکروه:	
۱۴. حدقه چشم			۱. خفاش ۲. طاووس ۳. باز ۴. قوش ۵. عقاب ۶. شاهین ۷. قرقی ۸. لاشخور ۹. کرکس ۱۰. انواع کلاغ‌ها ۱۱. هر پرندۀ ای که به هنگام پرواز بال‌های خود را کمتر حرکت دهد و بیشتر نگاه دارد ۱۲. هر پرندۀ ای که نه دارای چینه دان باشد نه سنگدان و نه خار عقب پا.	۳. حرام	

بخش سوم: 110 سؤال و جواب متداول و مهم احكام

اشاره

بخش سوم: 110 سؤال و جواب متداول و مهم احكام.

ص: 123

سؤالات متداول و مهم احکام

در بخش پایانی کتاب و به منظور استفاده بیشتر علاقه مندان به ویژه طلاب و فضلاء مبلغان عزیز، تعداد 110 سؤال کثیر الابتلاء در قالب پرسش های چهار گزینه ای، تدوین و ارایه گردیده است. این پرسش ها، افزون بر استفاده در بیان احکام می تواند برای آزمون فراگیران در کلاس های احکام نیز به کار آید.

1- علائم بلوغ یا تکلیف چیست؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 2252).

الف) تمام شدن 15 سال قمری در مرد و 9 سال قمری در زن.

ب) رویدن موی درشت زیر شکم یا بیرون آمدن منی در خواب یا بیداری.

ج) هر هر سه علامت.

د) یکی از سه علامت.

ص: 125

2- هرگاه شیره و روغن یک نقطه آن نجس شود آیا تمام آن نجس می شود؟ (مسأله 129).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) اگر روان باشد.

د) اگر روان نباشد.

3- آیا خونی که در تخم مرغ پیدا می شود حرام است؟ (مسأله 98).

الف) خیر.

ب) آری به فتوای اکثر مراجع.

ج) باید دور ریخته شود.

د) هیچ کدام.

4- آیا الکل هایی که برای تزریقات استفاده می شود و مست کننده نیست نجس است؟

الف) آری.

ب) بنا بر احتیاط مستحب نجس است.

ج) خیر.

د) هیچ کدام.

5- منظور از یک نوبت شستن در وضو چیست؟ (مسأله 248).

الف) یک مشت آب ریختن.

ب) یک بار دست کشیدن.

ج) به قصد وضو تمام عضو را آب فراگیرد، هر چند بار آب بریزد.

د) به قصد وضو تمام عضو را سه نوبت آب بریزد.

6- اگر پیش از وقت نماز وضو بگیرد آیا می تواند با آن وضو نماز بخواند؟ (مسأله 320).

الف) آرى، مطلقاً.

ص: 126

ب) بنا بر احتیاط واجب اشکال ندارد.

ج) خیر، مطلقاً.

د) به قصد طهارت یا نزدیک وقت نماز به قصد مهیا شدن برای نماز اشکال ندارد.

7- در وضو شستن صورت و دست ها از پایین به بالا (مسأله 243).

الف) صحیح است.

ب) حرام است ولی باطل نیست.

ج) باطل است.

د) در دست ها اشکال ندارد.

8- آیا در وضو واجب است صورت با دست راست شسته شود؟

الف) آری.

ب) خیر.

ج) فقط در صورتی که معذور است.

د) هیچ کدام.

9- اگر موهای جلو سر به اندازه ای بلند است که اگر شانه کند به صورت می ریزد آیا باید در وضو بیخ موها را مسح کند؟ (مسأله 251).

الف) آری.

ب) باید فقط روی موها را مسح کند.

ج) موها را جمع کند و بر روی موها مسح کند.

د) هر سه مورد صحیح.

10- اگر در بین غسل کردن حدث اصغر بول یا باد معده از انسان سرزند آیا غسل باطل است؟ گزینه کامل را بنویسید (مسأله 386).

الف) غسل باطل نیست (امام) باید غسل را رها کند و غسل دیگری انجام دهد (خویی).

ب) غسل صحیح است و باید وضو هم بگیرد (احتیاط لازم) (سیستانی).

ج) بنا بر احتیاط واجب باید غسل را از سر بگیرد و برای نماز نیز وضو بگیرد (مکارم) می تواند غسل را تمام کند، وضو نیز واجب است (فاضل، صافی و ...).

د) هر سه مورد صحیح است.

11- آیا در وقت غسل کردن واجب است نیت کند که غسل واجب انجام می دهد یا مستحب؟ (مسأله 358).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) اگر واجب باشد باید نیت واجب بکند.

د) اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خدا غسل کند کافی است.

12- آیا اگر در حال وضو، اعضای وضو خشک شود، وضو باطل است؟ (مسأله 284).

الف) آری اگر به خاطر طولانی شدن باشد.

ب) خیر اگر در اثر گرمی هوا و امثال آن خشک شود.

ج) مطلقاً باطل است.

د) مطلقاً صحیح است.

13 - کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته نماز بخواند باید در مرحله اول: (مسأله 971).

الف) به پهلو راست به طوری که جلوی بدن رو به قبله باشد بخوابد (مانند میت در قبر).

ب) به پهلوی چپ بخوابد.

ج) به پشت بخوابد (مانند محتضر کف پاها رو به قبله باشد).

د) مانند میت که برای او نماز میت می خوانند بخوابد.

14- کسی که نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده آیا نماز او صحیح است (گزینه کامل را بنویسید) (مسأله 802).

الف) خیر.

ب) آری ولی واجب است دو مرتبه بخواند.

ج) آری ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره بخواند.

د) هیچ کدام.

15- کسی که تا نصف شب نماز مغرب و عشا را نخوانده (به واسطه عذر یا از روی معصیت) تکلیف او چیست؟ (مسأله 740).

الف) بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون نیت قضا و ادا بخواند (فتوای مشهور).

ب) نماز مغرب قضا می شود.

ج) نماز عشا قضا می شود.

د) هر سه مورد.

16- کسی که در هواپیما یا قطار در حال حرکت است چگونه نماز بخواند؟

الف) اگر به هیچ وجه امکان رو به قبله یا پیاده شدن هم نمی باشد وقت نیز تنگ است، شرط قبله ساقط است.

ص: 129

ب) اگر به هیچ وجه امکان رو به قبله یا پیاده شدن نیست و وقت هم تنگ است، نماز ساقط است.

ج) به چهار طرف نماز بخواند.

د) هیچ کدام.

17- کسی که نمی تواند برای سجده پیشانی را به زمین برساند، چگونه باید سجده انجام دهد؟ (عروة الوثقی، ج 1، ص 524، مسأله 1077).

الف) اگر هیچ گونه امکان ندارد، نائب او مهر را بر پیشانی او بگذارد.

ب) شخص دیگری مهر را بلند کند تا نماز گزار به طور طبیعی پیشانی را بر مهر بگذارد، نه آنکه آن شخص مهر را به پیشانی او بچسباند.

ج) سجده واجب نیست.

د) فقط در باطن نیت سجده کند ولی سجده بر او واجب نیست.

18- گفتن ذکرهای مستحبی نماز مانند الله اکبر در حال حرکت (به جز بحول الله ...) آیا نماز را باطل می کند؟ (مسأله 966).

الف) اگر به قصد ذکری که در نماز وارد شده بگوید صحیح است.

ب) به قصد ورود اشکال ندارد.

ج) اگر به قصد ذکر مطلق بگوید یعنی بخواهد ذکری گفته باشد اشکال ندارد.

د) در هر حال نماز باطل است.

19- در چه مواردی سجده سهو واجب است؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 1236).

ص: 130

الف) در بین نماز سهواً حرف بزند و نیز سلام بی جا.

ب) یک سجده را فراموش کند و نیز تشهد فراموش شده.

ج) در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت.

د) در همه موارد واجب است.

20- قیام متصل به رکوع که رکن نماز است کدام قیام است؟

الف) قیامی است که بعد از رکوع باید کاملاً ایستاد و بعد به رکوع رفت.

ب) قیام پیش از رکوع است. (بنابراین اگر رکوع فراموش شد قبل از سجده باید بایستد و به رکوع برود).

ج) قیام در حال تکبیرة الاحرام است، که اگر رعایت نشود نماز باطل است.

د) قیام در حال قرائت نماز و تسیحات اربعه است که رکن نیست.

21- اگر به طور غیر اختیاری حالت فنری پیشانی به مهر بخورد آیا با سجده قبلی یک سجده حساب می شود؟ گزینه کامل کدام است؟

الف) خیر.

ب) آری.

ج) اگر بتواند خود را کنترل کند و کنترل نکند تا عمداً سر بر مهر بخورد اشکال دارد.

د) مورد ب و ج صحیح است.

ص: 131

22- اگر بعد از سجده شک کند یک سجده انجام داده یا دو سجده تکلیف چیست؟ (مسأله 123).

الف) به شک خود اعتنا نکند.

ب) یک سجده دیگر انجام دهد.

ج) اگر هنوز مشغول عمل بعدی یعنی تشهد یا قیام نشده یک سجده دیگر انجام دهد و اگر از محل گذشته اعتنا نکند.

د) بعد از نماز سجده سهو به جا آورد.

23- اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود (متجنس) (مسأله 859).

الف) اگر بیشتر از درهم باشد نماز باطل است.

ب) اگر کمتر از درهم باشد نماز صحیح است.

ج) در بدن و لباس متفاوت است.

د) اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد نمی شود با آن نماز خواند.

24- در چه صورتی با لباس و بدن نجس می شود نماز خواند؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 848).

الف) اگر ناچار باشد.

ب) اگر لباس های کوچک مانند جوراب باشد.

ج) بدن یا لباس کمتر از درهم (اندازه دوریالی) به خون آلوده باشد.

د) در هر سه صورت.

25- آیا در نماز جماعت تا صف جلو تکبیر نگویید نمی شود اقتدا کرد؟ (مسأله 1418).

الف) خیر.

ب) آری ولی نماز فرادا می شود.

ج) آری ولی احتیاط مستحب است صبر کند تا صف جلو تمام شود.

د) هیچ کدام.

26- آیا در بین نماز جماعت می شود نیت فرادا کرد؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 1423).

الف) آری (امام، بهجت ...).

ب) بدون عذر نمی شود (مکارم ...).

ج) اگر از اول نماز قصد نداشته ولی در وسط نماز قصد فرادا کند جایز است (خویی).

د) هر سه مورد.

27- اگر مأموم نیت کند و تکبیر بگوید و به مقدار رکوع خم شود ولی به رکوع امام نرسد (یعنی در همان حال خم شدن امام سر از رکوع بردارد) (مسأله 1427).

الف) نماز او باطل است.

ب) جماعت او صحیح نیست و فرادا می شود.

ج) تمام کند و دو مرتبه نماز را فرادا بخواند.

د) هیچ کدام.

ص: 133

28- کسی که نه امکان وضو و نه تیمم برای او وجود دارد (فاقد الطهورین) چه تکلیفی دارد؟ (مسأله 686).

الف) تکلیف نماز از او ساقط است، قضا هم ندارد.

ب) نماز را بدون طهارت بخواند قضا هم لازم نیست.

ج) نماز برای او واجب نیست اما قضای آن واجب است.

د) مخیر است بخواند یا نخواند.

29- در جایی که نماز جماعت برگزار می باشد آیا جایز است کسی فرادا بخواند؟ (مسأله 555).

الف) هیچ اشکالی ندارد.

ب) نماز باطل است.

ج) نماز صحیح است ولی معصیت کرده.

د) اگر موجب هتک حرمت و توهین به امام جماعت بشود جایز نیست.

30- اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم نماز است حمد و سوره نخواند و بعد فهمید رکعت سوم یا چهارم بوده آیا نمازش صحیح است؟ (مسأله 1447).

الف) خیر.

ب) اعتنا نکند صحیح است.

ج) اگر بعد از رکوع فهمید نمازش باطل است.

د) اگر بعد از رکوع فهمید، نمازش صحیح است اما اگر قبل از رکوع فهمید باید حمد و سوره را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

31- اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است، اقتدا کند و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد در رکعت اول یا دوم بوده تکلیفش چیست؟ (مسأله 1448) (عروة الوثقی، مسأله 26، ص 622).

الف) نماز باطل است.

ب) اگر پیش از رکوع یا بعد از رکوع بفهمد باید تسیحات را بخواند.

ج) چه پیش از رکوع یا بعد از رکوع بفهمد نمازش صحیح است.

د) نماز را تمام کند و دو مرتبه بخواند.

32- اگر در رکوع یادش بیاید که قنوت را فراموش کرده (مسأله 1121).

الف) مستحب است بعد از رکوع قضا کند.

ب) واجب است بعد از رکوع قضا کند.

ج) باید بعد از نماز قضا کند.

د) نماز باطل است و باید دو مرتبه بخواند.

33- کدام یک از این نمازها را نمی شود به جماعت خواند؟

الف) نماز قضای قطعی.

ب) تمام نمازهای مستحبی مگر نماز باران و نماز عید.

ج) نماز آیات.

د) تمام موارد مذکور.

34- حد ترخص یعنی چه؟ (مسأله 1317).

الف) قصد ده روز نمودن.

ب) چهار فرسخ از وطن دور شدن که به آن مسافت شرعی نیز می گویند.

ج) از وطن دور شدن به مقداری که دیوارهای شهر را نبیند و صدای اذان را نشنود.

د) موارد ب و ج.

35- اگر مسافر سی روز در شهر دیگری مسافرت کند و مردد باشد، تکلیف او چیست؟ (مسأله 1353، 1354).

الف) باید کماکان چون مسافر است نماز را شکسته بخواند.

ب) اگر قصد نکرده شکسته بخواند.

ج) باید تمام بخواند.

د) نماز را شکسته بخواند و بعد قضا نماید.

36- آیا می شود از طرف شخص زنده اجیر شد تا برای او کار مستحبی یا زیارت معصومین علیهم السلام انجام دهد؟ (مسأله 1534).

الف) خیر.

ب) کراهت دارد.

ج) بدعت است.

د) آری ثواب آن را برای شخص زنده هدیه کند.

37- اگر طلای سکه دار (مسکوک) به پانزده مثال معمولی برسد (به حد نصاب اول) باید: (مسأله 1896).

الف) یک سوم آن را زکات بدهد.

ب) یک پنجم آن را پردازد.

ج) یک چهارم که نه نخود می شود پردازد.

د) یک دهم آن را که پانزده نخود می شود پردازد.

38- معامله سلف چه نوع معامله ای است؟ (مسأله 2110).

الف) فروش طلا به طلا یا نقره به نقره.

ب) جنس و عوض هر دو آماده تحویل باشد.

ج) جنس موجود و آماده تحویل باشد اما پول آن بعداً و به ازای مدت پرداخت شود.

د) مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد.

39- کسی که مستطیع باشد یعنی استطاعت مالی، جسمی، روحی و غیره داشته باشد (مسأله 2036).

الف) باید هر سال یک نوبت به حج برود.

ب) هر چند سال که می تواند باید به حج برود.

ج) در تمام عمر یک مرتبه واجب می شود.

د) باید هر سال که نمی تواند نائب بگیرد.

40- اگر دو نفر با هم شرکت کنند چنانچه معین نکنند که کدام یک با سرمایه خرید و فروش نماید (مسأله 2150).

الف) هر کدام می توانند بدون هماهنگی با دیگری با آن سرمایه معامله کنند.

ب) این نوع معامله (شرکت) باطل است.

ج) هیچ یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی تواند با آن سرمایه معامله کند.

د) نسبت به مبلغ خود می تواند تصرف کند.

41- اگر کسی که قرض می دهد شرط کند (قرض مشروط) که زیادتراً از مقداری که می دهد بگیرد آیا صحیح است؟ (مسأله 2283).

الف) مانعی ندارد اگر هر دو راضی باشند.

ب) حرام نیست ولی معصیت کرده.

ج) شرط قرض است و حلال می باشد.

د) قرض مشروط است و ربا و حرام می باشد.

42- مالی را که انسان پیدا کرده (القطه) و باید تا یک سال اعلام کند تا صاحبش پیدا شود اگر در بین سال از بین برود (مسأله 2579).

الف) مطلقاً ضامن است که باید با حاکم شرع در میان بگذارد.

ب) مطلقاً ضامن نیست و چیزی هم برعهده او نیست.

ج) اگر کوتاهی نکرده چیزی بر او واجب نیست و اگر کوتاهی کرده باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

د) هیچ کدام.

43- اگر فرشی را برای حسینیه وقف کند آیا می شود برای نماز به مسجد ببرد؟ (مسأله 200).

الف) آری.

ب) احتیاط مستحب آن است که این کار را نکنند.

ج) اگر آن مسجد نزدیک حسینیه باشد مانعی ندارد.

د) خیر هر چند آن مسجد نزدیک حسینیه باشد.

44- طلاق دادن زن در چه حالی باطل است؟ (مسأله 2499) (514).

الف) در حال استحاضه.

ب) در حال ناشزه بودن.

ج) در حال جنابت.

د) در حال حیض یا نفاس.

45- آیا یارانه ها خمس دارد؟

الف) درآمد از غیر راه کسب است و دارد (به فتوای بعضی).

ب) یک نوع درآمد و جزء مؤونه است (به فتوای بعضی).

ج) اگر هدیه باشد خمس ندارد (به فتوای بعضی) ضمناً در ملک سرپرست خانواده است و همسر یا فرزند حق مطالبه ندارد.

د) هر سه مورد.

46- آیا رهن و اجاره یا قرض و اجاره رائج بین مردم صحیح است؟

الف) قرض مشروط حرام است.

ب) اجاره مشروط جایز نیست.

ج) بنا بر فتوای مشهور اجاره مشروط جایز ولی قرض مشروط حرام است. بنابراین، اگر خانه را به مبلغی اجاره کنند و در ضمن آن شرط کنند که مقداری قرض به مالک بدهند اشکال ندارد.

د) هیچ کدام صحیح نیست.

47- آیا در نذر اگر صیغه خاصی فارسی یا عربی خوانده نشود تعهد آور است؟

الف) خیر (زیرا در نذر باید جمله خاصی بگوید که مشتمل بر نام خدا باشد).

ب) آری زیرا خواندن صیغه لازم نیست.

ج) بهتر است صیغه خوانده شود.

د) هیچ کدام.

48- آیا در مورد خمس و زکات همچنین ردّ مظالم، انسان خود می تواند بدون اجازه مجتهد به مصارف خاص آن برساند؟

الف) آری.

ب) اجازه حاکم شرع مجتهد یا نماینده او مستحب است.

ج) خیر مگر زکات که می تواند خود به مصارف خاص برساند.

د) هیچ کدام.

49- آیا ذبح حیوان با دستگاہ و با یک بسم الله صحیح است؟

الف) خیر.

ب) آری هر تعداد حیوان که باشد به شرط آن که ذبح همه آنها عرفاً در یک زمان باشد.

ج) اگر با فاصله هم ذبح شوند لازم نیست بر روی هر کدام یک بسم الله گفته شود.

د) صحیح است هر چند اول حیوان را بی حس کنند و سپس ذبح کنند.

50- آیا بعد از پاکی زن از حیض و قبل از غسل حیض آمیزش جنسی شوهرش با او جایز است؟ (مسأله 467).

الف) خیر.

ب) جایز است ولی معصیت کرده.

ج) جایز نیست بلکه کفاره هم دارد.

د) جایز است ولی احتیاط مستحب ترک آن است (کراهت شدید دارد بنابر فتوا).

ص: 140

51- اگر کسی یقین دارد تا به حال غسلش را درست انجام نداده تکلیف نماز و روزه او چیست؟

الف) قضای نمازها واجب نیست ولی روزه ها را باید قضا کند.

ب) قضای نماز و روزه ها واجب است.

ج) قضا نماز و روزه ها لازم نیست و اعتنا نکند.

د) قضای نمازها لازم است ولی قضای روزه ها واجب نیست.

52- و امی را که بانک می پردازد و سودی دریافت می کند حلال است؟

الف) خیر.

ب) بنابر احتیاط واجب حرام است.

ج) اگر طبق عقود شرعی و به عنوان جعاله یا مضاربه ... و امثال آن باشد مانعی ندارد

د) ربا در قرض است و حرام می باشد.

53- آیا مجسمه سازی و خرید و فروش آن حرام است؟

الف) آری.

ب) خیر.

ج) خرید و فروش مجسمه حرام است ولی ساختن آن اشکال ندارد (فتوای مشهور).

د) ساختن آن حرام است ولی خرید و فروش آن اشکال ندارد (فتوای مشهور).

54- آیا اگر معالجه بیمار منحصر به چیزهای حرام باشد جایز است؟ گزینه کامل چیست؟ (تحریر الوسيله، ج 2، ص 35).

الف) در صورتی که علم و یقین باشد که معالجه بیمار منحصر به همان چیز است.

ب) اگر آن بیماری قابل علاج باشد نه آن که با هیچ عاملی خوب نشود.

ج) اگر بیمار با آن چیز حرام معالجه نشود خواهد مُرد.

د) هر سه مورد باید با هم باشد.

55- سن یائسگی در چه سالی است؟ (فتوای مشهور)؟ (مسأله 435).

الف) سن یائسگی زن های سیّده 50 و غیر سیّده 60 سال قمری است.

ب) سادات 60 سالگی و غیر سادات 70 سالگی.

ج) سادات 61 سال و غیر سادات 52 سال قمری.

د) زن های سیّده 60 سال قمری (58 سال و 77 روز و 12 ساعت شمسی) و غیر سادات 50 سال قمری (48 سال و 6 ماه شمسی).

56- اگر به خاطر بیماری روزه نگیرد و تا ماه رمضان بعد هم به خاطر بیماری نتواند قضای آن را بگیرد؟ (مسأله 1702).

الف) باید وصیّت کند تا روزه او را بگیرند.

ب) باید در سال های آینده بگیرد.

ج) قضای آن روزه تا آخر عمر ساقط است و باید برای هر روز یک مد طعام که حدود پانصد تومان است بپردازد.

57- حد شرابخواری چیست؟

الف) صد ضربه شلاق.

ب) سنگسار کردن.

ج) تبعید و شلاق.

د) هشتاد ضربه شلاق.

58- اگر روزه دار در روز محتلم شود آیا روزه او صحیح است؟ (مسأله 1632).

الف) خیر.

ب) صحیح است ولی باید بعد از ماه رمضان قضای آن را بگیرد.

ج) صحیح است ولی باید فوراً غسل کند.

د) صحیح است و واجب نیست فوراً غسل کند.

59- آیا جنین سقط شده کمتر از چهار ماه غسل و کفن و نماز دارد؟ (مسأله 558).

الف) آری.

ب) فقط باید او را غسل داد.

ج) نماز بر او واجب است.

د) نه غسل و نه نماز ندارد بلکه او را در پارچه ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.

60- ظرفی که با بول نجس شده باشد بعد از برطرف نمودن عین نجاست با آب قلیل و کثیر چند نوبت پاک می شود؟ (مسأله 161).

الف) سه نوبت.

ب) یک نوبت.

ج) دو نوبت.

د) با قلیل یک نوبت با کثیر دو نوبت.

61- ظرفی که به شراب نجس شده باشد با چند نوبت پاک می شود؟

الف) یک نوبت.

ب) دو نوبت.

ج) با آب کثیر چهار نوبت.

د) سه نوبت.

62- اگر به خاطر بیماری روزه نگیرد و قبل از ماه رمضان بعدی از دنیا برود آیا قضای روزه ها بر او واجب است؟ (مسأله 1229).

الف) آری.

ب) باید کفاره پرداخت شود.

ج) خیر.

د) باید برای او استغفار کنند.

ص: 143

63- زنی که بچه شیر می دهد و روزه برای بچه او ضرر دارد آیا مانند مریضی که قضا ندارد روزه از او نیز ساقط است؟ (مسأله 1729).

الف) آری.

ب) باید قضا روزه ها را بگیرد و برای هر روز نیز یک مد طعام به فقیر بدهد و اگر تا ماه رمضان بعد قضا نگیرد باید كفارة تأخیر یعنی دو مد طعام بدهد.

ج) نه نه قضا دارد نه كفاره.

د) فقط باید برای هر روز یک مد طعام یعنی حدود پانصد تومان طعام به فقیر بدهد.

64- کسی که قضای روزه ماه رمضان را می گیرد در چه صورتی اگر آن روزه را بخورد باید كفاره بدهد؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 1700 و 1687).

الف) اگر وقت تا ماه رمضان دیگر وسعت دارد می تواند پیش از ظهر بخورد.

ب) اگر وقت تا ماه رمضان دیگر وسعت دارد چنانچه بعد از ظهر بخورد باید كفاره بدهد.

ج) اگر وقت تنگ است چنانچه بخورد (چه قبل از ظهر یا بعد از ظهر) باید كفاره بدهد به ده فقیر.

د) مورد الف و ب و ج صحیح است و در سه صورت مذکور كفاره واجب می شود.

65- كفارة تخلف از قسم چیست؟ (مسأله 2679).

الف) شست روز روزه گرفتن.

ب) شست فقیر را اطعام نمودن

ج) ده فقیر را سیر نمودن یا پوشاندن آنان.

د) مخیر است بین سه مورد مذکور.

66- اگر قبل از وقت مشغول نماز شود و اطمینان داشته باشد به دخول وقت آیا نماز او صحیح است؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 744).

الف) اگر در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده نمازش باطل است.

ب) اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده نمازش باطل است.

ج) اگر بعد از نماز یا در بین نماز بفهمد وقت داخل شده نماز صحیح است.

د) هر سه مورد صحیح است.

67- منظور از وقت اختصاصی چیست؟ (مسأله 734 و عروه، ج 1، ص 388، مسأله 2).

الف) هیچ نماز دیگری در آن وقت صحیح نیست.

ب) هیچ عبادت دیگری در آن وقت صحیح نیست.

ج) منظور همان وقت فضیلت است.

د) یعنی شریک آن نماز در وقت اختصاصی نباید خوانده شود و اگر بخواند باطل است (مثلاً در وقت اختصاصی ظهر نماز عصر خوانده نشود).

68- اگر کسی به قصد غسل حمام رفت ولی بعد از حمام شک کرد که آیا غسل کرده یا نه آیا باید غسل کند؟

الف) خیر.

ب) بری الذمه شده است.

ج) آری چون در اصل غسل شک کرده.

د) مانند کسی است که در اصل نیت شک کرده و نباید دوباره غسل کند.

ص: 145

69- آیا مسافر می تواند در سفر روزه مستحبی بگیرد یا اعتکاف داشته باشد؟

الف) مطلقاً می تواند.

ب) مطلقاً نمی تواند.

ج) اعتکاف صحیح است و روزه جایز نیست.

د) اگر در وطن نذر کند که در سفر روزه بگیرد مانعی ندارد (فتوای مشهور).

70- آیا اعمالی را که انسان بدون تقلید انجام داده صحیح است؟ (مسأله 14).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) آری اگر بفهمد به وظیفه واقعی خود عمل کرده یا مطابق با فتوای مجتهدی باشد، که فعلاً از او تقلید می کند.

د) هیچ کدام.

71- آیا اگر خونی در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز مطلقاً باطل است؟ (مسأله 848).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) آری اگر بیش از درهم باشد.

د) آری اگر خون حیوان خون جهنده باشد.

72- کدام گزینه صحیح است؟

الف) چیز نجسی را که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است.

ب) چیز نجسی را که انسان شک دارد پاک شده یا نه، پاک است.

ج) چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه، نجس است.

د) هیچ کدام.

73- آیا گریه و خنده در نماز نماز را باطل می کند؟ (مسأله 1150، 1151).

الف) با صدای بلند و عمدتاً برای کار دنیا نماز باطل است.

ب) برای ترس از خدا و آخرت نیز نباید بلند گریه کرد.

ج) خنده در نماز سهواً و عمدتاً باطل است.

د) گریه برای کار دنیا و بی صدا و نیز خنده عمدی اشکال ندارد.

74- اگر در نماز سوره را نخواند نماز باطل است یا خیر؟ گزینه کامل کدام است؟ (مسأله 979).

الف) در نماز مستحبی اشکال ندارد.

ب) در نماز واجب و مستحب هیچ کدام اشکال ندارد.

ج) در تنگی وقت یا ترس از دزد و درنده یا به خاطر عجله در کاری اشکال ندارد.

د) الف و ج.

75- کسی که در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده چه وظیفه ای دارد؟ (مسأله 1265).

الف) باید نماز را ادامه دهد و تمام نماید.

ب) باید نماز را رها کند و بعد از وضو یا غسل بقیه نماز را تمام کند.

ج) باید نماز را به هم بزند.

د) هیچ کدام.

ص: 147

76- اگر بعد از غسل شک کند غسل او صحیح بوده یا نه تکلیف او چیست؟ (مسأله 385).

الف) غسل باطل است.

ب) لازم نیست دوباره غسل کند.

ج) باید یک وضو بگیرد.

د) هیچ کدام.

77- کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه یا این که وضوی او باطل شده یا نه، تکلیف او چیست؟ (مسأله 300، 301).

الف) در هر دو صورت باید وضو بگیرد.

ب) در هر دو صورت وضو لازم نیست.

ج) در صورت اول باید وضو بگیرد و در صورت دوم لازم نیست.

د) در صورت اول لازم نیست وضو بگیرد و در صورت دوم باید وضو بگیرد.

78- اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید.

الف) نماز او صحیح است.

ب) باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

ج) اگر بعد از نماز یادش بیاید لازم نیست بخواند.

د) احتیاط مستحب آن است که اعتنا نکند.

ص: 148

79- کدام گزینه صحیح نیست؟ (مسأله 255، 256، 257، 247).

الف) جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که اجزای آب محل مسح به کف دست برسد مسح باطل است.

ب) اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

ج) در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها کشید و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است.

د) کسی که پیش از شستن صورت دست های خود را تا مچ شسته در موقع وضو لازم نیست تا سر انگشتان را بشوید و انگشتان را بشوید و تا مچ کافی است.

80- تیمم بر چه چیزهایی صحیح است؟ (مسأله 684).

الف) خاک، ریگ، کلوخ، سنگ (فیروزه، عقیق).

ب) خاک، ریگ، کلوخ، سنگ (سنگ گچ، آهک، مرمر و ...).

ج) ریگ، گرد و غبار روی فرش، گل، جواهر، فیروزه، کلوخ و خاک.

د) همه سه موارد.

81- سجده بر چه چیزهایی صحیح است؟ (مسأله 1076).

الف) زمین، گچ، کوزه گلی، آجر، خاک، چیزهای معدنی.

ب) خاک، ریگ، آهک پخته، برگ درخت، چیزهای خوراکی و غیره.

ج) زمین، آجر، آهک پخته، گچ، سنگ گچ، سنگ آهک، کاغذ، چیزهایی که از زمین می روید.

د) الف و ب.

82- آیا اگر پول را در بانک به عنوان سپرده گذاری بگذارد مشروط بر آن که در مقابل آن وام بگیرد جایز است؟

الف) اشکال ندارد، زیرا علی الحساب است.

ب) اشکال ندارد و باید خمس آن را به عنوان مال مخلوط بدهد.

ج) جایز نیست سپرده گذاری مشروط به اخذ وام ربا و حرام است.

د) هیچ کدام.

83- آیا طلای زرد و سفید برای مرد حرام است؟

الف) مطلقاً حرام است به هر عنوان و نماز نیز با آن باطل است.

ب) مطلقاً حرام نیست ولی با آن نمی توان نماز خواند.

ج) طلای زرد اشکال ندارد.

د) طلای سفید چون پلاتین است بلامانع است.

84- آیا در یک مسأله می شود از مجتهد دیگر تقلید کرد؟

الف) آری (مطلقاً).

ب) خیر (مطلقاً).

ج) در صورتی که مجتهد فتوا ندارد و بگوید بنابر احتیاط مستحب.

د) در صورتی که مجتهد فتوا نداشته و یا بگوید بنابر احتیاط واجب.

85- فضله کدام یک از موارد زیر نجس نیست؟

الف) پرندگان حرام گوشت.

ب) پشه، مگس و مانند این ها.

ج) حیوان نجاست خوار.

د) همه موارد.

86- اگر بعد از نماز شک کند وضو گرفته یا نه؟ (مسأله 303).

الف) نماز او صحیح است ولی باید برای نماز بعد وضو بگیرد.

ب) نماز او صحیح است ولی باید دوباره بخواند.

ج) نماز او باطل است.

د) نمازی که خوانده صحیح است و بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

87- کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد تکلیف او چیست؟ (مسأله 748).

الف) باید تیت ما فی الذمه کند.

ب) باید به نیت قضا بخواند.

ج) باید به نیت اداء بخواند.

د) هیچ کدام.

88- هرگاه در رکعت های نماز چنان شک کند که نداند چند رکعت خوانده (مسأله 1165).

الف) نماز باطل است.

ج) بنا را بر اکثر بگذارد.

ب) نماز صحیح است.

د) از شکیات صحیح می باشد.

89- آیا نماز قضا را می توان به جماعت خواند؟ (مسأله 1388).

الف) خیر.

ب) آری.

ج) نماز مستحبی را می شود.

د) فقط در صورتی که امام جماعت نماز قضا می خواند می شود.

90- کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مانند زیارت حج مسافرت کند (مسأله 1307).

الف) نماز او کامل است.

ب) باید شکسته بخواند.

ج) باید به طور جمع بخواند.

د) بهتر است تمام بخواند.

91- اگر احتمال دهد نمازهای قضایی دارد یا نمازهایی که خوانده صحیح نبوده (مسأله 1374).

الف) مستحب است احتیاطاً قضای آن نمازها را بجا آورد.

ب) واجب است قضا نماید.

ج) وصیت کند تا وارث انجام دهد.

د) شخصی را اجیر بگیرد تا برای او بخواند.

92- کدام یک از موارد زیر مشمول خمس نمی شود؟ گزینه کامل کدام است؟

الف) اریبه.

ب) هدیه به فتوای بعضی از مراجع.

ج) مهریه.

د) هر سه مورد.

93- فروش طلا به طلا یا یک من گندم به یک من و نیم گندم آیا صحیح است؟ (مسأله 2119).

الف) حلال است.

ب) حرام و ربا است.

ج) حلال ولی رشوه است.

د) مکروه و معصیت است.

94- آیا مس نمودن خط قرآن و رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است؟ (مسأله 317، 319).

الف) اشکال ندارد.

ب) کراهت دارد.

ج) حرام است.

د) هیچ کدام.

95- اگر بعد از خواندن نماز بفهمد مکانش غصبی بوده نمازش باطل است؟ (مسأله 869).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) اختلاف فتوا است.

د) بنابر مشهور باطل است.

96- آیا کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد می تواند روزه مستحبی بگیرد؟

الف) مانعی ندارد.

ب) تنها روزه قضای ماه رمضان جایز است.

ج) خیر.

د) جایز است.

97- آیا اگر مأموم در نماز جماعت پیش از امام عمداً سلام دهد نمازش صحیح است؟ (مسأله 1468).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) سهواً اشکالی ندارد.

د) عمداً جایز نیست.

98- اگر تیمم کند و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد آب برایش ضرر نداشته نمازش صحیح است؟ (مسأله 672).

الف) خیر.

ب) آری.

ج) باید قضا نماید.

د) هیچ کدام.

ص: 153

99 - آیا ارزش افزوده خمس دارد؟ مثلاً زمین را خریده ولی هنگام فروش افزایش قیمت پیدا کرده است.

الف) آری.

ب) خیر.

ج) تنها زمین خمس دارد.

د) هیچ کدام.

100 - در ماه مبارک رمضان اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش رسید، آیا باید آن روز را روزه بگیرد؟

الف) آری.

ب) خیر.

ج) باید روزه بگیرد و بعد هم قضا نماید.

د) گزینه الف و ج.

101 - اگر در بین وضو جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود آیا وضو صحیح است؟ (مسأله 276).

الف) خیر.

ب) آری.

ج) بنابر احتیاط واجب صحیح است.

د) بنابر احتیاط مستحب صحیح است.

102 - اگر باران به زمین یا فرش و لباس یا چیز نجس دیگر که عین نجاست در آن نیست بیارد پاک می شود؟ (مسأله 37).

الف) تنها زمین پاک می شود.

ب) پاک نمی شود.

ج) آری.

د) فقط فرش پاک می شود.

103 - اگر در بدن و لباس نمازگزار موی گربه باشد نماز باطل است؟ (مسأله 824 - 825).

الف) آری.

ب) خیر.

ج) باطل نیست ولی معصیت است.

د) هیچ کدام.

ص: 154

104 - پرندگانی که بال زدن آنها بیشتر از بال زدن سایر پرندگان می باشد و چینه دان و نیز خار عقب پا (بریدگی) دارند.

الف) حرام گوشت هستند.

ب) حلال گوشت هستند.

ج) مکروه هستند.

د) تنها آنها که چینه دان دارند حلال هستند.

105- آیا نذر کردن بدون رضایت شوهر صحیح است؟ (مسأله 2644).

الف) به طور مطلق صحیح است.

ب) اشکال ندارد ولی فقط در مورد اموال شخصی خود صحیح است.

ج) بنا بر فتوای مشهور جایز نیست هر چند از اموال خود زن باشد.

د) هیچ کدام.

106- آیا ریش تراشی همچنین گرفتن اجرت برای تراشیدن آن حرام است؟

الف) خیر.

ب) مکروه است.

ج) بنا بر فتوا مشهور یا بنا بر احتیاط واجب حرام است.

د) بنا بر فتوا صریح و مشهور و نیز بنا بر احتیاط مستحب حرام است.

107- آیا در هنگام غسل جایز است با یک غسل چند نیت نمود؟ (مسأله 389).

الف) خیر.

ب) فقط غسل واجب.

ج) تنها در غسل های مستحب.

د) آری.

108- اگر کسی نماز میت را بدون طهارت (وضو، غسل تیمم) بخواند صحیح است؟

الف) نماز باطل است.

ب) نماز صحیح است.

ج) باید دوباره بخواند.

د) تا میت دفن نشده بخواند.

109- اگر مکان نمازگزار نجس باشد ولی سرایت نکند و تنها مهر و جای پیشانی پاک باشد، نماز صحیح است؟ (مسأله 885).

الف) خیر.

ب) آری.

ج) بنا بر احتیاط واجب صحیح است.

د) هیچ کدام.

110- آیا خوردن کوسه ماهی یا ماهی کوسه (کولی) و نیز خرچنگ حلال است؟

الف) آری.

ب) کراهت دارد.

ج) خیر (ماهی فلس دار) حلال است.

د) خرچنگ و میگو حلال است.

ص: 156

1. عاملی، حر، وسائل الشیعة (الإسلامیة)، تحقیق و تصحیح ربانی شیرازی شیخ عبد الرحیم، ج 1، چاپ پنجم، بیروت: دار الإحیاء التراث العربی، 1403 - 1983 م.
2. میرزا نوری، مستدرک الوسائل، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، لإحیاء التراث، ج 14، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، الإحیاء التراث، 1408 - 1988 م.
3. شیخ کلینی، اصول کافی، تحقیق: غفاری علی اکبر، ج 1، چاپ پنجم، تهران دار الکتب الاسلامیة، 1363 ش.
4. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 1، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء.
5. شیخ طبرسی، مکارم الأخلاق، چاپ ششم، منشورات الشریف الرضی، 1392 - 1972 م.
6. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج 1، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة.
7. شیخ طبرسی، تفسیر مجمع البیان، تحقیق: لجنة البیان، تحقیق: لجنة من العلماء و المحققین الأخصائین، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلى للمطبوعات، 1415 - 1995 م.

8. بحراني، عبد الله، العوالم، الامام حسين عليه السلام، تحقيق: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، چاپ اول، قم: مدرسة الامام المهدي (عج) بالحوزة العلمية، 1365 ش.
9. حراني، ابن شعبة، تحف العقول، تحقيق: غفاري، على اكبر، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، 1363 ش.
10. السيد اليزدي، العروة الوثقى، ج 3، تحقيق: مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، 1420 ق.
11. شيخ الصدوق، علل الشرائع، ج 1، تحقيق: بحر العلوم، سيد محمدصادق، نجف اشرف: منشورات المكتبة الحيدرية و مطبعتها، 1385-1966.
12. شهيد ثاني، شرح اللمعة تحقيق، كلانتری سيد محمد، چاپ اول و دوم، قم: منشورات جامعة النجف الدينية، 1386 - 1398.
13. خميني، روح الله، تحرير الوسيلة، ج 1، چاپ دوم، قم: دار الكتب العلمية، 1390.
14. خميني، روح الله، توضيح المسائل، چاپ هفتم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1372 ش.
15. قمي، عباس، سفينة البحار، چاپ اول، دار الأسوة للطباعة والنشر، 1414 ق.
16. كاشاني، المحبحة البيضاء في تهذيب الأحياء، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامي 1415 ق.
17. مجلسي، محمد باقر، حلية المتقين، چاپ اول، كانون پژوهش، 1379 ش.
18. نراقي، محمد مهدي، جامع السعادات، چاپ سوم، جامعة النجف، 1383 - 1963.

پاسخ نامه

د	ج	ب	الف		د	ج	ب	الف		د	ج	ب	الف	
	•			۷۵	•				۳۸	•				۱
		•		۷۶		•			۳۹		•			۲
	•			۷۷		•			۴۰			•		۳
		•		۷۸	•				۴۱		•			۴
•				۷۹		•			۴۲		•			۵
		•		۸۰	•				۴۳	•				۶
	•			۸۱	•				۴۴		•			۷
	•			۸۲	•				۴۵			•		۸
			•	۸۳		•			۴۶				•	۹
•				۸۴				•	۴۷	•				۱۰
		•		۸۵		•			۴۸	•				۱۱
			•	۸۶			•		۴۹			•		۱۲
	•			۸۷	•				۵۰				•	۱۳
			•	۸۸	•				۵۱		•			۱۴
		•		۸۹		•			۵۲				•	۱۵
		•		۹۰	•				۵۳				•	۱۶
			•	۹۱	•				۵۴			•		۱۷
•				۹۲	•				۵۵		•			۱۸
		•		۹۳		•			۵۶	•				۱۹
	•			۹۴	•				۵۷			•		۲۰
		•		۹۵	•				۵۸	•				۲۱
	•			۹۶	•				۵۹		•			۲۲
			•	۹۷		•			۶۰	•				۲۳
		•		۹۸	•				۶۱	•				۲۴
			•	۹۹		•			۶۲		•			۲۵
		•		۱۰۰			•		۶۳	•				۲۶
		•		۱۰۱	•				۶۴			•		۲۷
	•			۱۰۲		•			۶۵		•			۲۸
			•	۱۰۳	•				۶۶	•				۲۹
		•		۱۰۴	•				۶۷	•				۳۰
	•			۱۰۵		•			۶۸		•			۳۱
	•			۱۰۶	•				۶۹				•	۳۲
•				۱۰۷		•			۷۰			•		۳۳
		•		۱۰۸		•			۷۱		•			۳۴
		•		۱۰۹				•	۷۲		•			۳۵
	•			۱۱۰				•	۷۳	•				۳۶
					•			•	۷۴		•			۳۷

آثار و تالیفات نگارنده

- 1- رساله آموزشی.
- 2- احکام بانوان.
- 3- احکام ماه رمضان.
- 4- آیه وضو و احکام وضو.
- 5- ره توشه بیماران.
- 6- ره توشه ماه رمضان.
- 7- عروة الوثقی آموزشی.
- 8- سیر و سیاحت در اسلام.
- 9- مسؤولیت ها و مسؤولین
- 10- اسلام و تربیت.
- 11- ارتباط در دنیا و در آخرت.
- 12- در جستجوی حقیقت (شرح حدیث عنوان بصری).
- 13- المحاضرات في علم الرجال.
- 14- جنگ و آیین نبرد در اسلام.
- 15- پرواز یا سقوط در سه عامل.
- 16- پزشک مکتبی (عقاید، اخلاق، احکام).
- 17- صفای صافی.
- 18- استعاده.
- 19- در پرتو احکام.
- 20- عرفان دروغین.

21- رضایت و برائت بیمار و پزشک.

ص: 160

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

